

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی (۲)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

این کتاب در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بازنگری شد و در اصلاح آن از نظرات دبیرخانه کشوری درس عربی و نیز گروه‌های آموزشی و دبیران مجرب عربی استفاده شد.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : عربی (۲) سال دوم دبیرستان - ۲۲۴/۲

مؤلفان : حبیب تقوایی، علی چراغی، حمیدرضا حیدری، مرتضی طحان‌پور، اباذر عجاجی، سکینه فتاحی‌زاده،

عیسی متقی‌زاده و حمیدرضا میرحاجی

بازنگری : عادل اشکیوس، حبیب تقوایی و عبدالله یزدانی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب‌سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

نقّاش : محمدحسین تهرانی، جعفر معدن‌دار و محمدحسن معماری

طراح جلد : علیرضا رضائی‌گر

صفحه‌آرا : علی نجمی، غزاله نجمی

حروفچین : فاطمه باقری مهر

مصحح : رعنا فرج‌زاده دروئی، شاداب ارشادی

امور آماده‌سازی خبر : فاطمه بزشکی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

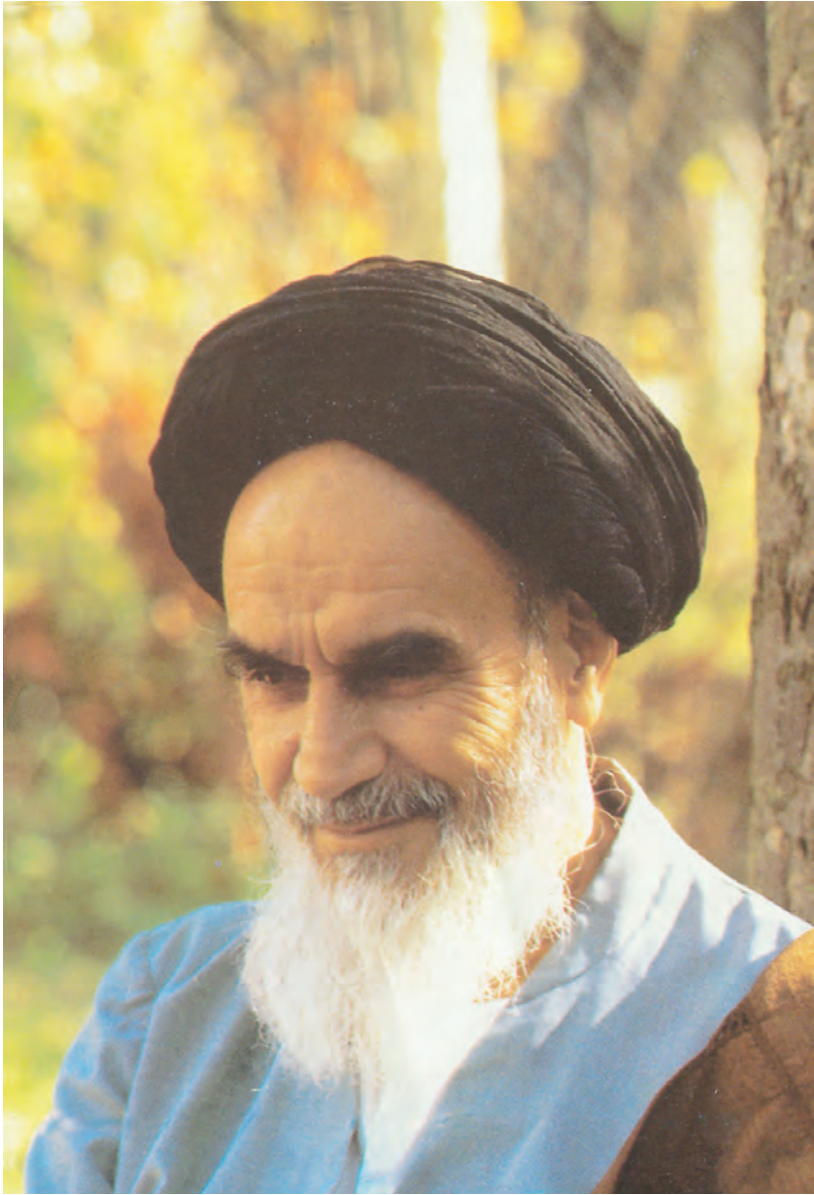
تلفن : ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ چهاردهم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۳-۷۲۵-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-0725-3



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.
امام خمینی (ره)

فهرس الكتاب

الصفحة	القواعد	الدّرس
٢	التذكّار (١)	الدّرس الأوّل
١١	التذكّار (٢)	الدّرس الثّاني
٢٣	المعرفة و النكرة	الدّرس الثّالث
٣٠	أنواع الإعراب (١)	الدّرس الرّابع
٤١	أنواع الإعراب (٢)	الدّرس الخامس
٥٤	إعراب الفعل المضارع (١)	الدّرس السّادس
٦٢	إعراب الفعل المضارع (٢)	الدّرس السّابع
٧٢	المبنيّ للمعلوم و المبنيّ للمجهول	الدّرس الثّامن
٨٢	العدد	الدّرس التّاسع
٩٤	الأفعال الناقصة	الدّرس العاشر
١٠٢	الحروف المشبّهة بالفعل	الدّرس الحادي عشر

١١٠	أفعال المقاربة	الدّرس الثّاني عَشَرَ
١٢٢	المفعول فيه	الدّرس الثّالث عَشَرَ
١٣٠	الصّفة و الموصوف	الدّرس الرّابع عَشَرَ
١٣٩	الإضافة	الدّرس الخامس عَشَرَ
١٤٩	التّصغير، التّسببة	الدّرس السّادس عَشَرَ
١٥٨		المُعْجَم

مقدمه

حمد و ثنای بی حد و حصر خدای را که ما را از اُمت خاتم پیامبران قرار داد و توفیق خدمت به زبان قرآن، این معجزه همیشه جاوید را نصیب این بندگان گردانید تا با برنامه‌ریزی و تهیه کتاب‌های مناسب، زمینه آشنایی با این زبان مقدس را برای نوباوگان و جوانان دانش‌آموز فراهم سازیم. رشته ادبیات و علوم انسانی رشته‌ای بسیار با اهمیت است. به همین دلیل، از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته شد کتاب‌های عربی این رشته با رعایت اصول برنامه‌ریزی درسی و در نظر گرفتن نیازها و علایق دانش‌آموزان، به طور مستقل تألیف شوند.

ویژگی‌های کتاب

- ۱- در انتخاب و تولید متون از موضوعات متنوعی استفاده شده است.
- ۲- بخش قواعد کتاب عمدتاً به شیوه استقرایی و به کمک تحلیل نمونه‌ها و استفاده از شیوه مقایسه نگاشته شده است. در این شیوه فرصت‌های مناسبی برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری فراهم آمده و مطالب با تکیه بر آموخته‌های قبلی و با سیر از ساده به پیشرفته تنظیم گردیده است و برای سهولت بیشتر آموزش، از جدول، کادر و تصویر بهره گرفته شده است تا نکات دستوری به شیوه‌ای جذاب، شیرین و قابل درک و فهم در اختیار دانش‌آموز قرار گیرد.
- ۳- از آنجا که اصلی‌ترین هدف آموزش زبان عربی فهم متون دینی است، تمرین‌هایی با عناوین «کارگاه ترجمه»، «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» در نظر گرفته شده است. در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته کلمات و عبارات به کار رفته در «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در متن دروس به کار رفته باشد. و از این رو در هر گونه ارزشیابی کتبی، ترجمه کلمه‌های این قسمت‌ها لزوماً مورد نظر نیست.

چند توصیه به همکاران

۱- در این کتاب سعی شده است در ارایه قواعد هر درس ضمن تکیه بر اطلاعات قبلی، با استفاده از تصاویر و مثال‌های مختلف و ارتباط قواعد با محیط اطراف، دانش‌آموز را به فضای قواعد نزدیک‌تر نماییم که البته این روش محدود به مثال‌ها و روش‌های ذکر شده نیست، بلکه الگویی است برای حرکت همکاران در این راستا به منظور نیل به ابتکارات و الگوهای جدید.

۲- لازم است در تدریس کتاب، بیشترین سهم به دانش‌آموزان اختصاص یابد و تا جایی که ممکن است، معلم نقش راهنما را به عهده داشته باشد. فعال بودن دانش‌آموز در امر یادگیری به‌ویژه در کسب مهارت‌های اساسی، از رویکردهای تعلیم و تربیت کنونی است.

۳- آنچه به ارایه درس غنا بخشیده و سهم مهمی در تفهیم مطالب ایفا می‌کند، استفاده معلم از وسایل کمک آموزشی است. هرچند کمبود وسایل کمک آموزشی در درس عربی را نمی‌توان انکار کرد، اما این امر نمی‌تواند مانع فعالیت و خلاقیت معلم شود. چه بسا بتوان از وسایل ابتدایی آموزش نظیر چند قطعه گچ رنگی و تخته سیاه همراه با پرسش‌های دقیق و هدایت‌گر، بهترین بهره را برده و دانش‌آموز را به شرکت در فرایند یادگیری تشویق کرد.

۴- در ارایه درس از روشی مشارکت‌جویانه و دوسویه استفاده شده و فرصتی برای دانش‌آموز فراهم آمده تا خود مراحل یادگیری را طی کند. لذا شایسته است مربیان ارجمند نیز به دانش‌آموز فرصت داده تا به تدریج، خود مراحل آن را طی کند.

۵- با توجه به ضرورت مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب کتاب و توضیح کلمات جدید و دشوار متن‌ها و تمارین در پایان کتاب، از دبیران گرامی انتظار می‌رود که ترجمه متن‌ها و تمارین را به عهده دانش‌آموزان واگذار نموده و خود نقش مُصحح را در ترجمه دانش‌آموزان ایفا نمایند.

۶- بار اصلی آشنا کردن دانش‌آموزان با زبان وحی و علاقه‌مند نمودن آنان به این زبان، بر دوش دبیران زحمتکش و دلسوز میهن اسلامی است و هیچ کتابی هرچند کامل و بی‌نقص هم باشد، قادر به

انجام این مهم نیست. از این رو، از دبیران ارجمند انتظار دارد که ضمن وقوف بر بار سنگین مسئولیتی که بر دوش می‌کشند، هرچه بیشتر با شیوه‌های نوین زبان‌آموزی و الگوهای علمی تدریس آشنا شده و برای تدریس مطلوب کتاب‌های عربی مورد استفاده قرار دهند.

۷- در هرگونه ارزشیابی از مترادف و متضاد، لازم است که فقط از تمرینات کتاب سؤال

داده شود.

توفیق همه خدمتگزاران به زبان قرآن را از خداوند متعال خواستاریم.

گروه عربی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

سایت گروه عربی :

[www.arabic - dept.talif. sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

الدَّرْسُ الأوَّلُ

رَبَّنَا

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً﴾
﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ
فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
اللَّهُمَّ اجْعَلِ اليَقِينَ فِي قَلْبِي وَالثُّورَ فِي بَصْرِي وَ
النَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي
وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



التذكار (١)

دانستیم که

فعل ثلاثی

ثلاثی مجزّد : فعلی است که اولین صیغه ماضی آن از سه حرف اصلی تشکیل شده باشد.
ثلاثی مزید : فعلی است که در اولین صیغه ماضی علاوه بر حروف اصلی یک یا دو یا سه حرف زائد داشته باشد.

باب های ثلاثی
مزید

الماضي المصارع الأمر (للخطاب) المصدر (الباب) الحروف الزائدة

أَفْعَلْ	يُفْعَلُ	أَفْعُلْ	إِفْعَالٌ	همزة
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ	تكرار عين الفعل
فَاعَلَّ	يُفَاعِلُ	فَاعِلٌ	مُفَاعَلَةٌ (فِعَالٌ)	الف

یک

حرف زائد

تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ	ت - الف
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	ت - تكرار عين الفعل
إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعَلْ	إِفْتِعَالٌ	إ - ت
إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعَلْ	إِنْفِعَالٌ	إ - ن

دو

حرف زائد

إِسْتَفَعَلَ	يَسْتَفَعِلُ	إِسْتَفَعَلْ	إِسْتَفِعَالٌ	إ - س - ت
--------------	--------------	--------------	---------------	-----------

سه

حرف زائد

بدانیم!

رباعی مجرد

در آیات شریفه زیر فعل‌ها را معین نموده و سپس حروف اصلی آن را مانند مثال در جای مناسب بنویسید.

﴿وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾
﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

ن
ز
ل

.....

حال در آیات شریفه زیر پس از تعیین فعل‌ها حروف اصلی آن‌ها را در جای تعیین شده قرار دهید.

﴿الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾
﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾
﴿الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ﴾

يُوسِسُ

.....

برخی
فعل‌ها چهارحرفی
هستند

بلی، حدس شما درست است.

چه
نکته‌ای را
دریافتید؟



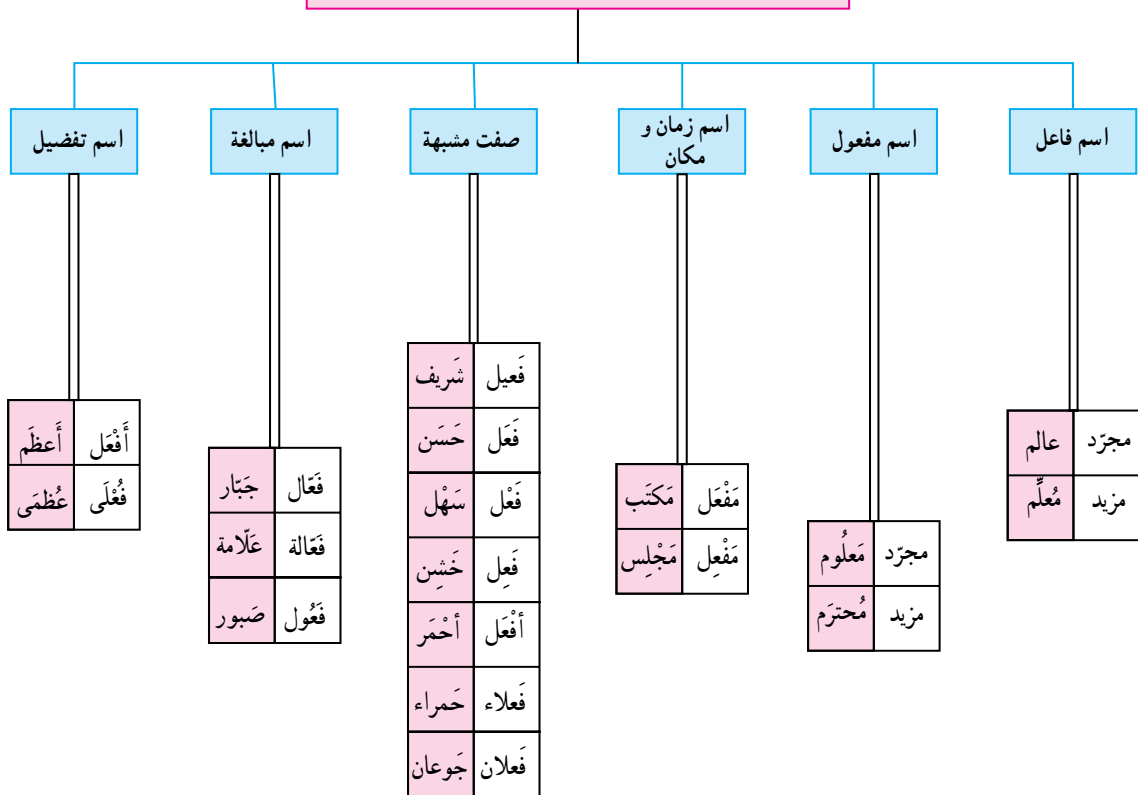
به فعلی که اولین صیغه ماضی آن از چهار حرف تشکیل شده باشد و هر چهار حرف آن اصلی باشند، «رباعی مجرد» می‌گویند.

المصدر (باب)	الأمر	المضارع	الماضي	وزن رباعي مجرد
فَعَلَّه (فِعْلال)	فَعَلِّ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ	وزن
زَلَزَلَه (زِلْلال)	زَلِّزْ	يُزَلِّزُ	زَلَّزَل	مثال

جامد و مشتق

اسم‌ها یا «جامد»ند و یا «مشتق». مشتقات در اصطلاح علم صرف ۸ مورد می‌باشند.

انواع مشتقات در اصطلاح علم صرف



بدانیم

اسم الآلة



نام هر تصویر
را پیدا کنید:

کدام پاسخ نادرست است؟

- ۱- همه این کلمات بر وزن مِفْعَال هستند.
- ۲- این کلمات مشتق اسم مکان هستند.
- ۳- این کلمات برای نامیدن ابزار و وسایل به کار می‌روند.

وزن «مِفْعَال» بر ابزار و وسایل انجام کار دلالت دارد. به چنین اسم‌های مشتقی «اسم آلت» می‌گویند.



دو وزن دیگر
اسم آلت

التدريب الأول

املأ الفراغ بما يُناسبُ المعنى :

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ ... مَنْ يَسْأَلُ﴾

نَزُّقُ

﴿نَحْنُ ... كُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾

أَزُّقُ

يَزُّقُ

﴿و ... رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ﴾

أَذْكُرُوا

﴿يَا قَوْمِ ... نِعْمَةَ اللَّهِ﴾

أَذْكُرَا

أَذْكُرُ

التدريب الثاني

املأ المُربعاتِ مُستعيناً بالكلماتِ الَّتِي أُشيرَ إليها بِحَطِّ :

نوع المشتق اسم المفعول منه

١- ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

نوع المشتق الحروف الأصلية

٢- ﴿وَلَا تُطْعَمُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَهِينٍ﴾

وزن الكلمة الحروف الأصلية

٣- ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾

نوع المشتق الوزن

٤- ﴿رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾

إنتخب الأفعال الصحيحة :

بعد مدة من وفاة النبي موسى (ع)

ضعف بنو إسرائيل و(غلبه كردند) الأعداء

عليهم فقالوا : اللهم (مبعوث كن

فينا قائداً يجمع القوم تحت قيادته. فد(فرستاد

الله إليهم طالوت. (مجهز كرد) طالوت

جيشاً ليحارب الأعداء.

يَعْلِبُونَ ○ غَلَبَ ○

ابْعَثُوا ○ ابْعَثَ ○

أَرْسَلُ ○ أَرْسَلَ ○

جَهَّزَ ○ جَهَّزُوا ○

ذَهَبَ الْجَيْشُ إِلَى نَهْرٍ

قال طالوتُ (نوشيد) مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

قال بعضهم (تحمل نمي كنيم) الْعَطَشُ وَنَشْرَبُ

مِنْ مَاءِ النَّهْرِ. فقال لَهُمْ طالوتُ (خارج شويد

مِنْ الْجَيْشِ. أَرَادَ طَالُوتُ أَنْ يُجَرِّبَ الْجُنُودَ.

لا تَشْرَبُوا ○ لا تَشْرَبُ ○

لا يَتَحَمَّلُ ○ لا تَتَحَمَّلُ ○

أُخْرِجُوا ○ أُخْرِجَا ○

لأنَّ الطَّاعَةَ وَ الشَّجَاعَةَ فِي الْجَيْشِ أَهَمُّ مِنَ الْعُدَّةِ وَالْعَدَدِ.

التمرین الرابع

للتعريب :

- سلام عليكم .
- عليكم السلام . حال شما چطور است؟
- الحمد لله . خوب هستم .
- از دیدار شما خوشحالم .
- سپاسگزارم . چرا علوم انسانی را انتخاب کردی؟
- من ادبیات فارسی را خیلی دوست دارم .
- کلید فهم ادبیات فارسی چیست؟
- زبان عربی .
- بلی ، درست است .^۱

التمرین الخامس

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ : (= ، ≠)

أعداء أصدقاء	لَيْل نَهَار	رؤوف رَحِيم
مَسْرور حَزِين	أَرَادَ طَلَّبَ	بَعَثَ أَرْسَلَ
حَسَنَة سَيِّئَة	أَتَيْنَا أَعْطَيْنَا	نور ضَوْء

۱- خوب هستم : أنا بخَيْرٍ - دیدار : زيارة، رؤية - خوشحال : مسرور - انتخاب کردی : انتخبت - ادبیات فارسی :

- در ترجمه باب «تفاعل» معمولاً از کلماتی نظیر «باهم، با یکدیگر» استفاده می‌کنیم :
تَعَاوَنَ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ : مردم برای ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند .
- در ترجمه ی باب «مفاعلة» معمولاً میان فاعل و مفعول به از کلمه «با» استفاده می‌کنیم : كَاتَبَ مُحَمَّدٌ سَعِيدًا : محمد با سعید نامه‌نگاری کرد .
- در ترجمه ی اسم فاعل معمولاً از صفت فاعلی فارسی استفاده می‌شود : عالم : دانا،
مُقاتِل : رزمنده
- در ترجمه ی اسم مفعول معمولاً از صفت مفعولی فارسی استفاده می‌شود :
مقبول : پذیرفته، پذیرفته شده – مُستخرج : استخراج شده

للترجمة

إقرأ العبارات التالية ثم عین ترجمتها الصحيحة :

- ۱- ﴿و لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
 (الف) با اهل کتاب جدل نکنید مگر به روشی که نیکوتر است .
 (ب) اهل کتاب با یکدیگر مجادله نمی‌کنند مگر به روشی که بهتر است .
- ۲- ﴿و ما تُرسلُ المرسلینَ إِلَّا مبشِّرینَ و مُنذِرینَ﴾
 (الف) پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به آنان مرّده داده شده و هشدار دهنده باشند .
 (ب) فرستادگان را نمی‌فرستیم مگر آنکه مرّده دهنده و هشدار دهنده باشند .
- ۳- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾
 (الف) در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید .
 (ب) در امر نیک و پرهیزکاری کمک کنیم .

لِلتَّرْجَمَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :

* الْقَنَاعَةُ كَثْرًا لَا يَنْفَعُ .

* صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ .

لا يَنْفَعُ : تمام نمی شود.

الف) مناسب ترین ترجمه را انتخاب کنید :

﴿ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ (البقرة / ۲۸۳)

الف) و خداوند بر آنچه انجام می دهید، آگاه است.

ب) و خداوند بر آنچه نمی دانید آگاه است.

ب) با توجه به لای نفی و نهی، کدام آیه درست ترجمه نشده است؟

﴿ ... لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴾ (یونس / ۴۹)

سود و زیانی برای خود ندارم.

﴿ لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ ﴾ (النساء / ۱۴۴)

کافران را به دوستی نمی گیرید.

الدّرس الثانی

التذکار (۲)

دانستیم که

ضمیر

کلمه ای است که جانشین اسم ظاهر می شود و از جهت عدد و جنس با آن مطابقت می کند.

انواع ضمیر

متصل

منفصل

منصوب أو مجرور

مرفوع

منصوب

مرفوع

ها	ه
هما	هما
هنّ	هم
ک	ک
کُما	کُما
کُنّ	کُم
ي	
نا	

-	-
ا	ا
ن	و
تِی	ت
تما	تما
تنّ	تم
تُ	
نا	

إِياها	إِياها
إِياهما	إِياهما
إِياهُنّ	إِياهُم
إِياک	إِياک
إِياکُما	إِياکُما
إِياکُنّ	إِياکُم
إِياي	
إِيانا	

هو	هي
هما	هما
هم	هنّ
أنت	أنت
أنتم	أنتم
أنتم	أنتم
أنا	
نحن	

اسم موصول، اسمی مبهم است که معنی آن به کمک جمله بعد از خودش مشخص می‌شود.

جمع	مثنی	مفرد			انواع اسم موصول
الَّذِينَ	الَّذَانِ «الَّذَيْنِ»	الَّذِي	مذکر	خاصّ	
اللاتي	اللتانِ «اللتينِ»	الَّتِي	مؤنث		
		«مَنْ»	عاقِل	عامّ	
		«مَا»	غير عاقِل		

صَلَة مَوْصُول : جمله و یا شبه جمله ای است که بعد از اسم موصول می‌آید و ابهام آن را برطرف می‌کند؛ مانند :
أَحْتَرَمُ الَّذِي يَقُولُ الْحَقَّ. ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

مبنی

کلمه‌ای است که حرکت آخر آن در شرایط مختلف، ثابت باشد.

معرب

کلمه‌ای است که علامت اعراب آن، متناسب با موقعیت جمله، تغییر کند.

انواع بناء

سکون
◌ْ

کسر
◌ِ

فتح
◌َ

ضمّ
◌ُ

انواع اعراب

جزم
◌ْ

جرّ
◌َّ

نصب
◌ِ

رفع
◌ُ

انواع کلمات مبنی

حرف

حروف: همه آنها

فعل

- ۱- ماضی: همه صیغه‌ها
- ۲- امر: همه صیغه‌ها
- ۳- مضارع: دو صیغه جمع مؤنث

اسم

- ۱- ضمیر
- ۲- اشاره
- ۳- موصول
- ۴- شرط^۱
- ۵- استفهام

۱- «اسم شرط» را در درس هفتم خواهیم آموخت

جمله ای است که معمولاً با فعل آغاز می شود.

ارکان جمله فعلیه

فاعل

فعل

انواع فعل

متعدی

لازم

مفعول

فاعل

فعل

فاعل

فعل

اسم ظاهر: «جاء الحق».

ضمیر بارز: الْمُؤْمِنُونَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ.

ضمیر مستتر: يَا عَلِيُّ اكْتُبِ التَّمْرِينَ (أَنْتَ).

انواع
فاعل

اسم ظاهر: خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ.

ضمیر بارز: اللَّهُ يَنْصُرُكَ.

مفعول به

جمله ای است که معمولاً با اسم آغاز می شود.



الطالبُ جالسٌ.	مفرد	انواع خبر
الطالبُ يقرأُ الكتابَ.	جمله	
جازٌ و مجرورٌ : الكتابُ في المَحْفَظَةِ. ظرفٌ : الكتابُ هناكَ.	شبه جمله	

گاهی خبر بر مبتدا مقدم می شود مخصوصاً زمانی که :
خبر شبه جمله و مبتدا اسمی نکره باشد.

خبر مقدم

كتابٌ .	هناكَ	كتابٌ .	في المحفظةِ
مبتدای مؤخر	خبر مقدم	مبتدای مؤخر	خبر مقدم

أنتِ عِطْرُ اليَاسَمِينِ

أَيُّهَا النُّورُ المُبِينُ مِنْ إِلِهِ الْعَالَمِينَ
وَالصُّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ فِي ضَمِيرِ الصَّالِحِينَ
أَنْتَ مِصْبَاحُ الْيَقِينِ فِي قُلُوبِ الْعَاشِقِينَ
أَنْتَ نَبْضُ فِي الْقُلُوبِ أَنْتَ عِطْرُ الْيَاسَمِينِ
كُلَّمَا زَادَ الْحَنِينَ لَكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِينَ
بِاسْمِكَ الْحُلُوهَ تَفْنَا يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
قَدْ حَلُمْنَا فِيكَ دَوْمًا وَ انْتَظَرْنَاكَ سِنِينَ
تَمَلُّا الْأَرْضَ بَعْدَلٍ بَعْدَ جَوْرِ الظَّالِمِينَ

دَمْعَةُ الْفَرَحِ

في المسجدِ

في يومٍ مِنَ الْأَيَّامِ سَمِعَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ كَلَامَ الرَّسُولِ الْأَكْرَمِ (ص) وَ هُوَ يَنْصَحُ
الْمُسْلِمِينَ وَ يُشَجِّعُهُمْ عَلَى الصَّدَقَةِ.

في البيتِ

لَمَّا رَجَعَ الصَّحَابِيُّ إِلَى كُوخِهِ الصَّغِيرِ وَ شَاهَدَ فِيهِ حَصِيرَهُ الْمُنْدَرِسَ وَ جَرَّتَهُ
الْحَزَفِيَّةَ حَزَنَ كَثِيرًا عَلَى أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَاءِ الصَّدَقَةِ.

بعَدَ الصَّلَاةِ

رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ جَارِيَةٌ مِنْ عَيْنَيْهِ :
اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَمْلِكُ مَا أَتَصَدَّقُ بِهِ فِي سَبِيلِكَ وَ لَكِنِّي يَا رَبِّ رَضِيْتُ
عَنْ كُلِّ مَنْ سَتَمَنِي وَ ظَلَمَنِي فَأَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ رِضَايَ صَدَقَةً فِي سَبِيلِكَ .

فِي الصَّبَاحِ

خَاطَبَ الرَّسُولُ (ص) الْمُسْلِمِينَ وَ قَالَ :
لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ بَأَنَّ أَحَدَكُمْ قَدْ تَصَدَّقَ بِعَرَضِهِ وَ قَدْ قَبِلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ وَ
بَشَّرَهُ بِالرِّضْوَانِ .
سَمِعَ الصَّحَابِيُّ قَوْلَ الرَّسُولِ (ص) فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ... إِنَّهَا دَمَعَتْ فَرِحَ هَذِهِ
الْمَرَّةَ!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- متى نَهْتَفُ بِاسْمِ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ؟
- ٢- ماذا يفعل الإمام عند ظهوره؟
- ٣- لماذا حَزَنَ الصَّحَابِيُّ لَمَّا رَجَعَ إِلَى كُوخِهِ؟
- ٤- بماذا أَخْبَرَ جِبْرِئِيلُ الرَّسُولَ (ص)؟

املا الفراغ بالكلمة المناسبة :

الفعل اللازم

الفاعل، اسم ظاهر

المفعول، اسم ظاهر

المفعول، ضمير متصل

الفاعل، ضمير بارز

الفاعل، ضمير مستتر

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ .
رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ .
مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ .

التدريب الثاني

أكمل الجدول التالي حسب الآيات :

﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ • وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ • الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ • وَرَفَعْنَا

لَكَ ذِكْرَكَ ... ﴾

فعل مضارع	فعل مزيد	مفعول به	فاعل ضمير مستتر	فاعل ضمير بارز	ضمير متصل	فعل مبنى	فعل معرب
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

التدريب الثالث

ضع في الفراغ الفاعل المناسب مما بين القوسين :

- ١- صَدَقَتْ ... فِي حَدِيثِهَا. (الطالِبُ، الطالِبَةُ، الطالِبَةُ)
- ٢- أَكْتُبُ ... دَرُوسَكَ. (ي، نَ، ل)
- ٣- وَصَلَ ... إِلَى مَكَّةَ. (الحُجَّاجُ، الحُجَّاجِ، الحُجَّاجِ)
- ٤- السَّمَكَنانِ تَسْبَحُ ... نِ فِي النَّهْرِ. (ل، و، ي)

التمرين الرابع

عين الخبر في الجمل الآتية واذكر نوعه :

- ١- الأمهاتُ ساهراتٌ على راحة أولادِهِنَّ .
- ٢- الفلاحانِ يزرعانِ الأرضَ .
- ٣- ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ . (الفتح/١٠)
- ٤- على الجدارِ صورةٌ .

التمرين الخامس

عين المرادف والمضاد : (=، ≠)

السَّاهِرُ التَّائِمُ	المِصْبَاحُ السَّرَاجُ	زَادَ نَقَصَ
مَلَأَ أَفْرَعُ	الجَوْرُ العَدْلُ	لَمَّا عِنْدَمَا
سَتَمَ سَبَّ	الفَرَحُ الحُزْنُ	دَوَّمَ دَائِمًا

– اگر خبر مبتدا فعل نباشد برای ترجمه فارسی آن معمولاً از اشتقاق فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم :

التلاميذُ أملُ المُستقبلِ : دانش‌آموزان امید آینده هستند.

النَّجاةُ في الصِّدْقِ : نجات در راستگویی است.

للترجمة

اقرأ العباراتِ التاليةِ ثمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

۱- «يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ»

- الف) روز دادخواهی از ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است.
- ب) روز دادخواهی از ظالم دشوارتر از روز ستم بر مظلوم خواهد بود.

۲- «الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ»

- الف) مؤمن به‌هنگام سختی صبر پیشه می‌کند و به‌هنگام آسایش شکرگزاری می‌کند.
- ب) مؤمن به‌هنگام سختی شکیبیا و به‌هنگام آسایش شکرگزار است.

۳- «الْبَهْتَةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»

- الف) بهشت زیر پای مادران جای گرفت.
- ب) بهشت زیر گام‌های مادران است.

لِلتَّرْجُمَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مُأَلُوفَةٍ :

* الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ .

* أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ .

جُهد : تلاش

أَنْ تَعَيْبَ : کہ عیب بہ شمار آوری

(الف) با توجہ بہ معنای آیات زیر، کدام کلمہ می تواند جای خالی را پر کند؟

۱- ﴿ لَا ... مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾ (تَفَنِّطُونَ - تَفَنِّطُوا - إِقْنَطُوا) (الزُّمَرُ/ ۵۳)

- از رحمت خداوند نومید نشوید.

۲- ﴿ هُوَ الَّذِي جَعَلَ ... ضِيَاءً ﴾ (الشَّمْسُ - الشَّمْسِ - الشَّمْسِ) (يُونُسُ/ ۵)

- او کسی است کہ خورشید را روشنی بخش قرار داد.

۳- ﴿ لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ... بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾ (كَمْ - كُمْ - كَمَا) (الْبَقَرَةُ/ ۲۶۴)

- صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.

(ب) ترجمه آیات زیر را بنویسید :

۱- ﴿ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴾ (طه/ ۴۷)

۲- ﴿ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾ (الْبَقَرَةُ/ ۲۸۴)

الدَّرْس الثالث

المعرفة و النكرة



بِيَدِهِ كِتَابٌ .

فِي الصَّفِّ طَالِبٌ .

- ١- دو کلمه «طالب» و «كتاب» چه نوع کلمه ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
 - ٢- آیا دو کلمه «طالب» و «كتاب» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می کنند؟
 - ٣- منظور از «طالب» و «كتاب» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟
- به اسم هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نكرة» می گوئیم.

آیا همه اسم ها نكرة هستند؟
به تصاویر زیر توجه کنید.



- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
 - ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
 - ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟
- به اسم هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می گوئیم.

آیا اسم‌های نکره را می‌توان معرفه کرد؟



اسم‌های نکره با دو واسطه می‌توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه

کتابُ + المعلم = کتابُ المعلم

قلمٌ + ك = قلمُك

۱

ال + نکره = معرفه

رجلٌ + ال = الرجلُ

قومٌ + ال = القومُ

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و در حالت دوم «معرف به اضافه» می‌گوییم.

اما برخی از اسم‌ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند:

علم، ضمیر، اشاره، موصول

در سال‌های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می کنند در عربی اسم جنس و در زبان فارسی اسم عام گفته می شوند، مانند: مرد، زن، کشور، کوه، رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر او بنهیم این نام را در عربی اسم علم و در فارسی اسم خاص می نامند هر چند افراد متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: حسن، زینب، ایران، البرز، کارون. عَلم یکی از معارف است. هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا نداشته باشد.



لا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيِّ وَ فَاقِرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَاقِرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَهَضَّ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَ رَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَ صَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَ رَحَّبَ بِهِ ...

لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَ قَالَ:

«مَنْ لَقِيَ فَاقِرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ».

الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ

أَخَذَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِدًا. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ^١ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.
فَقَالَ الرَّجُلُ: أَخَذْتُهُ لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.
قَصَدَ بُهْلُولٌ اِحْتِبَارَ الرَّجُلِ وَمِقْدَارَ اِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ. فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى
جِدَارِ الْمَسْجِدِ:

«قَدْ أَحَدَتْ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا اِتَّشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ.
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْخَبَرَ فغَضِبَ شَدِيدًا وَذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَشَتَمَهُ وَ
قَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَجَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهِيرًا بَيْنَ النَّاسِ.
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَحَدَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَكَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَعِنْدئذٍ شَعَرَ
بِالرَّاحَةِ.

وَلَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولٌ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَقَالَ:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَتَأَ النَّاسُ بُهْلُولًا عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنِ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقَلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانَ يَعْيشُ فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نُقِلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ

التدريب الأول

إملا الفراع بما يُناسب من الموصولات :

١- العَمَالُ هُمْ... يُوصِلُونَ الْبِلَادَ إِلَى الْاِكْتِفَاءِ الدَّائِي. الذي اللَّتَيْنِ ٢- الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ هِيَ... تَعْرِفُ رِسَالَتَهَا فِي الْمُجْتَمَعِ.

٣- قَرَأْتُ الْمَجَلَّتَيْنِ ... فِي الْمَكْتَبَةِ. التي الدِّينِ ٤- الْمُؤْمِنُ هُوَ ... آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

التدريب الثاني

استخرج المعارف واكتبها في المكان المناسب :

المُعَرَّفُ بِالْإِضَافَةِ

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/ ١٢٣)

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

فِي الْأَرْضِ﴾ (الخجرات/ ١٦)

٣- ﴿كَذَبَتْ قَوْمٌ نوحَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشعراء/ ١٠٥)

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

.....﴾ (الأنبياء/ ٩٢)

العَلَمُ

المَوْصُولُ

الضَّمِيرُ

الإِشَارَةُ

المُعَرَّفُ بـ «أل»

التدريب الثالث

عيّن الترادف والمضاد: (=, ≠)

البُرُودَةُ الحَرَارَةُ أَحَدَثَ صَنَعَ اللَّيْلُ النَّهَارُ

صَيَّعَ وَجَدَ الْاِكْتِسَابَ الْحُصُولَ الْحَسَنَ السَّبِيَّ

- در ترجمه اسم‌های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می‌کنیم :
 قرأتُ مقالةً في مجلّةٍ : مقاله‌ای را در يك مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (أل) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می‌شود، هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره مطابقت می‌کند :
 هذا الفلّاحُ ... هذانِ الفلاحانِ ... هؤلاءِ الفلاحونَ ...
 این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (أل) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می‌شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می‌کند :
 هذا فلّاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلاحانٍ : این‌ها دو کشاورزند.
 هؤلاءِ فلاحونَ : این‌ها کشاورزند.

للتّرجمة

اقْرَأُ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

- ۱- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (المائدة/۱۵)
 - الف) براستی از سوی خداوند روشنایی و کتاب روشنگر برای شما آمد.
 - ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (الإسراء/۹)
 - الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می‌کند.
 - ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می‌کند.

إقرأ العبارة التالية ثُمَّ تَرَجِّمها إلى الفارسيَّة بعبارةٍ مألوفةٍ :

* مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

تعداد اسم‌های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است :

- ۱- ﴿ وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (الصفات/ ۱۱۸)
- ۲- ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ﴾ (الزُّمَر/ ۵)
- ۳- ﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴾ (الکافرون/ ۶)

الدّرس الرّابع

أنواع الإعراب (١)



در هر کدام از
تصاویر چه کسانی را
می بینید؟

آیا می توانید شغل
آن ها را حدس
بزنید؟

در تصویر اول، از ظاهر شخص، براحتی می توان دریافت که او پزشک است.

در تصویر دوم، از محل و موقعیت فرد، می توان حدس زد که شخص مورد نظر، روزنامه فروش است.

اما در تصویر سوم نشانه و علامت خاصی وجود ندارد و شغل او بر ما پنهان است.

همانطور که می توان موقعیت اجتماعی افراد را با نشانه هایی شناخت، نقش و موقعیت کلمات را نیز می توان با علامت ها و نشانه های خاصی شناخت. این نشانه ها، همان اعراب کلمات است.

اعراب کلمات دارای سه نوع است :

- ١- **ظاهر** : برای اسم های معربی که علامت اعراب بر آن ها ظاهر می شود.
- ٢- **محل** : برای اسم های مبنی که علامت اعراب را نمی پذیرند.
- ٣- **تقدیری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب در آن ها ظاهر نمی شود.



○ این بازیکنانی که روی نیمکت نشسته‌اند چه کسانی هستند؟

؟

هر بازیکن اصلی، برای خود بازیکنی ذخیره و نیایی (با همان ویژگی) دارد، که به جای او وارد میدان می‌شود.



آیا می‌دانید هر کدام از علامت‌های اصلی اعراب نیز برای خود جانشین و علامت فرعی مخصوصی دارد؟

آیا می‌دانید ...

؟



جاءُ الْمُعَلَّمُونَ



جاءُ الْمُعَلَّمَانِ



جاءُ الْمُعَلَّمِ

○ کلمات (المُعَلَّم، الْمُعَلَّمَانِ، الْمُعَلَّمُونَ) چه نقشی دارند؟

○ در کدام مورد فاعل با علامت ؕ مرفوع شده است؟

○ دو کلمه (المُعَلَّمَانِ، الْمُعَلَّمُونَ) به جای ؕ با چه علامتی مرفوع شده‌اند؟

؟

برخی از اسم‌های معرب به جای علامت‌های اصلی اعراب، علامت‌های دیگری نیز می‌گیرند که به آن‌ها «علامت‌های فرعی اعراب» گفته می‌شود.

دارای اعراب فرعی هستند؟

کدام یک
از اسم‌های
معرب

آیا می‌دانید

مثنی با دو علامت «انِ، ینِ» ساخته می‌شود مانند «المسافرانِ»،
المسافرَینِ» به معنای دو مسافر.
اکنون که معنای آن‌ها یکسان است، پس چه تفاوتی میان
(انِ، ینِ) وجود دارد و کاربرد هر کدام چیست؟

می‌دانیم

اما

مثنی



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِينَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرِينَ.

جَاءَ الْمُسَافِرُ.

جَاءَ الْمُسَافِرُونَ.

مفرد

مثنی

المسافرِ و المُسافرِینِ
هر دو مجرور هستند اما
علامت جرّ آن‌ها متفاوت
است
المسافرِ با کسره اصلی
المسافرینِ با یاء فرعی

المسافرَ و المسافرینِ
هر دو مفعول هستند
اما علامت نصب آن‌ها
متفاوت است
المسافرَ با فتحة اصلی
المسافرینِ با یاء فرعی

المسافر و المسافرانِ هر
دو فاعل هستند
اما علامت رفع آن‌ها
مختلف است
المسافرُ با ضمه اصلی
المسافرانِ با الف فرعی

هرگاه اسمی مثنی شود: «الف» ← نشانه رفع

«باء» ← نشانه نصب و جرّ آن می‌باشد.

جمع مذكر
سالم



می دانیم : جمع مذكر سالم با دو علامت (وَنَ، يَنَ) ساخته می شود، مانند (المُجَاهِدُونَ - الْمُجَاهِدِينَ)

به تبدیل اسم مفرد به جمع مذكر سالم توجه کنید :



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدَ.

مفرد

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِينَ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِينَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدُونَ.

جمع

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(واو)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم

هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم
واو ← نشانه رفع ياء ← نشانه نصب و جرّ آن است.

أسماء
خمسة



حتماً با کلمات «أبو طالب، أبا طالب، أبي طالب» آشنا هستید.

کلمه «أب» مفرد است به معنای «پدر» و اعراب ظاهری دارد. اما اگر
مضاف به غیر یاء متکلم شود به سه شکل دیگر نوشته می شود.

سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي.

رَأَيْتُ أَبَاكَ.

جَاءَ أَبِي.

مفرد

سَلَّمْتُ عَلَى أَبَيْكَ.

رَأَيْتُ أَبَاكَ.

جَاءَ أَبَاكَ.

مضاف

هر گاه کلمه «أب» : مفرد، مضاف و مضاف به غیر ضمیر «ياء» متکلم باشد :

واو ← نشانه رفع الف ← نشانه نصب ياء ← نشانه جرّ آن است.

اعراب کلماتی مانند «أَخ، ذُو، فُو، حَم» نیز مانند «أَب» فرعی است. به این پنج اسم «أَسْمَاءُ حَمْسَةٌ» می‌گویند. اکنون برای جای خالی، کلمه مناسبی را انتخاب کنید :

— هو (أَخُوكَ، أَخَاكَ، أَخِيكَ)

جمع مؤنث
سالم



جمع مؤنث سالم نیز از اسم‌هایی است که اعراب فرعی دارد.
آیا علامت جمع مؤنث سالم را می‌دانید؟
به اعراب آن در حالت‌های مختلف توجه نمایید.

إِسْتَمَعْتُ إِلَى آيَةٍ قُرْآنِيَةٍ.	حَفِظْتُ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ	هَذِهِ آيَةٌ قُرْآنِيَةٌ.
إِسْتَمَعْتُ إِلَى آيَاتٍ قُرْآنِيَةٍ.	حَفِظْتُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ.	هَذِهِ آيَاتٌ قُرْآنِيَةٌ.

کلمه آیات با چه علامتی مجرور شده است؟	کلمه آیات با چه علامتی منصوب شده است؟	کلمه آیات با چه علامتی مرفوع شده است؟
--	--	--

در کدام حالت کلمه «آیات» اعراب اصلی پذیرفته است؟

جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصب اعراب فرعی دارد.
و هرگاه منصوب شود به جای **ـَـ** ← **ـِـ** می‌گیرد.

برای کلمات رنگی حرکت مناسبی را قرار دهید.
حَضَرَتِ الْمُؤْمِنَاتِ فِي الْمَسْجِدِ . قَرَأْتُ الْمَجَلَاتِ فِي الْمَكْتَبَةِ . نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَاتِ .

به اعراب کلمه «ایران» در عبارت‌های زیر توجه کنید :



فِي إِيْرَانٍ مَعَادِنٌ كَثِيْرَةٌ

أَحِبُّ إِيْرَانٍ

إِيْرَانٌ وَطَنِي

- نقش کلمه ایران در سه جمله به ترتیب چیست؟
- آیا در هر سه جمله متناسب نقش خود حرکت گرفته است؟
- در کدام مورد با علامت اصلی اعراب نپذیرفته است؟

کلمه ایران هرگاه مجرور شود به جای کسره — ← فتحه فرعی — می‌گیرد. به چنین اسم‌هایی غیر منصرف (ممنوع من الصرف) می‌گویند. این اسم‌ها هیچ‌گاه تنوین نمی‌گیرند.

«السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ»

۱- علم مؤنث : فاطمه، حمزة

﴿ وَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رُسُلًا ﴾ (الزُّمَر/۱۵)

۲- علم غیر عربی : یوسف، یعقوب، فرعون

﴿ وَ إِلَىٰ مَدِيْنٍ اٰخَاهُمْ شُعَيْبًا ﴾ (الاعراف/۸۵)

۳- نام شهرها و کشورها : طهران، مکه

﴿ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِالسَّاكِرِيْنَ ﴾ (الانعام/۵۳)

۴- صفت بر وزن أفعال : أكبر، أبيض

﴿ وَ زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ ﴾ (فُصِّلَتْ/۱۲)

۵- جمع مکسر هم وزن مفاعِل و مفاعيل

مهم‌ترین اسم‌های غیر منصرف

اسم‌های غیر منصرف در صورت گرفتن الف و لام و یا مضاف واقع شدن در حالت جرّ کسره می‌پذیرند :
فِي الْمَسَاجِدِ مُصَلِّوْنَ كَثِيْرُونَ . فِي مَسَاجِدِ الْمَدِيْنَةِ مَكْتَبَاتٌ قِيْمَةٌ .

بدانیم

خَيْرُ مُعِينٍ

مَنْ كَانَ قَرِيباً مِنْ رَبِّهِ
وَالرَّحْمَةَ تَسْكُنُ فِي قَلْبِهِ
وَأَتَى بِالمَالِ عَلَى حُبِّهِ

فَاللَّهُ يُبَارِكُ فِي كَسْبِهِ

مَنْ كَانَ صَدِيقَ المِسْكِينِ
وَمُعِيَتِ الإِخْوَةِ فِي الدِّينِ
فَاللَّهُ لَهُ خَيْرُ مُعِينٍ

يَجْزِيهِ وَيَصْفَحُ عَنْ ذَنْبِهِ

المُؤْمِنُ صَاحِبُ إِفْضَالٍ
يُعْطِي بِيَمِينٍ وَشِمَالٍ
وَيُجِيبُ السَّأَلَ فِي الحَالِ

وَيُخَفِّفُ عَنْهُ مِنْ كَرِيمِهِ

الْبِرُّ دَلِيلُ العِرْفَانِ
وَ زَكَاتُكَ شَرْطُ الإِيمَانِ
وَاللَّهُ وَلِيُّ الإِحْسَانِ

والمُحْسِنُ يَطْمَعُ فِي قُرْبِهِ

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سأل رجلُ الإمامَ الرِّضَا (ع) :

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى (ع) إِبْطَالَ السِّحْرِ وَمُعْجَزَةَ عِيسَى (ع) شِفَاءَ
الْمَرَضَى وَمُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟
فَقَالَ (ع) :

عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى (ع) كَانَ لِلْسِّحْرِ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ
بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَعِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى (ع) كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ سُيُوعِ الْأَمْرَاضِ
الْمُخْتَلِفَةِ فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرَضَى وَإِحْيَاءِ الْمَوْتَى.
وَبَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) فِي وَقْتٍ كَانَ لِلْبَيَانِ وَالْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْبَلْغِ بَيْنَ النَّاسِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَأَظْهَرَ عَجْزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ.

أجِبْ عن الأسئلة التالية :

١- مَنِ الْمُؤْمِنُ؟

٢- مَا هِيَ مُعْجَزَةُ عِيسَى (ع)؟

٣- لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟

التدريب الأول

عَيِّن علامات الإعراب الفرعية في العبارات التالية :

- ١- ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ﴾ ٣- لِفَاطِمَةَ فَضَائِلَ لَا نَجِدُهَا فِي الْآخِرِينَ.
- ٢- ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ﴾ ٤- أَكْرِمَ أَبَاكَ وَإِنْ لَمْ يُكْرِمَكَ.

التدريب الثاني

اجعل في الفراغ كلمة مناسبة :

- ١- احفظ من الأذى و جالس..... (يَدَيْكَ، يَدَاكَ- الصَّالِحُونَ، الصَّالِحِينَ)
- ٢- خَلَقَ اللَّهُ... السَّبْعَ. (السَّمَوَاتِ، السَّمَوَاتِ)
- ٣- ... يُدَاعِفُونَ عَنِ الْوَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ. (المُجَاهِدُونَ، المُجَاهِدِينَ)
- ٤- يَذْهَبُ كَثِيرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي ... إِلَى (ذَوِ الْحِجَّةِ، ذِي الْحِجَّةِ - مَكَّةَ، مَكَّةَ)

التدريب الثالث

صحح الأخطاء التي أُشير إليها بخط مع بيان السبب :

- ١- يُجَاهِدُ الْمُسْلِمِينَ فِي فَلَسْطِينِ.
- ٢- الْحَسَنَاتُ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ.
- ٣- رَأَيْتُ فِي أَخْوَكِ هِمَّةً عَالِيَةً.

التدريب الرابع

عَيِّن المرادف والمضاد : (=، ≠)

الصدِّيقُ.....	العدوُّ	المُعِينُ.....	الناصر	أتى.....	أعطى
اليَمِينُ.....	الشَّمال	أجاب.....	سأل	الحُزَنُ.....	الكُزْبُ
القُربُ.....	البُعد	بَعَثَ.....	أرسل	عِنْدَمَا.....	حِينَمَا

تسلط بر زبان مادری شرط لازم در ترجمه موفق است. با این وسیله می توان مفاهیم زبان مبدأ را به نحو مطلوب به زبان مقصد ترجمه کرد.

للترجمة

«الذَّاكِرُ بِلا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلا وَتَرٍ».

للتَّرجمة إلى الفارسیة عبارات مألوفة :

* عَاتِبٌ أَخَاكَ بِالإِحْسَانِ إِلَيْهِ.

* مَنهُومانٍ لا يَسْبَعانِ : طالبٌ عِلْمٍ وَ طالبٌ دُنْيا.

منهوم : حریص

عاتب کن

الف) ترجمه آیات زیر را با کلمه مناسب کامل کنید :

۱- ﴿ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴾ و خداوند بخشایش عظیم است. (آل عمران / ۱۷۴)

۲- ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ﴾ (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خداوندی است که و زمین را آفرید.

۳- ﴿ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴾ و خداوند به آنچه آگاه است. (آل عمران / ۱۸)

الدَّرس الخامس

أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١ ظاهری ٢ محلی ٣ تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١ اصلی ٢ فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟
- « اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر ناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محل» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده و

معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ. رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ. نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.
 نَجَحَ ذَلِكَ. رَأَيْتُ ذَلِكَ. نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع



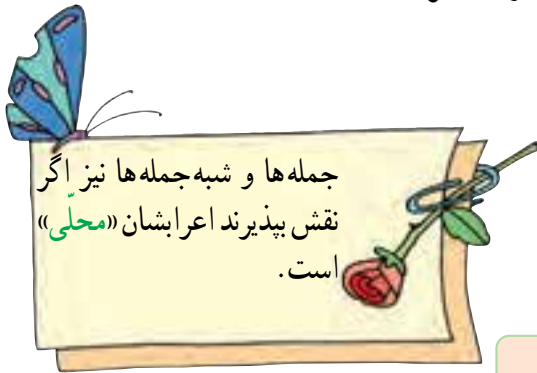
به این دو عبارت توجه کنید

– کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

– آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟



– آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در
جمله دارند، ...
○ ثابت است ○ متغیّر است

کلمات معرب کلماتی
هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :

بنتُ

هي

کتابي

هؤلاءِ

القاضي

تلكَ

الفتى

● می دانیم که «الفتى» اسمی معرب است. حال اعراب «الفتى» را در جملات زیر
تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاءَ الْفَتَى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جر را

نپذیرفته است؟

برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

مهم‌ترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

اسم مقصور

اسمی است معرب که به الف ختم شود مانند: دنیا، کبری

فاعل، مرفوع تقدیراً
مفعول به، منصوب تقدیراً
مجرور به حرف جرّ تقدیراً

رفع: جاء الفتی
نصب: رأیْتُ الفتی
جر: سَلَمْتُ على الفتی

اعراب
در هر سه حالت اعراب
تقدیری دارد

اسم منقوص

اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود مانند: قاضی، هادی

فاعل:
منصوب با فتحه
مجرور به حرف جرّ

رفع: حَضَرَ القاضي
نصب: شاهدتُ القاضي
جر: مررتُ بالقاضي

اعراب
در دو حالت رفع و جر اعراب
تقدیری دارد

اسم مضاف به یاء متکلم

اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده «ی» اضافه شود. مانند: صدیقی

مرفوع تقدیراً
مفعول به
تقدیراً

رفع: هذا کتابي
نصب: قرأتُ کتابي
جر: القصةُ في کتابي

اعراب
در هر سه حالت اعراب
تقدیری دارد



در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصور،
منقوص، مضاف به یاء متکلم).

اعراب اسم

مبني

معرب

محلی

تقدیری

ظاهری

شامل

- ۱- ضمائر
- ۲- اسم موصول
- ۳- اسم اشاره
- ۴- اسم استفهام
- ۵- اسم شرط
- ۶- عدد مرکب

محللاً مرفوع

هَذَا كِتَابٌ

محللاً منصوب

قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ

محللاً مجرور

سَلَّمْتُ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ

مقصود

در هر سه حالت

جاء الْفَتَى

رَأَيْتُ الْفَتَى

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى

منقوص

در دو حالت رفع و جرّ

جاء القَاضِي

رَأَيْتُ القَاضِي

سَلَّمْتُ عَلَى القَاضِي

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت

جاء مَعْلَمِي

رَأَيْتُ مَعْلَمِي

سَلَّمْتُ عَلَى مَعْلَمِي

مثنی

«الف» در حالت رفع

«یاء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع

«یاء» در حالت نصب و جرّ

اسماء خمسہ

«واو» در حالت رفع

«الف» در حالت نصب

«یاء» در حالت جرّ

جمع مؤنث سالم

«یاء» در حالت نصب

غیر منصرف

«یاء» در حالت جرّ

فرعی

اصلی

رفع وَأُ

جاء المَعْلَمِ

نصب بِ

رَأَيْتُ المَعْلَمِ

جرّ بِ

سَلَّمْتُ عَلَى المَعْلَمِ

يا إلهي

يا إلهي يا إلهي
إجعل اليوم سعيداً
واملاً الصدر انشراحاً
يا إلهي أنت عؤني
نور العقل وقلبي
واجعل التوفيق حظي
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ
و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ
و فَمِي بِالْبَسَمَاتِ
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ
بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ
و نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لَوْزِيرِهِ :
أُرِيدُ مُعَلِّمًا حَازِقًا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْتَ ؟
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ ^١ .
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذَنْ أَحْضِرْهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِسًا عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَ لَدَاهُ ^٢ .
- هَلْ وَ لَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ ؟

١- هو أديبٌ ملتزمٌ كان يعيشُ في العصرِ العباسيِّ و هو كانَ مُحبًّا لأهلِ بيتِ رسولِ الله (ص)

٢- تُحَدَفُ النونُ مِنَ الْمُشْتَى وَ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَذَيْنِ وَأَبِيهِمَا .
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ .
فَفَازَ بِإِلْقَاءِ رَبِّهِ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟

٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟

٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟

التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخطُّ ثمَّ أجب عما طُلب منك :

المثال :

﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾

١- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

٢- ﴿أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ﴾.

٣- إِحْتَرِمَ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

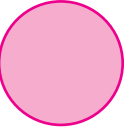
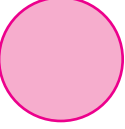
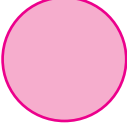
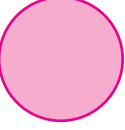
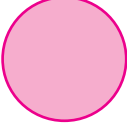
سبب البناء

إعراب

ضمير

مبتدأ و

مرفوع محلاً



التمرين الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخطُّ :

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾

٣- ﴿الْذُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ﴾.

٤- ﴿أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ﴾

٥- ﴿يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي﴾

مبتدأ و مرفوع
تقديرًا

مجرور تقديرًا

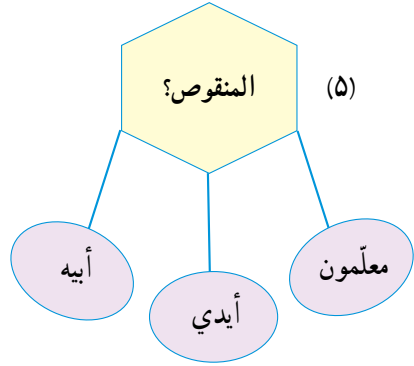
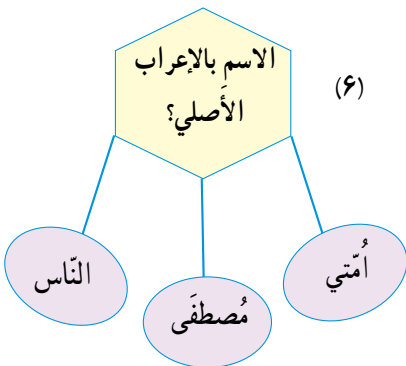
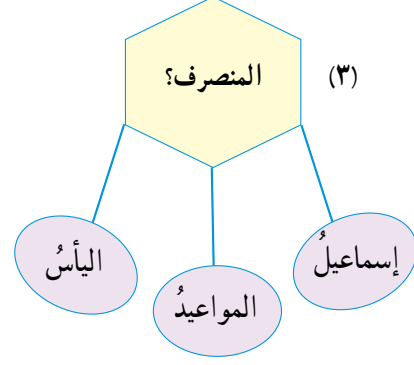
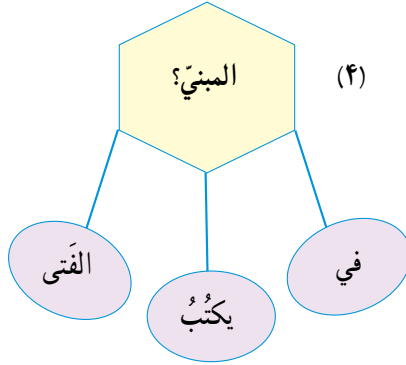
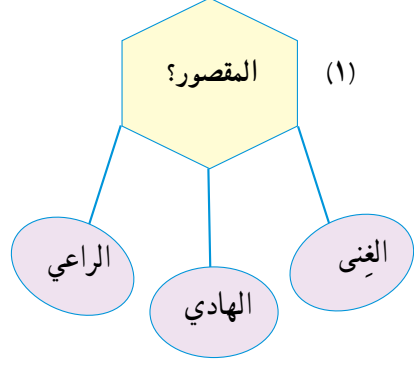
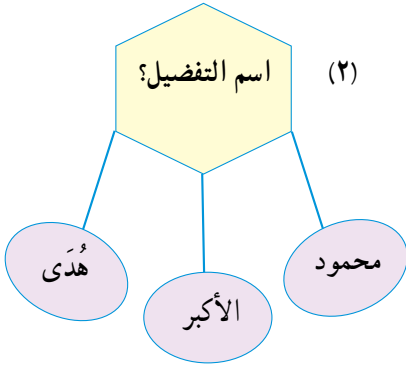
مفعول به و
منصوب بالفتحة

مفعول به و
منصوب تقديرًا

مجرور تقديرًا

التدريب الثالث

إنتخب الصحيح من كلِّ شكلٍ و اجعله في المكان المناسب :



قال الإمامُ عليُّ (ع) : ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦

للتعريب

امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش آموز در مدرسه برگزار می شود.
- چرا آن روز را روز دانش آموز می نامیم؟
- روز دانش آموز، روز شهادت گروهی از دانش آموزان است.
- دانش آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش آموزان است.
- آیا می دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است^۱.

أَغْرِبُ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِحَطِّ :

۱- ﴿ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ﴾

۲- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده : آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت : مراسم التکریم، برگزار می شود : تَنَعَّقِدُ، می نامیم : نُسَمِّي، شهادت : استشهاد، گروهی : جمع، جماعة، آینده کشور : مستقبل البلاد، وظیفه : وظیفه، واجب، درس خواندن : الدَّرَاسَة، ساختن : بناء، میهن : وطن

برای ترجمه متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.

فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند :

الف) برحسب ریشه : در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی

آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به‌عنوان مثال برای

یافتن «استَعْلَمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند :

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعْلَمَ : پرسید، جوای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف : در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب

قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند :

استَعْلَمَ : پرسید، جوای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

إقرأ العبارة ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسیة بعبارة مألوفة :
* الصبرُ صبرانِ صبرٌ على ما تَكَرَّهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند :

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)

الدَّرْسُ السَّادِسُ

إعراب الفعل المضارع (١)

فعل مضارع از جهت اعراب بر سه نوع است :

- ۱- مضارع مرفوع،
- ۲- مضارع منصوب،
- ۳- مضارع مجزوم؛

و هریک برای خود علامت‌های خاصی دارد.

مضارع مرفوع و علامت‌های آن

فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است.

خوب است نگاهی به صیغه‌های مختلف این فعل داشته باشیم.

يَكْتُبَانِ تَكْتُبُونَ
تَكْتُبَانِ تَكْتُبِينَ
يَكْتُبُونَ

يَكْتُبُ أَكْتُبُ
تَكْتُبُ نَكْتُبُ

این فعل‌ها بعد از ضمایر «ا - و - ی» دارای «نون اعراب» هستند.

آیا ثبوت نون اعراب نیز علامت رفع است؟

آری ثبوت «نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

آخر این فعل‌ها ضمه دارد.

ضمه علامت رفع است.

و می‌دانیم که «ضمه» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

علامت های
رفع در فعل
مضارع

رفع مضارع با یکی از دو علامت زیر نشان داده می شود :

اصلی « اُ » : يَذْهَبُ - تَذْهَبُ

فرعی « ثبوت نون اعراب » :

يَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ

مضارع منصوب و علامت های آن

همان طور که دانستیم فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است مگر این که بعد از عوامل خاصی قرار بگیرد.

به مثال های زیر توجه کنید :

﴿ فَأَصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ ... ﴾

﴿ نَطْمَعُ أَنْ يَدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴾

فعل های مضارع را پیدا کنید.

آیا علامت های رفع مضارع را می یابید؟

علامت «رفع» در کدام یک از فعل ها وجود ندارد؟

چه حروفی قبل از فعل هایی که علامت رفع ندارند، آمده است؟



گاهی حروفی قبل از فعل مضارع می آید و آن را منصوب می سازد.

« اَنْ ، لَنْ ، كَي ، حَتَّى و لِ »

« که »، « هرگز »، « تا این که »، « تا »، « تا این که »، « برای »، « برای این که »

به کاربرد این حروف دقت کنید :

أَنْ يَذْهَبَا	يَذْهَبَانِ
لَنْ تَذْهَبَا	تَذْهَبَانِ
لَنْ يَذْهَبُوا	يَذْهَبُونَ
حَتَّى تَذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ
لِتَذْهَبِي	تَذْهَبِينَ

با آمدن حروف ناصبه علامت
رفع «نون اعراب» حذف شد.

پس «حذف نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

أَنْ يَذْهَبَ	يَذْهَبُ
لَنْ تَذْهَبَ	تَذْهَبُ
حَتَّى أَذْهَبَ	أَذْهَبُ
لِيَذْهَبَ	نَذْهَبُ

با آمدن حروف ناصبه **ضمه** به
فتحه تبدیل شد.

و می دانیم که فتحه علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

می گویند.

حروف ناصبه

به این حروف که باعث منصوب شدن فعل مضارع می شوند

علامت های
نصب در فعل
مضارع

نصب مضارع با یکی از دو علامت نشان داده می شود :

اصلی «َ » : أَنْ يَذْهَبَ، لَنْ تَذْهَبَ

فرعی «حذف نون اعراب» : أَنْ يَذْهَبَا، لَنْ تَذْهَبُوا

الضَّيْفُ

ذَهَبَ رَجُلٌ إِلَى بَيْتِ صَدِيقِهِ وَبَقِيَ عِنْدَهُ أَيَّامًا مُتَوَالِيَةً حَتَّى ضَجَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ
مِنْ إِقَامَتِهِ فَفَكَّرَ فِي حِيلَةٍ لِيَتَخَلَّصَ مِنْهُ. فَأَقْتَرَحَ عَلَى ضَيْفِهِ أَنْ يَتَسَابَقَا فِي الْقَفْزِ عَدَاً
حَتَّى يَعْرِفَا مَنْ الْفَائِزُ؟ فَقَالَ لَوْلَا لَهُ :

عِنْدَمَا يَقْفِزُ الضَّيْفُ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ، أَغْلِقِ الْبَابَ.

صَبَّاحَ الْغَدِ عِنْدَ السَّبَاقِ، فَفَزَّ صَاحِبُ الْبَيْتِ ذِرَاعَيْنِ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ أَمَا

الضَّيْفُ فَقَفَزَ ذِرَاعًا وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ!

فَقَالَ صَاحِبُ الْبَيْتِ : أَنَا الْفَائِزُ، ذِرَاعَانِ مُقَابِلَ ذِرَاعٍ وَاحِدَةٍ! فَقَالَ الضَّيْفُ :

ذِرَاعٌ وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ ذِرَاعَيْنِ إِلَى الْخَارِجِ.

الْحَاكِمُ الظَّالِمُ وَ الشَّيْخُ المَجْنُونُ

ذَاتَ يَوْمٍ خَرَجَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ لِيَتَنَزَّرَهُ فَصَادَفَ شَيْخًا فَسَأَلَهُ :

– مِنْ أَيْنَ أَنْتَ يَا شَيْخُ؟

– مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ.

– مَا رَأَيْتُكَ فِي الْحَجَّاجِ؟

– هُوَ أَظْلَمُ الْحُكَّامِ. سَوَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَدْخَلَهُ النَّارَ!

– أَتَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا الحجاجُ.

— أنا فداك. وَ هَلْ تَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْقَبِيلَةِ. أُصْبِحُ مَجْنُونًا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ!!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- ما اقترحَ صاحبُ البيتِ على ضيفه؟

٢- إلى أينَ قفزَ الضيفُ؟

٣- ما كانَ رأيُ الشيخِ في الحجاج؟

٤- ماذا قالَ الرجلُ حينَ عرَفَ الحجاج؟

التمرين الأول

تَرْجِمْ مَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ ثُمَّ اجْعَلْهُ فِي الْفَرَاغِ :

- ١- نُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ الْحَقِّ (تا بیروز شویم : انتَصَرَ)
- ٢- الْمُؤْمِنُونَ فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. (اسراف نخواهند کرد : اَسْرَفَ)
- ٣- أَنْتِ اللَّهُ عَلَى نِعْمِهِ. (سپاسگزارى می کنی : شَكَرْتُ)

التمرين الثاني

عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ وَ إِعْرَابَهَا فِي الْجُمَلِ الْآتِيَةِ :

- ١- أَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى.
- ٢- اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.
- ٣- الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ.

التمرين الثالث

لِلإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ :

« لَا يَعْذِرُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ »

– فعل مضارع هرگاه با یکی از ادوات ناصبه «أَنَّ، كَيْ، حَتَّى، لِ» به کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌گردد :

أَنْ يَكْتُبَ : بنویسد، که بنویسد. كَيْ يَذْهَبُوا : بروند، برای این که بروند.

و هرگاه با «لَنْ» به کار رود معادل مستقبل منفی فارسی ترجمه می‌گردد :

لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت.

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

هرگز به نیکی دست نیافتید مگر از آن چه برای خود دوست داشتید انفاق کرده باشید.

۲- «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ : الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ

وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ».

از خصلت‌های نادان این است که : قبل از آن که می‌شنود پاسخ می‌گوید و قبل از

آن که می‌فهمد مخالفت می‌کند و درباره آن چه نمی‌داند داوری می‌کند.

إِقْرَأِ الْعِبْرَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :

* الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ
فَاخْرُجْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْرُجُ ذَهَبَكَ .

وِثَاقٍ : بند صِرْتَ : می شوی أُخْرُجُ : ننگه دار

کدام جمله مفهوم صحیح آیه را می‌رساند؟

الف) ﴿ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا ... لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ
وَ الْحِسَابِ ﴾ (یونس / ۵)

۱- خورشید منشأ روشنایی ماه است.

۲- خورشید و ماه پایه و اساس تقویم نگاری هستند.

ب) ﴿ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ﴾ (یس / ۴۰)

۱- بر عالم آفرینش، نظم حکم فرما است.

۲- شب و روز از حرکت خورشید و ماه بوجود آمده است.

ج) ﴿ فَإِذَا بَرَقَ الْبَصَرُ . وَ خَسَفَ الْقَمَرُ . وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ ﴾ (القیامة / ۷-۹)

۱- خسوف و کسوف ماه و خورشید را بیان می‌کند.

۲- حوادث روز قیامت را بیان می‌کند.

الدَّرْس السَّابِع

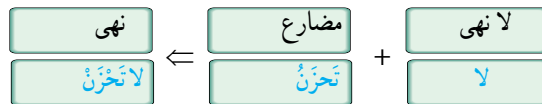
إعراب الفعل المضارع (٢)

مضارع مجزوم و علامت های آن

«لَا تَحْرُزَنَّ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

آیا این فعل را به خاطر می آورید؟ و می توانید آن را معنا کنید.
دانستیم:

اگر بخواهیم شخصی را از عملی بازداریم از مفهوم نهی استفاده می کنیم.
آیا روش ساختن نهی را از فعل مضارع به یاد دارید؟



با آمدن «لا»ی نهی، آخر فعل ساکن شد که این سکون علامتی برای جزم است.

در این حالت به $\left[\begin{array}{l} \text{لا} \leftarrow \text{حرف ناهیه جازمه} \\ \text{فعل مضارع} \leftarrow \text{فعل مضارع مجزوم} \end{array} \right]$ می گویند.

حروف دیگری نیز وجود دارند که مانند «لا»ی نهی عمل می کنند. که عبارتند از «لما، لام امر».

دقت کنید:

لَمْ يَكْتُبَا
لَمَّا تَكْتُبِي
لِيَكْتُبُوا

علامت جزم این فعل ها مانند نصب آنها است یعنی چگونه است؟

اصلی؟
فرعی؟

لَمْ يَكْتُبْ
لَمَّا تَكْتُبُ
لِيَكْتُبْ

علامت جزم این فعل ها سکون است.

اصلی؟
فرعی؟

علامت های
جزم در فعل
مضارع

جزم مضارع معمولاً با یکی از دو علامت زیر نشان داده می شود :

اصلی « ت » : لم يَذْهَبْ، لا تَذْهَبْ
 فرعی « حذف نون اعراب » : لم يَذْهَبَا، لا تَذْهَبُوا

به این عبارت از
زبان فارسی توجه کنید :

اگر درس بخوانی، موفق می شوی.

بدانیم

به چنین جملاتی که وقوع آن مشروط باشد

جملات شرطی

می گویند. جملات شرطی دارای ۳ رکن است :

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

موفق می شوی

درس بخوانی

اگر

به معادل جمله
شرطی بالا در زبان
عربی دقت کنید.

إِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ.

کلماتی که در آغاز جمله‌های شرطیه می‌آیند «ادوات شرط» نامیده می‌شوند،
مانند: **إِنْ، مَنْ، مَا، أَيْنَمَا**
«اگر» «هر که» «هر چه» «هر جا»

اکنون به کاربرد ادوات شرط نظری می‌افکنیم

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾

مَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَحصُدْ نَدَامَةً.

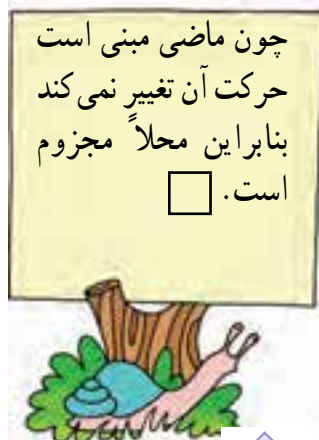
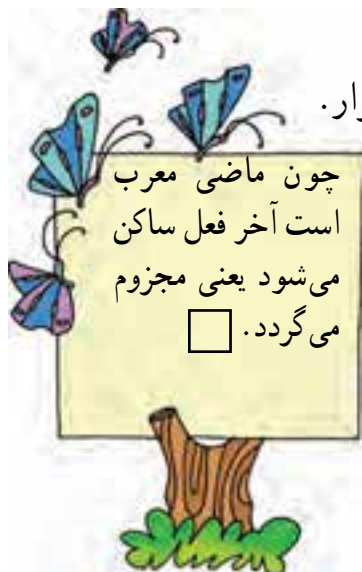
- در هر عبارت چند فعل وجود دارد؟ یک فعل ○ دو فعل ○ سه فعل
- این فعل‌ها چه نوع فعل‌هایی هستند؟ ماضی ○ امر ○ مضارع
- آیا ادوات شرط تأثیری در اعراب فعل‌ها داشته است؟
- آری ○ خیر
- اعراب فعل‌ها چگونه است؟ مرفوع ○ منصوب ○ مجزوم

ادوات شرط از کلمات جازمه‌ای هستند
که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم
می‌کنند. اولی به عنوان فعل شرط و دومی
به عنوان جواب شرط.

❓ اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد

کدام یک از دو حالت رخ می دهد؟

إِنْ صَبَرْتَ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ.



❗ یکی از موارد جزم فعل مضارع زمانی است که در جواب طلب (امر، نهی و ...)

بیاید :

أَدْرُسُ تَنْجَحُ : درس بخوان تا موفق شوی.

فعل طلبی جواب طلب

لَا تَكْذِبْ يُخْبِنِكَ اللَّهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست ندارد.

فعل طلبی جواب طلب

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَوْلَ نَبِيِّهِمْ فَقَالُوا :
يَا نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ الْعَدُوَّ أَخْرَجَنَا مِنْ بِلَادِنَا وَ دِيَارِنَا. ﴿۱﴾ اِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ ﴿۲﴾
قال النبيُّ : إِنِّي أَعْلَمُ إِنَّ يَكْتُبِ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ فإِنْ كُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي
سَبِيلِهِ .

القومُ : لِمَاذَا لَا تُقَاتِلُ أَعْدَاءَنَا، لَقَدْ أَخْرَجُونَا مِنْ بِلَادِنَا وَ دِيَارِنَا .
فلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ يُقَاتِلُوا .
قال النبيُّ : ﴿۳﴾ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ﴿۴﴾
القومُ : كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ طَالُوتُ مَلِكًا عَلَيْنَا وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا .
فَتَبَاحَثُوا كَثِيرًا فَلَمْ يَتَّبِعْ طَالُوتَ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ .
فِي سَاحَةِ الْقِتَالِ عِنْدَمَا شَاهَدُوا كَثْرَةَ أَعْدَائِهِمْ وَ قِلَّةَ عَدَدِهِمْ طَلَبُوا مِنَ اللَّهِ أَنْ
يُثَبِّتَ أَقْدَامَهُمْ وَ قَالُوا : ﴿۵﴾ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۶﴾
وَ قال الْمُؤْمِنُونَ مِنْهُمْ : إِنْ تَصَبَّرُوا تَتَغَلَّبُوا عَلَيْهِمْ . ففَاتَلَوْهُمْ بِشِدَّةٍ وَ هَزَمُوهُمْ .
كما قال سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى : ﴿۷﴾ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ﴿۸﴾

طريق المودة

نَصَحَ أَحَدُ الْحُكَمَاءِ ابْنَهُ قَاتِلًا :

يَا بُنَيَّ! أَحِبِّ قَوْمَكَ يُحِبُّوكَ وَ تَوَاضَعْ لَهُمْ يَرْفَعُوكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ
يَحْتَرِمُوكَ وَ أَكْرِمْ صِغَارَهُمْ - كَمَا تُكْرِمُ كِبَارَهُمْ - يُكْرِمُكَ كِبَارُهُمْ وَ يَكْبِرُ عَلَى
مَوَدَّتِكَ صِغَارُهُمْ وَ ابْذُلْ مَالَكَ وَ أَعِزِّزْ جَارَكَ فَبِذَلِكَ تَنْبُتُ لَكَ سَيَادَتُكَ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- ما قالَ بنو إسرائيلَ لِنَبِيِّهِمْ؟
- ٢- هل قَبِلَ النَّاسُ طَالُوتَ مَلِكًا عَلَيْهِمْ؟ و لماذا؟
- ٣- ما كَانَ سَبَبُ انتصارِ الْمُؤْمِنِينَ؟
- ٤- كيف تَنْبُتُ السِّيَادَةُ؟

التدريب الأول

استخرج من النص الأول ثلاثة أفعال مضارعة ثم أعربها

التدريب الثاني

عين الجواب الصحيح للأسئلة وفقاً لما جاء في النص :

١- مَيِّز إعراب «قوم» :

(الف) خبر مفرد (ب) فاعل

(ج) مبتدأ (د) مفعول به

٢- كم معرفة في آية ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾ ؟

(الف) ١ (ب) ٢ (ج) ٣ (د) ٤

٣- عَيِّن الخَطَأَ عَنِ «طالوت» :

(الف) معرب (ب) جامد (ج) عَلِمَ (د) منصرف

٤- عَيِّن المفعولَ به في عبارة «فلما كتَبَ اللهُ عَلَيْهِمُ القِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ و

لم يُقاتِلوا» :

(الف) اللهُ (ب) القِتال (ج) كثير (د) هم

٥- ما نَوْعُ الإعرابِ في «تَتَغَلَّبُوا»؟

(الف) فرعي (ب) تقديري (ج) محلي (د) أصلي

التدريب الثالث

للإعراب و التحليل الصرفي :

« تَوَاضَعُ يَرْفَعُكَ اللهُ »

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ وَتَرْجِمْهُ ثُمَّ صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ الَّتِي أُسَيِّرُ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

الجُود

خَرَجَ رَجُلٌ مَعَ ابْنِهِ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَهُمَا يُرِيدَانِ أَنْ يَصِيدَا فَنَزَلَا عِنْدَ رَجُلٍ. كَانَ لِهَذَا الرَّجُلِ عَنَزَةٌ فَذَبَحَهُ لَهُمَا فَأَكَلَا مِنْهَا.

عِنْدَمَا أَرَادَ الضَّيْفُ أَنْ يَمْرُكَ الرَّجُلَ قَالَ لِابْنِهِ: إِدْفَعْ لَهُ مَائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ وَلَدُهُ: هُوَ فَاقِيرٌ يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ. فَأَجَابَ: أَنَا لَا أَقْبَلُ أَنْ أَدْفَعَ لَهُ الْقَلِيلَ لِأَنَّهُ ذَبَحَ لَنَا كُلَّ مَا كَانَ عِنْدَهُ.

للتعريب:

تلاش رمز موفقیت است

- رمز موفقیت تو در درس چیست؟
- من تلاش می‌کنم. هر کس تلاش کند موفق می‌شود.
- آیا مرا در درس‌ها کمک می‌کنی؟
- البته، با کمال میل.
- سپاسگزارم. دوست دارم که در همه درس‌ها قبول شوم.
- چه وقت شروع کنیم؟
- امروز
- بسیار خوب، من در خدمت شما هستم.
- متشکرم.^۱

۱- تلاش: الاجتهاد - رمز موفقیت: سَر النَّجَاح - کمک می‌کنی: تُسَاعِدُ - البته: طَبَعاً - با کمال میل:

بِكُلِّ سُرُورٍ (بِكُلِّ رَغْبَةٍ) - قبول شوم: أَنْ أَنْجَحَ - بسیار خوب: جَيِّدٌ جَدًّا - خدمت شما: خِدْمَتِك

– فعل مضارع مجزوم به «لم» معمولاً معادل ماضی منفی است :

لم یکتُبْ = ما کتَبَ : نوشت لم یذهبوا = ما ذهبوا : رفتند

لم یتکاسلن = ما تکاسلن : تبلی نکردند.

– فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند :

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ : اگر نیکی کنید، به خود نیکی می کنید.

– فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود :

لِيَنْهَضْ : باید برخیزد لِيَعْلَمُوا : باید بدانند

لِنَذْهَبْ : باید برویم

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾

اعراب گفتند : ما ایمان می آوریم، بگو شما ایمان نمی آورید بلکه بگوئید اسلام

می آوریم.

۲- لِيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

محبوب ترین توشه ها در نزد تو توشه کار نیک است.

۳- مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ.

هرکس به بندگان خدا ستم کرد، خداوند دشمن او بود.

اقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية عبارات مؤلفة :

* يا بُنَيَّ أَحِبِّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلَمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ .

استقبح : ناپسند بدار يُحْسِنَ إِلَيْكَ : به تو نیکی شود أَنْ تُظْلَمَ : مورد ستم واقع شوی

۱- با انتخاب کلمه مناسب ترجمه آیات زیر را کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

هر کس چه کسی

و به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند.

(ب) ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ﴾ (التغابن / ۱۷)

اگر که

..... به خداوند وامی نیکو دهید خداوند آن را برای شما دو برابر می کند.

(ج) ﴿وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲)

اگر هر آن چه

..... انفاق کنید پس خداوند به آن آگاه است.

۲- آیات زیر را با فعل مناسب کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَا ... مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

تفعلون تفعلوا

و هر آن چه را از کار نیک انجام دهید خداوند بی شک به آن آگاه است.

(ب) ﴿فَاذْكُرُونِي ... كُمْ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

أذكُر أذكُر

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم.

(ج) ﴿فَمَنْ ... مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (الزلزال / ۷)

يعمل يعمل

و هر کس به وزن ذره ای نیکی کند آن را می بیند.

الدّرس الثامن

المبني للمعلوم و المبني للمجهول

فعلها از جهت فاعل بر دو نوع هستند.

- ۱- فعلی که فاعل و انجام دهنده آن مشخص است نام دارد.
- ۲- فعلی که فاعل و انجام دهنده آن نامشخص است نام دارد.

مبني للمجهول

مبني للمعلوم

چگونه و با چه علامت‌هایی می‌توان فعل مجهول را شناخت؟



آیا می‌توانید فعل‌های مجهول را در جمله‌های زیر تشخیص دهید؟

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| معلم درس می‌دهد. | درس داده می‌شود. |
| باغبان نهالی کاشت. | نهالی کاشته شد. |
| دانش‌آموز کتابی می‌خرد. | کتابی خریده می‌شود. |

در کدام قسمت فاعل و انجام دهنده کار «معلوم» است؟
در کدام قسمت فاعل و انجام دهنده کار «مجهول» است؟

چه تفاوتی میان فعل‌ها مشاهده می‌کنید؟

در زبان فارسی فعل‌ها را می‌توان با فعل کمکی «شدن» مجهول نمود.

در زبان عربی چگونه می توان فعل ها را مجهول ساخت؟



روش مجهول نمودن فعل

مضارع

ماضی

عین الفعل را فتحه می دهیم.

عین الفعل را کسره می دهیم.

فقط حرف مضارعه را مضموم می کنیم.

حروف متحرک ماقبل را مضموم می کنیم.

يَخْلُقُ : می آفریند

خَلَقَ : آفرید

يُخْلَقُ : آفریده می شود

خُلِقَ : آفریده شد

يُحْتَرَمُ : احترام می کند

اِحْتَرَمَ : احترام کرد

.....

.....

بنابراین :

با مجهول شدن فعل و حذف فاعل آیا جمله ناقص نمی شود و معنی لطمه نمی خورد؟

دانستیم :

که فعل مجهول فعلی است که فاعل آن مجهول است و در جمله وجود ندارد.

اگر مدیر مدرسه در محل کار خود حاضر نباشد چه کسی به جای او انجام وظیفه می کند؟



در جمله مجهول پس از حذف فاعل، باید کلمه دیگری را جانشین آن نمود تا فعل را به آن نسبت دهیم. به نظر شما کدام یک از این کلمات جانشین فاعل (نایب فاعل) می شود؟



بنابراین برای مجهول کردن یک جمله مراحل زیر به ترتیب انجام می شود:

- ۱ حذف فاعل

فاعل در جمله حذف می شود.

غرس	الفلاخ	شجرة	في الحديقة.
فعل	فاعل	مفعول به	جار و مجرور
- ۲ تعیین نایب فاعل

مفعول به به عنوان نایب فاعل در جای فاعل قرار گرفته مرفوع می شود.

غرس الفلاخ شجرة في الحديقة.	مفعول به
غرس شجرة في الحديقة.	نایب فاعل
- ۳ تغییر حرکات و صیغه فعل

حرکات فعل متناسب با ماضی و یا مضارع بودن آن تغییر می کند و از نظر مذکر و مؤنث بودن با نایب فاعل مطابقت می کند.

عُرِست	شجرة	في الحديقة.
فعل مبني للمجهول	نائب فاعل	جاز و مجرور

آیا می دانید چرا به **مفعول به** ← **نایب فاعل** گفته می شود؟

حال که بعد از حذف فاعل، مفعول به از جهت مکان، اعراب و تبعیت فعل و جنس، احکام فاعل را دارد شایسته است آن را جانشین فاعل یعنی «نایب فاعل» بنامیم.

آیا احکام دیگری نیز برای فاعل سراغ دارید؟ آیا انواع فاعل را به یاد می آورید؟

اسم ظاهر **كُتِبَ الدَّرْسُ**.

ضمیر بارز **الأعداءُ قُتِلوا في الحربِ**.

ضمیر مستتر **الصدیقُ يُعْرِفُ عَدَا الشَّدَائِدِ**. (هو)

انواع نایب فاعل

نایب فاعل

از جهت نوع
نیز مانند فاعل
است.

البوصيري

وُلِدَ الإمامُ شرفُ الدينِ مُحَمَّدُ البوصيريُّ في عام ١٦٠٨ هـ لِلهِجْرَةِ. سَكَنَ البوصيريُّ القُدْسَ و مَكَّةَ و المَدِينَةَ و مِصْرَ و افْتَتَحَ في مِصْرَ مَكْتَباً للقرآنِ الكَرِيمِ. كَانِ البوصيريُّ فقيهاً و كاتباً و رياضياً و شاعراً و لكَ عُرْفٌ في الشُّعْرِ و في مَدْحِ الرَّسُولِ خَاصَّةً. و له قصيدةٌ في ١٨٠ بيتاً^٢ أنشدَها حينَما كانَ فاجِئاً فاستشفَعَ بِها إلى اللَّهِ لِيعافِيَهُ فَرَأَى في المَنامِ النَّبِيَّ (ص) يَمْسُحُ على بَدَنِهِ بِيَدِهِ المَبَارَكَةِ ثمَّ أَلْبَسَهُ بُرْدَةً فَعِنْدَما اسْتَيْقَظَ، شَعَرَ بِأنَّهُ قد سَلِمَ مِنْ هذا المَرَضِ فحَمِدَ اللَّهَ على ذلكَ. تُوفِّيَ البوصيريُّ في القَاهِرَةِ و هو كانَ في السَّادِسَةِ و الثمانينَ مِنْ عُمُرِهِ. إلیكَ بَعْضُ آيَاتٍ مِنْ قَصِيدَتِهِ «البُرْدَةُ» :

مُحَمَّدُ سَيِّدُ الكَوْنَيْنِ و الثَّقَلَيْنِ—
نَبِيُّنا الأَميرُ النَّاهيُ فلا أَحَدٌ
هوَ الحَبِيبُ الَّذي تُرَجى شِفاعَتُهُ
دَعَا إلى اللَّهِ فالْمُسْتَمْسِكُونَ بِهِ
فاقِ النَّبِيَّينَ في خَلْقٍ و في خُلُقٍ
بِنِ و الفَرِيقَيْنِ مِنْ عُرْبٍ و مِنْ عَجَمِ
أَبَرَّ في قَوْلِ «لا» مِنْهُ و لا «نَعَم»
لِكُلِّ هَوَلٍ مِنْ الأَهْوالِ مُقْتَحِمِ
مُسْتَمْسِكُونَ بِحَبْلِ غَيْرِ مُنْقَصِمِ
و لم يُدَانُوهُ في عِلْمٍ و لا كَرَمِ

١- سِتْمِائَةٌ و ثَمَانِيَةٌ

٢- مائةٌ و ثمانينَ بيتاً

مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْجَنَّةِ؟

رُوي أَنَّ النَّبِيَّ (ص) ذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الصُّبْحِ. فَوَجَدَ رَجُلًا يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي. وَ عِنْدَمَا عَادَ الرَّسُولُ (ص) لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ وَجَدَ ذَلِكَ الرَّجُلَ مازالَ يَتَعَبَّدُ وَ عِنْدَمَا وَجَدَهُ فِي الْمَغْرِبِ يَتَعَبَّدُ وَ يُصَلِّي أَيْضاً قَالَ لَهُ : إِنَّكَ دَائِماً فِي الْمَسْجِدِ ! أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ : إِنَّنِي أَتَعَبَّدُ لِكَيْ يَدْخِلَنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَسَأَلَهُ النَّبِيُّ (ص) : مَنْ يَتَكَفَّلُ مَعَاشَ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ : أَخِي! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) : إِنَّ أَخَاكَ لَأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ.

أجب عن الأسئلة التالية :

- ١- أين كان البوصيري يسكن؟
- ٢- ما رأى البوصيري في المنام؟
- ٣- ماذا وجد النبي (ص) في المسجد حين عاد ليصلي صلاة الظهر؟
- ٤- ما كان هدف الرجل من العبادة الكثيرة؟

عَيَّرَ أفعالَ الجُمَلِ مِنَ المَبْنِيِّ للمعلومِ إلى المَبْنِيِّ للمجهولِ مُستَعِيناً بالصُّورِ :



١- تُرشدُ المُعلِّمَةُ التِّلْمِيذَاتِ.

.....



٢- يَقْرَأُ الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ صَبَاحٍ.

.....



٣- نَصَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ.

.....

غَيِّزْ أفعالَ الجُمَلِ مِنَ المَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ إِلَى المَبْنِيِّ للمَعْلُومِ مُستَعِيناً بالصُّورِ :



١-
كُتِبَ الدرسُ.



٢-
يُحَصَدُ الزَّرْعُ.



٣-
سُمِعَ صَوْتُ الجَرَسِ.

التدريب الثالث

عَيِّن الفعل المبني للمجهول واكْتُب نوعَهُ :

- ١- ﴿قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا﴾
- ٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾
- ٣- ﴿قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا﴾
- ٤- ﴿وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾
- ٥- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾

التدريب الرابع

عَيِّن المرادف والمُضادَّ : (=، ≠)

الهُول الخَوْف	الأمير النَّاهي	سَلِمَ مَرِضَ
الغزوة الحَرْب	رَأى شاهَدَ	عادَ رَجَعَ

– در ترجمه افعال مجهول از صیغه‌های «شدن» استفاده می‌کنیم :
 أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) : قرآن بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.
 ضَخَّ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- نُصَدَّرُ بَعْضَ الْمُنْتَجَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ .

برخی از فرآورده‌های ایرانی را به خارج کشور صادر می‌کنند.

۲- ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

و چون قرآن می‌خوانند به آن گوش سپاریم و خاموش باشیم شاید که مورد رحمت قرار گیریم.

۳- تُنَزَّلُ عَلَيْنَا النِّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ .

نعمت‌های آسمانی بر ما نازل شد.

إقرأ العبارة ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارة مألوفة :

* تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ .

محبوء : پنهان

المرء : انسان

در کدام آیه فعل مجهول به کار نرفته است؟

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (الأعراف / ۳)

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (المائدة / ۹۷)

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۳۲)

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

العدد

آیا نام اعداد را در زبان عربی می‌دانید؟

برای آشنایی بیشتر با عدد به جدول زیر توجه کنید.

عدد	واحد	إِثْنَان	ثَلَاثَة	أَرْبَعَة	خَمْسَة	سِتَّة	سَبْعَة	ثَمَانِيَة	تِسْعَة	عَشْرَة
شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

از آنجا که مذکر و مؤنث بودن در زبان عربی کاربردی فراگیر و گسترده دارد، اعداد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دو صورت مذکر و مؤنث به کار می‌روند.

ج

۱۱ و ۱۲		
مؤنث	مذکر	عدد
إِثْنَانِ عَشْرَة	أَحَدَ عَشَرَ	۱۱
إِثْنَتَيْ عَشْرَة	اِثْنَا عَشَرَ	۱۲

ب

۳ تا ۱۰		
مؤنث	مذکر	عدد
ثَلَاثَة	ثَلَاث	۳
أَرْبَعَة	أَرْبَع	۴
خَمْسَة	خَمْس	۵
سِتَّة	سِت	۶
سَبْعَة	سَبْع	۷
ثَمَانِيَة	ثَمَانِي	۸
تِسْعَة	تِسْع	۹
عَشْرَة	عَشْر	۱۰

الف

۱ و ۲		
مؤنث	مذکر	عدد
وَاحِدَة	وَاحِد	۱
إِثْنَانِ	إِثْنَان	
إِثْنَتَيْنِ	إِثْنَيْنِ	۲

مفرد

به اعداد ۱ تا ۱۰ که از یک جزء

مرکب

ساخته شده اند عدد گویند.

مفرد

به اعداد ۱۱ و ۱۲ که از دو جزء

مرکب

تشکیل شده اند عدد گویند.

به کلماتی که شمرده می شوند «معدود»
گفته می شود.

معدود بر وزن «مفعول» به معنای «شمرده
شده» است.

﴿وَالِهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ^۱﴾

﴿لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ^۲﴾

﴿قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ^۳﴾

﴿فَسَيِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ^۴﴾

﴿يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ^۵﴾

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ^۶﴾

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ^۷﴾

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ^۸﴾

﴿فَكَفَّرْتَهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ^۹﴾

﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا^{۱۰}﴾

در قرآن کریم نیز از اعداد بسیار استفاده شده است. بعد از قرائت آیات شریفه، عدد و معدود به کار رفته در آنها را مشخص کنید.

(البقرة / ۱۶۳)

(التحل / ۵۱)

(آل عمران / ۴۱)

(التوبة / ۲)

(آل عمران / ۱۲۵)

(هود / ۷)

(الحاقة / ۷)

(الإسراء / ۱)

(المائدة / ۸۹)

(يوسف / ۴)

۱- معبودتان یک خدا است

۲- دو معبود برای خود برنگزینید

۳- گفت: نشانه تو این است که سه روز با مردم سخن نگوئی

۴- چهار ماه در زمین بگردید

۵- خدایتان با پنج هزار فرشته شما را یاری می کند

۶- او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

۷- هفت شب و هشت روز طوفان را بر آنان مسلط ساخت

۸- حقیقتاً نه نشانه اشکار به موسی بخشیدیم

۹- پس کفاره آن، اطعام ده مسکین است

۱۰- من یازده ستاره را دیدم

جدول کاربرد اعداد ۱ تا ۱۰ با معدود مذکر و معدود مؤنث

قَرَأْتُ مَجَلَّةً وَاحِدَةً	قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا	هر اسم مفردی بر «یک» بودن دلالت می کند و هر مثنایی بر «دو» بودن دلالت دارد لذا این دو عدد «یک و دو» را می توان پس از اسم مفرد یا مثنی برای تأکید کردن آورد	۱ و ۲
هَاتَانِ مَجَلَّتَانِ اثْنَانِ قَرَأْتُ مَجَلَّتَيْنِ اثْنَتَيْنِ	هَذَانِ كِتَابَانِ اثْنَانِ قَرَأْتُ كِتَابَيْنِ اثْنَيْنِ		

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
--------------------------	--------------------------	-------------	-----------

قَرَأْتُ ثَلَاثَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ أَرْبَعَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ خَمْسَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ سِتَّ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ سَبْعَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ تِسْعَ مَجَلَّاتٍ قَرَأْتُ عَشْرَ مَجَلَّاتٍ	قَرَأْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ أَرْبَعَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ سِتَّةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ تِسْعَةَ كُتُبٍ قَرَأْتُ عَشْرَةَ كُتُبٍ	جمع و مجرور	اما اعداد از سه تا ده همراه معدود به کار می روند این اعداد بر عکس معدود خود به کار می روند یعنی برای معدود مذکر با «تاء» و برای معدود مؤنث بدون «تاء» استفاده می شوند نقش: متناسب با نیاز جمله	۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
---	---	-------------	---	---------------------------------------

جدول کاربرد اعداد ۱۱ و ۱۲ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَجَلَّةً	قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: أَحَدَ عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِحْدَى عَشْرَةَ (هر دو جزء مبنی بر فتح)
هَذَا إِثْنَا عَشْرَةَ مَجَلَّةً قَرَأْتُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	هَذَا اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: إِثْنَا عَشَرَ برای معدود مؤنث: اثْنَتَيْ عَشْرَةَ (جزء دوم مبنی بر فتح)

وظیفه اعداد در ساختار جمله چیست و چه سهمی در ساختن آن دارند؟



آیا

نقش و اعراب نگرفته و سهمی در ساختن جمله ندارند؟

یا

به عنوان عضوی از اعضای جمله نقش پذیرفته و انجام وظیفه می کنند؟

برای یافتن پاسخ بعد از مقایسه این عبارات با قضاوت کنید.

سَلَّمْتُ عَلَى الطَّلَابِ

رَأَيْتُ الطَّلَابَ فِي الْمَدْرَسَةِ

خَرَجَ الطَّلَابُ مِنَ الْبَيْتِ

سَلَّمْتُ عَلَى أَرْبَعَةِ طُلَّابٍ

رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ طُلَّابٍ فِي الْمَدْرَسَةِ

خَرَجَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ مِنَ الْبَيْتِ

چه نتیجه‌ای
گرفتید؟

عدد نیز به عنوان عضوی از اعضای جمله
نقش پذیرفته و انجام وظیفه می‌کند.

اعراب عدد

از جهت اعراب تابع ماقبل خود است :
هَذَا قَلَمٌ **وَاحِدٌ** قَرَأْتُ **مَجْلَتَيْنِ** **اِثْنَتَيْنِ**

۱ و ۲

متناسب نیاز جمله نقش می‌گیرد و می‌تواند مرفوع یا منصوب و یا مجرور شود مانند :
حَضَرَ **ثَلَاثَةَ** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثَ** مُعَلِّمَاتٍ - رَأَيْتُ **ثَلَاثَةَ** مُعَلِّمَاتٍ و **ثَلَاثَ** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثَ** مُعَلِّمَاتٍ

۳ تا
۱

متناسب نیاز جمله نقش پذیرفته اما هر دو جزء آن مبنی بر فتح است لذا اعراب آن در هر سه حالت محلی است.
حَضَرَ **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً رَأَيْتُ **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً سَلَّمْتُ عَلَى **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً

۱۱

متناسب با نیاز جمله نقش می‌پذیرد اما جزء اول «معرّب» و جزء دوم مبنی بر فتح است
جاء **اِثْنَا عَشَرَ** طَالِباً رَأَيْتُ **اِثْنَتَيْ** عَشْرَةَ طَالِبَةً سَلَّمْتُ عَلَى **اِثْنَتَيْ** عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً و **اِثْنَتَيْ** عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً

۱۲

هل تعلم...

— أن نوعاً من الكنغر يُقدَّر أن يَقِفَ إلى الأعلى أكثر من ثلاثة أمتارٍ وأكثر من اثني عشر متراً إلى الأمام، وذلك في قفزة واحدة؟!

— أن قلب الإنسان إلى نهاية عمره يُضخُّ من الدَّم ما يُعادلُ مِلياً أكثر من عشرِ ناقلاتٍ نفطٍ كبيرةٍ، حجْمُ كُلِّ مِنْهَا مليونُ برميلٍ؟!

— أن القِطَّةَ تَرى في الظَّلامِ أَفضَلَ مِنَ الإنسانِ بِسَبْعِ مَرَّاتٍ والسَّبَبُ يَعُودُ إلى تَوَسُّعِ الحَدَقَتَيْنِ عِنْدَ وَصُولِ الضَّوءِ و تَأثُرِ الخَلايا المَوجودَةِ في عُيُونِ القِطَّةِ الَّتِي تَعْمَلُ كِمِرَاةٍ تَعكِسُ الأضواءَ.

أكمل كل جملة بِإِتِّخَابِ عَدَدٍ أَوْ مَعْدُودٍ مُنَاسِبٍ :

في البيتِ خَمْسَةٌ ...

مَصَابِيحٍ

مَصَابِيحَ

مَصَابِيحِ

لكلِّ فصلٍ ... أَشْهُرٍ.

ثَلَاثَةٌ

ثَلَاثُ

ثَلَاثَةٌ

رَأَيْتُ فِي الْمَوْقِفِ ... سَيَّارَةً.

اِثْنَيْ عَشَرَ.

اِثْنَيْ عَشْرَةَ

اِثْنَا عَشْرَةَ

نَتَعَلَّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ لِعَيْنَيْنِ ...

اِثْنَتَيْنِ

اِثْنَتَانِ

اِثْنَيْنِ

أَهْدَيْتُ ... كِتَابًا إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ.

اِثْنَيْ عَشْرَةَ

اِثْنَا عَشَرَ

اِثْنَيْ عَشَرَ

فِي الْحَدِيقَةِ ... شَجْرَةً.

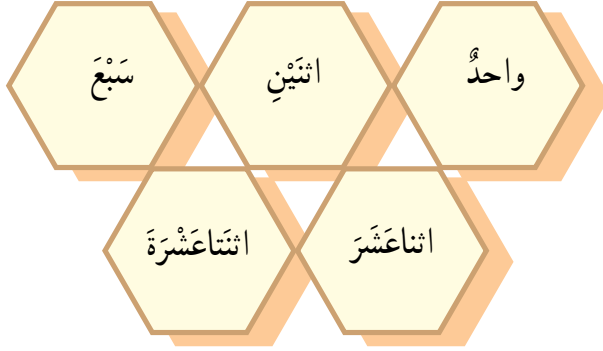
إِحْدَى عَشَرَ

إِحْدَى عَشْرَةَ

أَحَدَ عَشَرَ

التدريب الثاني

انتخب للفراغ عدداً مناسباً :



- ١- ﴿فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ ... عَيْنًا﴾ (البقرة / ٦٠)
- ٢- ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ ... سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا﴾ (نوح / ١٥)
- ٣- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ ... إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ ...﴾ (النحل / ٥١)
- ٤- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ ... شَهْرًا﴾ (التوبة / ٣٦)



التدريب الثالث

أكمل القراع بالعدد المناسب :

كرة السلة

- تدور مباراة كرة السلة بين فريقين ...
ويتألف كل فريق من ... لاعبين.
يُشرف على المباراة حكم ...
ويُساعدُه حكمان ...
- (اثنتان، اثنتين، اثنين)
(خمس، خمسة، خمسة)
(واحد، واحدة، واحد)
(اثنتان، اثنتين، اثنان)

أَكْمِلِ الْفَرَاغَ بِالْمَعْدُودِ الْمُنَاسِبِ :

مُبَارَاةٌ رِيَاضِيَّةٌ

«أَجْرِيْتُ خِلَالَ ... وَاحِدَةٍ،	«عَامٍ، سَنَةٍ، سَنَةٍ»
خَمْسُ ... رِيَاضِيَّةٍ فِي مَدْرَسَتِنَا»	«مَسَابَقَاتٍ، مَسَابِقَةٍ، مَسَابِقَتَانِ»
«إِشْتَرَكْتُ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْ أَحَدِ عَشَرَ ...»	«فَرِيقَانِ، فَرِيقًا، فَرِيقٌ»
«فِي كُلِّ فَرِيقٍ سَبْعَةٌ ...»	«لَاعِبًا، لَاعِبَاتٍ، لَاعِبِينَ»
«وَحَصَّصَ الْمَدِيرُ ... اثْنَتَيْنِ لِلْفَاتِرَيْنِ	«جَائِزَةً، جَائِزَتَيْنِ، جَوَائِزَ»
فِي ... وَاحِدَةٍ»	«لُعْبَةٍ، أَلْعَابٍ، لُعْبَتَانِ»

التَّهْرِينِ الرَّابِعِ

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- ١- قَرَأْتُ خُطْبَةً وَاحِدَةً مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.
- ٢- حَفِظْنَا جُزْأَيْنِ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.
- ٣- اسْتُشْهِدَ فِي سَاحَةِ الْجِهَادِ اثْنَا عَشَرَ مُجَاهِدًا.
- ٤- فِي مَكْتَبَتِي أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ مَجَلَّاتٍ.
- ٥- فِي الْمَسْبَحِ اثْنِي عَشَرَ سَابِحًا.

آمادگی برای امتحان

للتعريب :

- سه ماه دیگر امتحانات شروع می شود.
- بله، می دانم.
- آیا شما برای امتحان آماده ای؟
- بله، من هر روز چهار ساعت درس می خوانم.
- بسیار خوب، چند ساعت عربی می خوانی؟
- یک ساعت عربی می خوانم.
- زبان عربی از درس های مهم است.
- ما همیشه به این زبان نیاز داریم.
- بله، زبان عربی زبان دین و فرهنگ ماست!

۱- آمادگی : الاستعداد - سه ماه دیگر : بعد ثلاثة أشهر - آماده : مستعد - درس می خوانم : أدرُس - چند ساعت : كم ساعة - همیشه : دائماً - نیاز داریم به : نحن بحاجة إلى ... - فرهنگ : ثقافة

– اعداد ترتیبی در زبان عربی عبارتند از: اول، ثانی، ثالث، رابع، خامس، سادس، سابع، ثامن، تاسع، ... عاشر، حادی عشر، ثانی عشر، ... :
قرأت الصفحة الثانية من الدرس الثالث : صفحه دوم از درس سوم را خواندم.

للترجمة

- ۱- أُسْتُشْهِدَ الْإِمَامَ الْحُسَيْنِ (ع) فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ.
- ۲- دُفِنَ أَرْبَعَةُ أُمَّةٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) فِي الْبَقِيعِ.

إقرأ العبارة ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارة مألوفة :

* الناس ثلاثة : فعالم ربانيّ و متعلم على سبيل نجاة و همج رعاع ...
يملون مع كل ریح .

همج رعاع : انسان های بی مایه و اختیار

ریح : باد، نسیم

عدد مناسب را در جای خالی آیات زیر قرار دهید :

۱- ﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى ... آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ﴾ (الاسراء / ۱۰۱) تسعة تسع

۲- ﴿ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي ... أَيَّامٍ ﴾

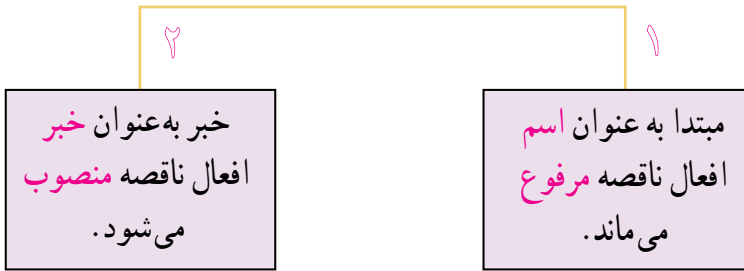
(الأعراف / ۵۴) ستة ست

الدَّرْسُ العَاشِرِ

الأفعال الناقصة

كان

از افعال ناقصه است که چون بر سر مبتدا و خبر وارد شود :



ليس المؤمنُ مُعتدياً.

اسم ظاهر

كنتُ شيطاناً في الدرسِ.

ضمير بارز

اسم افعال
ناقصه

كُنْتُ (أنتَ) صادقاً في عملك .

ضمير مستتر

هرگاه مبتدا ضمیر منفصل باشد، برای این که اسم افعال ناقصه قرار گیرد، باید فعل را متناسب با آن صیغه آورد.

هُم نَاجِحُونَ. ← أَصْبَحُوا نَاجِحِينَ.

أَتُنَّ نَاجِحَاتٌ. ← أَصْبَحْتُنَّ نَاجِحَاتٍ.

نکته

انواع خبر افعال ناقصه

كَانَ الْفَلَّاحُ وَاقِفًا.

مفرد

كَانَ الْفَلَّاحُ يَزْرَعُ الْأَرْضَ.

جمله

كَانَ الْفَلَّاحُ فِي الْمَرْعَةِ.

شبه جمله

به فعل های این جملات توجه کنید :

أَصْبَحَ التَّلْمِيزَانِ نَاجِحِينَ أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِدًا
لَيْسَتِ الطَّالِبَاتُ مُتَكَاسِلَاتٍ لَيْسَ الطَّالِبُ حَاضِرًا
صَارَ الْمُسْلِمُونَ مُتَقَدِّمِينَ فِي الْعَالَمِ صَارَتِ الْأَرْضُ خَضِرَاءَ

مهم ترین فعل هایی که مانند «کان» عمل می کنند و آن ها را «أَخَوَاتِ كَان» می نامند عبارتند از :
«صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مَازَالَ»

تُصْحِيَةُ الْأُمِّ

كَانَتْ أُمِّي تَشْتَغِلُ بِحِيَاكَةِ الْمَلَابِسِ وَ تَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ لِتَحْصُلَ عَلَى النُّقُودِ
الْلاَزِمَةِ لِشِرَاءِ حَاجَاتِ الْبَيْتِ وَ كَانَتْ تُتْعِبُ نَفْسَهَا فِي الْعَمَلِ لَيْلاً وَ نَهَاراً.
سَأَلْتُ وَالِدَتِي :

لِمَاذَا تُتْعِبِينَ نَفْسَكَ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يَا أُمِّي!
فَقَالَتْ :

إِنَّ الْعَمَلَ شَيْءٌ حَسَنٌ، وَأَنَا أَعْمَلُ كَثِيراً حَتَّى أَوْفَرَ الطَّعَامَ وَالْمَلَابِسَ وَاللُّوْازِمَ
الْمُدْرَسِيَّةَ.

وَكَانَتْ تَطْلُبُ مِنِّي دَائِماً أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَأَعْمَلَ بِوَاجِبَاتِي الْمُدْرَسِيَّةِ وَ كَانَتْ
تَقُومُ هِيَ بِتَحْضِيرِ الطَّعَامِ وَ إِدَارَةِ الْبَيْتِ وَ فِي اللَّيَالِي تَسْهَرُ وَ تَعْمَلُ مِنْ أَجْلِ رَاحَتِي.
وَ كُنْتُ أَشَاهِدُ مَقْدَارَ الْجُهْدِ الَّذِي تَبْدُلُهُ لِكَيْ تُوفِّرَ لِي السَّعَادَةَ وَ الْحَيَاةَ الْكَرِيمَةَ.

يَا لَهَا مِنْ أُمَّ حَنُونٍ!
وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَنِي لِخِدْمَتِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

اللِّسَانُ

كَانَ لِقْمَانُ تَلْمِيذاً فِي صِغَرِهِ عِنْدَ أَحَدِ الْأَطْبَاءِ فَأَرْسَلَ الْأَسْتَاذُ تَلْمِيذَهُ إِلَى السُّوقِ
وَ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ أَجُودَ قِطْعَةٍ مِنْ ذَبِيحَةٍ فَذَهَبَ وَ رَجَعَ وَ مَعَهُ لِسَانٌ
خَرُوفٍ.

و في اليومِ الثاني
أرسله إلى السوقِ و طلبَ منه أن يشتري أزدأً قطعةً من الدبيحةِ . فذهبَ و
رجعَ و معه لسانُ حروفٍ أيضاً . فتعجبَ الأستاذُ من عملِ تلميذه .
فقال : ما وجدتُ في جسمِ الدبيحةِ قطعةً أجودَ و أزدأً من اللسانِ ، فاللسانُ
الكاذبُ التمامُ يؤذي الناسَ و يُغضبُ اللهَ و اللسانُ الصادقُ المصلحُ ينفعُ الناسَ و
يُرضي اللهَ .

أجب عن الأسئلة التالية :

- ١- ماذا طلبَ الأستاذُ من لقمانَ حينَ أرسله إلى السوقِ؟
- ٢- من تعجبَ من عملِ لقمانَ؟
- ٣- ما هو أجودُ و أزدأُ قطعةٍ من الدبيحةِ حسبَ رأيِ لقمانَ؟

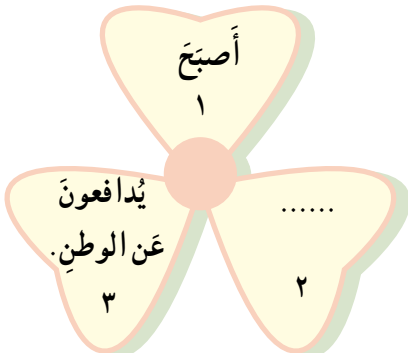
التمرين الأول

إنتخبِ الجوابَ الصَّحيحَ :

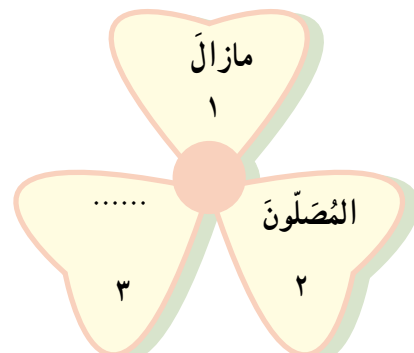
- (١) الف) كَانَ التَّلْمِيذُ يُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.
ب) التَّلْمِيذُ كَانَ تُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.
- (٢) الف) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُعْرَدُ.
ب) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُعْرَدُ.
- (٣) الف) مَازَالَ الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.
ب) مَازَالُوا الطُّلَّابُ يَدْرُسَانِ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.
- (٤) الف) الْعَدْرُ لَيْسَتْ صِفَةً مَحْمُودَةً.
ب) لَيْسَ الْعَدْرُ صِفَةً مَحْمُودَةً.

التمرين الثاني

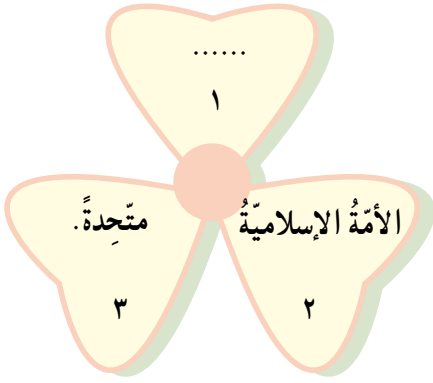
أكمل الفراغ لتصنع جملاً مفيدةً :



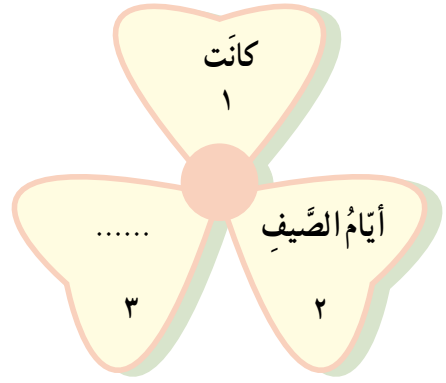
- ١- المُجَاهِدِينَ
٢- المُجَاهِدَانِ
٣- المُجَاهِدُونَ



- ١- فِي الْمَسْجِدِ
٢- حَاضِرُونَ فِي الْمَسْجِدِ
٣- تَجَلِسُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ



١- صارت ٢- ما دُمّت ٣- أصبحوا



١- حاراً ٢- حارّة ٣- حارّة

التمرين الثالث

أكتب إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخطّين والتحليل الصرفي للكلمات التي أُشير إليها بخط واحد :

١- تُصْبِحُ الزُّهْرَةُ ثَمْرَةً فِي الرَّبِيعِ .

٢- كَانَ الطَّالِبُ قَدْ كَتَبَ آيَةً كَرِيمَةً عَلَى اللُّوحِ .

التمرين الرابع

احذف الأفعال الناقصة من الجمل التالية وغيّر ما يلزم تغييره :

١- صارَ البوصيرِيُّ مَعْرُوفاً بِقَصِيدَتِهِ «البُرْدَةُ» .

٢- صارَ الأَغْنِيَاءُ يُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ .

٣- أَصْبَحْنَا أَحْرَاراً بَعْدَ ثَوْرَتِنَا الْإِسْلَامِيَّةِ .

– خبر كَانَ اگر فعل مضارع باشد معادل ماضی استمراری و هرگاه فعل ماضی باشد معادل ماضی بعید زبان فارسی خواهد بود، مانند :

كَانَ التَّلْمِيذُ يَقْرَأُ دَرْسَهُ : دانش آموز درس خود را می خواند.

كَانَ التَّلْمِيذُ قَدْ قَرَأَ دَرْسَهُ : دانش آموز درس خود را خوانده بود.

لِلتَّرْجُمَةِ

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

۱- ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (مریم / ۵۵)

- الف) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان داده بود.
- ب) خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

۲- كَانَ الْمُسْلِمُونَ اِكْتَسَبُوا مَكَانَةً عِلْمِيَّةً رَفِيعَةً فِي الْقُرُونِ الْأُولَى .

- الف) مسلمانان در سده های نخستین جایگاه علمی والایی به دست آورده بودند.
- ب) مسلمانان جایگاه علمی رفیعی در سده های نخستین به دست آوردند.

۳- كَانَ الْفَلَاحَانِ يَحْصُدَانِ الزَّرْعَ .

- الف) دو کشاورز محصول را درو می کردند.
- ب) دو کشاورز محصول را درو کرده بودند.

إقرأ العبارة ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسیة :

* إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً.

صواب : درست

داء : درد

با انتخاب فعل ناقص مناسب آیات زیر را کامل کنید :

۱- ﴿ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ ف..... فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ ﴾ (الأعراف / ۷۸)

لَيْسُوا

أَصْبَحُوا

پس زلزله آن‌ها را دربرگرفت تا آن‌که همه در خانه‌های خود از پای درآمدند.

۲- ﴿ و..... لِلخَاتِنِينَ خَصِيمًا ﴾ (النساء / ۱۰۵)

لَا تَكُنَّ

لَا تَكُونُ

و طرفدار خیانتکاران مباش!

(التین / ۸)

۳- ﴿ أ..... اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴾

صَارَ

لَيْسَ

آیا خدا بهترین داوران نیست؟!

الدَّرْس الحادي عَشَرَ

الحروف المشبَّهة بالفعل

إِنَّ :

از حروف مشبَّهه بالفعل است که برای رساندن مفهوم تأکید بر سر مبتدا و خبر درمی آید.

با آمدن إِنَّ

و

خبر
به عنوان خبر إِنَّ مرفوع
باقی می ماند

مبتدا
به عنوان اسمِ إِنَّ منصوب
می شود

عَالِمٌ	اللَّهِ	إِنَّ
خبرِ إِنَّ و مرفوع	اسمِ إِنَّ و منصوب	از حروف مشبَّهة بالفعل

عَالِمٌ	اللَّهِ
خبر	مبتدا

«إِنَّ» أَخْوَات دیگری نیز دارد.

أَنَّ ، لَكِنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ، كَأَنَّ
(که، اینکه) (لیکن) (کاش) (شاید) (گویا، مثل اینکه)
از دیگر حروف مشبَّهة بالفعل می باشند.

اسم و خبر حروف
مشبّهة بالفعل

اسم ظاهر	إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ صَادِقُونَ .
ضمير متصل	إِنَّكَ صَادِقٌ .
مفرد	لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ .
جمله	لَعَلَّ الطَّالِبَ يَنْجُو .
شبه جمله	لَعَلَّ الطَّالِبَ مِنَ النَّاجِحِينَ .

اسم حروف مشبّهة بالفعل

خبر حروف مشبّهة بالفعل

رابطه میان اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل دقیقاً مانند رابطه مبتدا و خبر است.

به این جملات توجه نمایید :

إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ : همانا خداوند عالم است.

إِنَّمَا اللَّهُ عَالِمٌ : فقط خداوند عالم است.

برای منحصر کردن مفهوم خبر برای مبتدا، می توان به إِنَّ و أَنْ «ما» افزود که به این «ما» مای کافّه یعنی بازدارنده می گویند

به این «ما» کافّه و بازدارنده گفته اند چون مانع عمل «إِنَّ»... می شود و بعد از آن ممکن است :

جمله اسمیه (مبتدا خبر) بیاید.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
از حروف مشبّهة كافّه مای فعل فاعل

و یا

جمله اسمیه (مبتدا خبر) بیاید.

إِنَّمَا | الْمُؤْمِنُونَ | إِخْوَةٌ
از حروف مشبّهة كافّه مای مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع

إِنَّمَا و أَنَّمَا را أدوات حصر گویند.

!

الوالي المتواضع

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ وَمَعَهُ حِمْلٌ تَمْرٍ وَأَشْيَاءَ أُخْرَى .

في السوق

إلهي! هذا الحِملُ ثقيلٌ . مَنْ يُسَاعِدُنِي؟

فَوَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسِبَهُ فَقِيرًا .

هَلْ تُسَاعِدُنِي وَتَحْمِلُ لِي هَذَا الْحِمْلَ؟

فَأَجَابَهُ الرَّجُلُ : نَعَمْ ، بِكُلِّ سُورٍ .

فَحَمَلَهُ وَذَهَبَا مَعًا ... وَفِي الطَّرِيقِ شَاهِدًا جَمَاعَةً مِنَ النَّاسِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ!

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ : إلهي! مَنْ هَذَا؟

أَسْرَعَ النَّاسُ نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ .

فَعِنْدَمَا شَاهَدَ الشَّامِيُّ النَّاسَ قَدِ اجْتَمَعُوا حَوْلَ هَذَا الرَّجُلِ ، سَأَلَهُمْ عَنْهُ ، فَأَجَابُوهُ :

إِنَّهُ أَمِيرُ الْمَدَائِنِ ، إِنَّهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ . فَخَجَلَ الرَّجُلُ وَاعْتَذَرَ مِنْهُ وَقَصَدَ أَنْ يَأْخُذَ

الْحِمْلَ . وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفَضَ وَقَالَ لَهُ : سَأَحْمِلُهُ إِلَى مَقْصِدِكَ .

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضُعِ الْأَمِيرِ .

أهل مَدِين

مَدِينٌ كَانَتْ مَدِينَةً كَبِيرَةً فِي الشَّامِ وَكَانَ أَهْلُهَا فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ أَهْلَ صَلَاحٍ وَ

تَقْوَى، يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً وَ كَانُوا تُجَاراً.
وَ مَعَ مُرُورِ الْآيَامِ تَغَلَّبَ عَلَيْهِمُ الطَّمَعُ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَ تَرَكَوا عِبَادَةَ اللَّهِ وَ
كَانُوا يَنْقُصُونَ فِي الْمِيزَانِ.

فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى شُعَيْباً لِهَدَايَتِهِمْ إِلَى الْحَقِّ وَ النَّهْيِ عَنِ الشَّرِكِ بِاللَّهِ.
فَكَانَ شُعَيْبٌ يُخَاطِبُ النَّاسَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ يَمْنَعُهُمْ عَنِ الْمُتَكَبِّرِ.
فِي أَحَدِ الْآيَامِ قَالَ لَهُ رَجُلٌ :
يَا نَبِيَّ اللَّهِ : إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ أَنَا غَرِيبٌ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ . إِسْتَرَيْتُ
مِنْهُمْ مِقْدَاراً مِنَ التَّمْرِ وَ لَكِنَّهُمْ نَقَصُوا فِي الْوِزْنِ وَ عِنْدَمَا اعْتَرَضْتُ عَلَى هَذَا الْعَمَلِ
ضَرَبُونِي وَ هَدَّدُونِي .

فَخَرَجَ شُعَيْبٌ مَعَهُ إِلَى السُّوقِ وَ سَأَلَهُمْ عَنِ قِصَّةِ الرَّجُلِ فَلَمْ يُنْكِرُواهَا . وَ قَالُوا :
إِنَّ هَذِهِ طَرِيقَةُ آبَائِنَا وَ نَحْنُ نَعْمَلُ بِهَا .
فَظَلُّوا عَلَى هَذِهِ الطَّرِيقَةِ فَحَدَّرَهُمْ شُعَيْبٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْتَمِعُوا
إِلَيْهِ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَ تَهَدَّمَتْ أَسْوَاقُهُمْ وَ بُيُوتُهُمْ فِي زَلْزَلَةٍ شَدِيدَةٍ وَ رِيحٍ
حَارِقَةٍ ...!

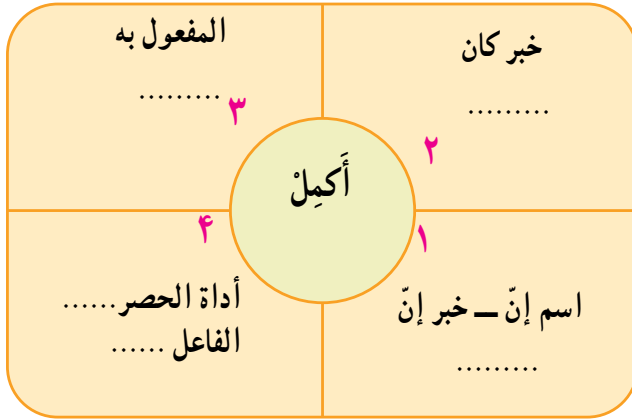
أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَعَجَّبَ السَّامِيُّ؟
- ٢- كَيْفَ كَانَ أَهْلُ مَدْيَنَ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ؟
- ٣- مَاذَا عَمِلَ أَهْلُ مَدْيَنَ حِينَ اعْتَرَضَ الرَّجُلُ الْغَرِيبَ عَلَى عَمَلِهِمْ؟
- ٤- كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَهْلِ مَدْيَنَ؟

التدريب الأول

اكتب ما طلب منك في مكانه الخاص :

- ١- ﴿ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾
- ٢- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى ﴾
- ٣- ﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾
- ٤- ﴿ إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتٌ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ .



التدريب الثاني

حوّل الجملة التالية من المفرد إلى المثنى فالجمع :

- ١- ﴿ إِنَّ الْجُنْدِيَّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ بِرُوحِهِ .
- ٢- ﴿ لَيْتَكَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومِينَ .

التدريب الثالث

اجعل حرفاً مُشبهاً بالفعل محلّ الفعلِ الناقصِ ثمّ عبّر ما يلزمُ تغييرُهُ :

١- مازالَ الحَسَدُ يَقْتُلُ صاحِبَهُ.

٢- كُنْتُ قَدْ نَجَحْتُ فِي الحَيَاةِ بِجِدِّكَ.

التدريب الرابع

صَحِّح الأخطاءَ مَعَ بيانِ السببِ :

١- إِنَّ المسلمونَ مُتَفَرِّقِينَ ماداموا بَعِيدُونَ عَنِ الإِسْلامِ.

٢- إِنَّ مُمرَّضاتِ المُستَشْفَى ساهراتِ طوَلِ الليلِ.

التدريب الخامس

أُكْتُبُ إعرابَ الكلماتِ التي أُشيرَ إليها بخطّينِ والتحليلَ الصرفيَّ للكلماتِ التي أُشيرَ إليها

بخطِّ واحدٍ :

﴿ إِنَّ وَعَدَكَ الحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الحاكِمِينَ ﴾

التدريب السادس

عبّر عن الترادفِ والمُضادِّ : (=, ≠)

التَّمَرُ..... الرُّطْبَ	سَأَلَ..... أَجابَ	البَيْعُ..... الشُّراءَ
الأُمُّ..... الوالِدَةَ	الأجودُ..... الأردأَ	الصَّادِقُ..... الكاذِبَ
الظُّلامُ..... النُّورَ	الأفْضَلُ..... الأحسَنَ	الأضواءُ..... الظُّلُماتِ

– «إِنَّ» معمولاً در آغاز عبارت می آید و بیانگر معنای تأکید است :
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ : قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
 – «أَنَّ» به معنای «که» یا «این که» است و معمولاً میان دو عبارت می آید و معادل حرف ربط زبان فارسی است :

عَلِمْتُ أَنَّهَا قَدْ نَجَحَتْ فِي الامْتِحَانِ : دانستم که او در امتحان قبول شده است.
 – خبر «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در صورتی که مضارع باشد معمولاً در ترجمه آن از مضارع التزامی استفاده می کنیم :

لَيْتَ السَّلَامَ يَسْتَقِرُّ فِي الْعَالَمِ! کاش صلح در جهان استقرار یابد!

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عین ترجمتها الصحيحة :

- ۱- إِنَّ التَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ .
 - الف) شاید سخن چینی (بذر) کینه بکارد.
 - ب) همانا سخن چینی (بذر) کینه می کارد.
- ۲- لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ!
 - الف) کاش دوستی در میان مردم جای گیرد!
 - ب) کاش دوستی در میان مردم جای گرفته بود!
- ۳- ﴿لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة / ۱۰۶)
 - الف) آیا نمی دانی همانا خداوند بر انجام هر چیزی توانا است؟
 - ب) آیا ندانستی که خداوند بر انجام هر چیزی توانا است؟
- ۴- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (إبراهيم / ۲۵)
 - الف) خداوند برای مردم مثل ها می آورد کاش آن ها به یاد می آوردند و پند می گرفتند.
 - ب) خداوند برای مردم مثل ها می زند شاید آن ها به یاد آورند و پند گیرند.

ترجمه هذه العبارة إلى الفارسية :

* اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.

الْخَلَوَاتُ : جمع خلوة، خلوت

الف) ترجمه آیات زیر را با انتخاب کلمه مناسب کامل کنید :

(البقرة/ ۱۸۹)

۱- ﴿ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ای کاش شما

شاید شما

و تقوای خدا را پیشه کنید رستگار شوید.

(النبأ / ۴۰)

۲- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً ﴾

به درستی که

ای کاش

و کافر (در آن روز) می گوید خاک بودم.

ب) خبر حروف مشبهة بالفعل و نوع آن را مشخص کنید :

(التخل / ۹۰)
نوع خبر

۱- ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ﴾
قطعاً خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

(الأعراف / ۶۱)
نوع خبر

۲- ﴿ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴾
ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم.

(العصر / ۲)
نوع خبر

۳- ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴾
به راستی که انسان در زیانکاری است.

الدّرس الثانی عشر

أفعال المقاربة



تزدیک بود باران بیارد.



تزدیک بود گلدان بیافتد.

كَادَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ

به ترجمه عبارت‌های فوق توجه کنید.

كَادَتِ الْمَرْهَبَةُ تَسْقُطُ

فعل «کاد» بر چه مفهومی دلالت می‌کند؟

بعید بودن انجام کار

تزدیک بودن وقوع کار

انجام شدن کار

به فعل‌هایی مانند «کاد» که تزدیک بودن وقوع کاری را نشان می‌دهند «افعال مقاربه» می‌گویند.

اکنون می خواهیم با «کاد» بیشتر آشنا شویم.

المعلّمُ يَحْضُرُ. ≡ كَادَ المعلّمُ يَحْضُرُ.
الشَّجَرَةُ تُنْمِرُ. ≡ كَادَتِ الشَّجَرَةُ تُنْمِرُ.

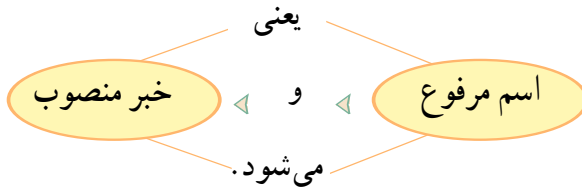
به این عبارات و تغییرات
آن توجه کنید.

- کاد و کادت بر سر چه جمله ای آمده اند؟
○ اسمیه ○ فعلیه
○ با آمدن «کاد» کلمه بعد چه اعرابی گرفته است؟ رفع ○ نصب ○ جر ○
○ عمل «کاد» به کدام مورد شبیه است؟ افعال ناقصه ○ حروف مشبّهه ○

?

کاد

از فعل های مقاربه است که بر سر مبتدا و خبر می آید و مانند کان عمل می کند.



با این تفاوت که خبر آن حتماً باید با فعل مضارع شروع شود.

﴿ أَبْصَارَهُمْ ﴾	يَخْطَفُ	الْبَرْقُ	﴿ يَكَادُ ﴾
	خبر کاد (جمله فعلیه)	اسم کاد و	فعل مقاربه
	و محلاً منصوب	مرفوع	

○ أَخَذَ الْمَعْلَمُ يُدْرِّسُ «معلم درس دادن را شروع کرد.»

○ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْحَمَكُم «امید است خداوند شما را مورد رحمت قرار دهد.»

بیاید با اخوات
«کاد» آشنا شویم.

بدانیم

«بَدَأَ»، «شَرَعَ»، «أَخَذَ» و «جَعَلَ» به معنای شروع کرد و «عَسَى» به معنای امید است و «كَادَ» و «أَوْشَكَ» به معنای نزدیک است، افعال مقاربه هستند.

این فعل‌ها از جهت معنی به سه گروه تقسیم می‌شوند.

افعال شروع

بر شروع شدن کاری دلالت دارند.
(فقط صیغه‌های ماضی)

بَدَأَ ، شَرَعَ
أَخَذَ ، جَعَلَ

افعال رجاء

امید به انجام گرفتن کاری را بیان می‌کنند.
(فقط صیغه‌های ماضی)

عَسَى

افعال قُرب

نزدیک بودن وقوع کاری را نشان می‌دهند.
(صیغه‌های ماضی و مضارع)

كَادَ و أَوْشَكَ

لا لباس أجمل من العافية.
لا طالب في الصف.
لا كتاب عندي.

اکنون به این جملات منفی
توجه نمایید.

- «لا» بر سر چه کلمه‌ای آمده است؟ اسم ○ فعل ○ حرف
- جمله بعد از «لا» چه نوع جمله‌ای است؟ اسمیه ○ فعلیه
- اسم بعد از «لا» چه حرکتی دارد؟ فتحه ○ ضمه ○ کسره
- اسم بعد از «لا» از جهت اعراب شبیه کدام مورد است؟
- اسم افعال ناقصه ○ اسم حروف مشبیه بالفعل ○ اسم افعال مقاربه

آیا می‌توانید به این
سؤالات پاسخ دهید:

بدانیم

گاهی «لا» بر سر جمله «اسمیه» می‌آید و مانند حروف مشبیه بالفعل اسمی منصوب و خبری مرفوع می‌گیرد. به این حرف «لای نفی جنس» گفته می‌شود.

لَا
مِنَ الْعَافِيَةِ
جار و مجرور

لَبَاسٍ
أَجْمَلُ
خبر «لا»ی نفی جنس

لَا
اسم «لا»ی نفی جنس

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.
 لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.
 لا سَيِّفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ.
 لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ.

آیا این عبارتها برای شما
 آشناست؟

نکره است بدین خاطر هیچ گاه الف و لام نمی گیرد.
 غالباً مبنی بر فتح است و بدین خاطر تنوین ندارد.
 ○ لا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ الْعُجْبِ.

اسم

خبر «لا نفی جنس» مانند خبر مبتدا است.
 ○ لا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ.
 ○ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ.
 ○ لا نَصِيحَةَ تَنْفَعُ الْعَنُودَ.
 گاهی خبر «لا» محذوف است.
 ○ لا شَيْءَ. (لا شَيْءَ موجود)

خبر

اسم
 و
 خبر
 «لا»
 نفی جنس

خلاصة النواسخ^١

<p>خبر (منصوب)</p> <p>مفرد : لَيْسَ الدَّرْسُ صَعْباً</p> <p>جملة : كَانَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ</p> <p>شبه جملة : مازالَ التلميذُ في المكتبةِ</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : صارَ الجَوُّ بارداً</p> <p>ضمير بارز : كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ</p> <p>ضمير مستتر : المؤمنُ يكونُ (هو) صادقاً</p>	<p>كَانَ</p> <p>أَصْبَحَ</p> <p>صارَ</p> <p>مادامَ</p> <p>مازالَ</p> <p>لَيْسَ</p>	<p>الأفعال الناقصة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لَعَلَّ الطالبَ ناجِحٌ.</p> <p>جملة : إِنَّ الجُنْدِيَّ يُدافعُ عَن وطنه.</p> <p>شبه جملة : كَأَنَّ الفلَّاحَ في مزرعتهِ.</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : إِنَّ اللّٰهَ غفورٌ</p> <p>ضمير متصل : كَأَنَّكَ عالمٌ</p>	<p>إِنَّ</p> <p>أَنَّ</p> <p>كَأَنَّ</p> <p>لَكِنَّ</p> <p>لَيْتَ</p> <p>لَعَلَّ</p>	<p>الحروف المشبهة بالفعل</p>
<p>خبر (محللاً منصوب)</p> <p>جملة فعلية (فعل مضارع)</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : بدأَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ</p> <p>ضمير بارز :</p> <p>الطلابُ سَرَعُوا يَكْتُبُونَ</p> <p>ضمير مستتر : الدَّرْسُ كادَ (هو) يَنْتَهي</p>	<p>كَادَ (يَكَادُ)</p> <p>أَوْشَكَ (يُوشِكُ)</p> <p>عَسَى</p> <p>بدأَ</p> <p>سَرَعَ</p> <p>أَخَذَ</p> <p>جَعَلَ</p>	<p>أفعال المقاربة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لاداءَ أَضْرُّ من الجَهْلِ</p> <p>جملة : لاناجحَ يَتَكاسَلُ في حياته</p> <p>شبه جملة : لا كتابَ على الكرسيِّ</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر :</p> <p>لا جَهْلٌ أَضْرُّ من العُجْبِ</p>	<p>لا</p>	<p>لا النافية للجنس</p>

١- نواسخ : ادواتي هستند که چون بر سر جمله درآیند، اعراب اجزای جمله را «نسخ» می کنند یعنی اعراب جدیدی را جانشین اعراب

قبلی می کنند به طوری که هرگاه این ادوات حذف شوند اعراب قبلی به جای خود بازمی گردد.

الصَّدِيقُ النَّاصِحُ

كَانَ لِرَجُلٍ فَقِيرٍ صَدِيقٌ . فَقَالَ لَهُ يَوْمًا :
مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ «يُسْمِنُ وَيُغْنِي مِنْ جُوعٍ» . تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْبَسَاتِينِ وَالْحُقُولِ
لِلْعَمَلِ ، عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنَا رِزْقًا حَلَالًا .

فَانْطَلَقَا نَحْوَ الْبَسَاتِينِ

بَيْنَمَا كَانَا يَذْهَبَانِ وَسَوْسَ لَهُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَسَلَّقَ جُدْرَانَ الْبَسَاتِينِ وَيَسْرِقَ
مِقْدَارًا مِنَ الْفَوَاكِهَةِ .
فَقَالَ لِصَدِيقِهِ : اِنْتَظِرْ هُنَا وَرَاقِبِ الْأَطْرَافَ فَإِذَا اقْتَرَبَ أَحَدٌ فَأَخْبِرْنِي .
فَوَقَفَ الصَّدِيقُ لِلْمِرَاقَبَةِ وَبَدَأَ الرَّجُلُ يَقْطِفُ الْفَوَاكِهَةَ .

بَعْدَ قَلِيلٍ

قَالَ صَدِيقُهُ : يَا أَخِي ! أَحَدٌ يُسَاهِدُنَا ، فَخَافَ الرَّجُلُ وَنَزَلَ مِنَ الْجِدَارِ وَ
سَأَلَهُ : مَنْ هُوَ ؟ أَيْنَ هُوَ ؟
فَقَالَ صَدِيقُهُ : هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَرَى كُلَّ أَحَدٍ وَيَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ . فَارْتَعَدَ الرَّجُلُ
وَخَجِلَ ...

العامل

نَحْتَفِلُ بِيَوْمِ الْعَامِلِ مِنْ كُلِّ عَامٍ. لِأَنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ وَ
الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْعَامِلَ بِحَيْثُ افْتَخَرَ الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ (ص) بِأَنْ يُقْبَلَ يَدِي الْعَامِلِ. وَ
عَسَى الْعَامِلُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَكَانَةٍ رَفِيعَةٍ فِي مُجْتَمَعِنَا إِذْ إِنَّ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ بَدَأَتْ
تَتَقَدَّمُ بِفَضْلِ الْأَيْدِي الْعَامِلَةِ الْمُتَخَصِّصَةِ.

قال جبران خليل جبران^١ في شأن العامل :

«أُحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ. أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يُطْعِمُنَا وَيَحْرِمُ نَفْسَهُ، أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَغْرِزُ...
لِنَلْبَسِ الْأَثْوَابَ الْجَدِيدَةَ، بَيْنَمَا زَوْجَتُهُ وَأَوْلَادُهُ فِي مَلَابِسِهِمُ الْقَدِيمَةَ. أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ
يَبْنِي الْمَنَازِلَ الْعَالِيَةَ وَيَسْكُنُ الْأَكْوَاخَ الْحَقِيرَةَ. أُحِبُّ ابْتِسَامَتَهُ الْحُلْوَةَ.
أُحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ، لِأَنَّهُ يَحْسَبُ نَفْسَهُ خَادِمًا وَهُوَ السَّيِّدُ السَّيِّدُ وَأُحِبُّهُ
لِأَنَّهُ خَجُولٌ فَإِذَا أُعْطِيَتهُ أَجْرَتَهُ شَكَرَكَ قَبْلَ أَنْ تَشْكُرَهُ».

أجب عن الأسئلة التالية :

١- إلى أين ذهب الرجل الفقير مع صديقه؟

٢- مَنْ وَسَّوسَ لِلرَّجُلِ؟

٣- مَنْ كَانَ يُسَاهِدُ الرَّجُلَ وَصَدِيقَهُ؟

٤- كيف تقدمت المجتمعات البشرية؟

١- هو أديبٌ لبنانيٌّ وُلِدَ سنة ١٨٨٣ الميلادية هاجرَ إلى خارجِ الوَطَنِ وواصلَ نشاطَه الأدبيَّةَ هناك و صارَ من

أشهر الأدباء في عصره

التدريب الأول

اقرأ العبارات التالية ثم أكمل الجدول التالي :

الفعل الناسخ	اسمه	خبره
١-.....
٢-.....
٣-.....
٤-.....

١- أَخَذَ الْجُنْدِيُّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ.

٢- عَسَى اللَّهُ أَنْ يَنْصُرَنَا.

٣- أَوْشَكَ الْمُنْذِبُ أَنْ يَتُوبَ مِنْ ذَنْبِهِ.

٤- كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا.

التدريب الثاني

ميز الخطأ ثم اكتب صحيحته :

خطأ الشكل الصحيح

١- عَسَى السَّلَامُ أَنْ يَسْمُلَ الْعَالَمَ.

٢- لَا الْفَضِيلَةَ أَجْلٌ مِنَ الْإِحْسَانِ.

٣- بَدَأَتِ الْقَمَرُ يَحْسِفُ.

٤- كَانَتْ مَحَبَّةُ الرَّسُولِ (ص) لِفَاطِمَةَ (س) فَوْقَ الْوَصْفِ.

التدريب الثالث

أكتب الجمل التالية مستعيناً بما بين القوسين :

١- اللَّهُ رَزَقَنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ. (عَسَى)

٢- الْمُسْلِمُونَ اتَّحَدُوا ضِدَّ أَعْدَائِهِمْ. (كَادَ)

٣- الْإِسْلَامُ انْتَشَرَ فِي الْعَالَمِ. (بَدَأَ)

التَّهْرِينُ الرَّابِعُ

عَيِّنِ الكَلِمَةَ المُنَاسِبَةَ لِلفَرَاغِ :

١- ﴿يَكَادُ..... يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ﴾

البرقُ البرقُ البرقُ

٢- لا أَقْطَعُ مِنَ الحَقِّ.

السيفُ سيفُ سيفُ

٣- بدأ الثورَةَ يُنادي بِوَحْدَةِ الأُمَّةِ.

قائدُ قائدُ قائدُ

٤- أَخَذَ الطَّلَابُ مَقَالَاتٍ أَدِيبَةً.

تَكْتُبُونَ كَتَبُوا يَكْتُبُونَ

التَّهْرِينُ الْخَامِسُ

أَعْرِبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

١- العِلْمُ يَرْفَعُ بَيْتًا لَا عِمَادَ لَهُ

وَالجَهْلُ يَهْدِمُ بَيْتَ العِزِّ وَالشَّرْفِ

٢- وَإِنْ ضَاقَ رِزْقُ الْيَوْمِ فَاصْبِرْ إِلَى عَدِي

عَسَى نَكَبَاتُ الدَّهْرِ عَنْكَ تَرْوُلُ

التَّهْرِينُ السَّادِسُ

للتعريب :

تعطيلي عيد

- سلام عليكم . سال نو مبارک!
- آيا به ديدار خويشاوندان رفتي؟
- عليكم السلام . سال نو مبارک!
- بله، به ديدار پدر بزرگ و مادر بزرگم رفتم .
- در تعطيلي عيد كجا بودي؟
- برايت سال خوبي را آرزو مي كنم .
- در خانه بودم .
- متشكرم!

١- سال نو مبارک : العام الجديد مبروك و در اصطلاح : «كُلُّ عامٍ وأنتم بخير!»، تعطيلي : عَطْلَةٌ، خويشاوندان :

الأقرباء، پدر بزرگ و مادر بزرگ : جد و جدّة، سال خوبي : عاماً سعيداً، آرزو مي كنم : أتمنّى، أرجو

در ترجمهٔ افعال مقاربه از الفاظی نظیر «تقریباً، چیزی نمانده، نزدیک بود، نزدیک است و...» استفاده می‌شود و خبر آن معادل مضارع التزامی فارسی است:

تَكَادُ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ : نزدیک است که گل شکفته شود.

– فعل مضارع بعد از افعال شروع را می‌توان به صورت مصدر ترجمه کرد:

أَخَذَ الشَّاعِرُ يُنْشِدُ قَصِيدَةً : شاعر دست به کار سرودن قصیده‌ای شد.

– در ترجمه لای نفی جنس از الفاظی نظیر «هیچ، اصلاً» استفاده می‌شود: لا لِبَاسٍ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ : هیچ جامه‌ای زیننده‌تر از سلامت نیست.

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ ترجمتها الصحيحة:

- ۱- ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (المائدة / ۱۰۹)
 - الف) گفتند: ما را هیچ دانشی نیست همانا تو دانای نهان‌ها هستی.
 - ب) گفتند: ما نمی‌دانیم که تو دانا به اسرار غیب هستی.
- ۲- أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يَنْقُلُ حِكَايَةَ رَائِعَةٍ عَنْ تَارِيخِ الْإِسْلَامِ.
 - الف) معلم شروع به نقل یک داستان جالب از تاریخ اسلام کرد.
 - ب) معلم یک داستان دلنشین از تاریخ اسلام تعریف می‌کرد.
- ۳- كَادَتِ الثَّلُوجُ تَتَسَاقَطُ.
 - الف) برف شروع به باریدن نمود.
 - ب) چیزی نمانده بود که برف بیارد.

ترجم هذه العبارة إلى الفارسية :

* أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَابْعَضَ
بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا.

هوناً ما : معتدل بغیض : دشمن

۱- کدام کلمه ترجمه آیات زیر را کامل می کند؟

(الف) ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ﴾ (النساء/ ۹۹)

شاید

امید است

... که خداوند از آن ها در گذرد.

(ب) ﴿قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي﴾ (الأعراف/ ۱۵۰)
گفت : ای پسر مادرم، این قوم مرا ضعیف شمردند و ... مرا بکشند.

نزدیک بود

می خواستند

(ج) ﴿عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (التحریم/ ۸)

امید است

نزدیک بود

... که پروردگارتان گناهان شما را ببخشد.

۲- در کدام آیه «لای نفی جنس» به کار رفته است؟

(هود/ ۳۱)

(الف) ﴿وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾

(البقرة/ ۲)

(ب) ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

(الأعراف/ ۳)

(ج) ﴿إِتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا

مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾

الدَّرْسُ الثَّالِثُ عَشَرَ

المفعول فيه

در پرتو دو بُعد



جملات، مفهومی واضح و روشن پیدا می کنند.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾
«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.»

به تأثیر زیبایی مکان و
زمان در این عبارات
توجه کنید :

به خاطر اهمیت زمان و مکان کلمات
خاصی را برای آن وضع نموده اند.

مكان

فوق
تحت
أمام
وراء
بين
عند
قرب
جنب

زمان

الآن
غد
اليوم
أمس
صباح
مساء
قبل
بعد
ليل
نهار

به این کلمات «اصطلاحاً» ظرف زمان و ظرف مکان
می گوئیم که معادل قید زمان و مکان در فارسی هستند.

مقایسه

جَلَسْتُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

زیر درخت نشستم
در زیر درخت نشستم

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

روز جمعه سفر کردیم
در روز جمعه سفر کردیم

- کلمات «تَحْتَ» و «يَوْمَ» چه کلماتی هستند؟
- به ترجمه این جمله ها توجه کنید :
- هنگام ترجمه ظرف ها از چه حرفی می توان استفاده کرد؟

بدانیم

ظرف ها معنای حرف جرّ «فی» را به همراه دارند لذا به آن ها «مفعول فیه» می گویند.

قَرَأْتُ كِتَابًا لَيْلًا. قَرَأْتُ كِتَابًا فِي اللَّيْلِ.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. سَافَرْنَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

بیشتر بدانیم

مفعول فیه از جهت اعراب منصوب است.

اما اگر

با حرف جرّ «فی» به کار رود، دیگر مفعول فیه نیست بلکه مجرور به حرف جرّ است.

ما أرخصَ الجَمَلِ لولا القِطَّةُ!

كان عندَ فلاحٍ جَمَلٌ يُحِبُّهُ كثيراً وِيسْتَحْدِمُهُ في الانتقالِ بينَ القريةِ والمدينةِ .
في يومٍ مِنَ الأيامِ ذَهَبَ نَحْوَ سُوقِ المدينةِ و فَقَدَ جَمَلَهُ هناكَ فَطَلَبَ الفَلاحُ مِنَ الناسِ
أَنْ يُفْتَشُوا عَنِ الجَمَلِ . فَتَشَّ الناسُ كُلَّ مكانٍ . ولكن دُونَ فائدةٍ .
و بعدَ تفتيشٍ طويلٍ و تَعَبٍ كثيرٍ ... أَقْسَمَ الفَلاحُ أَمامَ الناسِ أَنْ يبيِعَ الجَمَلَ
بدينارٍ واحدٍ إنْ وَجَدَهُ . تَعَجَّبَ الناسُ مِنْ هذا السُّعْرِ الرَّخيصِ و حينما كانَ يَتَجَوَّلُ
في السُّوقِ مَساءً ، وَجَدَ الجَمَلَ قُربَ شجرةٍ .
ففرِحَ ولكنَّهُ تَدَكَّرَ قَسَمَهُ . فَكَّرَ الفَلاحُ لِحُظَّةٍ فَأَحْضَرَ قِطَّةً و جَعَلَهَا
على الجَمَلِ و وَقَفَ وَسَطَ السُّوقِ و نادى : مَنْ يَشْتَرِي الجَمَلَ بدينارٍ والقِطَّةَ بألفِ
دينارٍ معاً؟
تَجَمَّعَ الناسُ حَوْلَهُ و فَهِمُوا أَنَّهُ لا يَقْضُدُ أَنْ يبيِعَ جَمَلَهُ فَأَنْصَرَفُوا و هم
يقولونَ : ما أرخصَ الجَمَلِ لولا القِطَّةُ!

الدَّكَّاءُ

كانَ لِمَلِكٍ غَليظِ القَلْبِ خادِمٌ . في يومٍ مِنَ الأيامِ عِنْدَما قَدَّمَ الخادِمُ الطَّعامَ
إلى المَلِكِ سَقَطَتْ قِطْرَةٌ مِنَ الطَّعامِ عَلى قَميصِهِ فَغَضِبَ المَلِكُ و أَمَرَ بِقَتْلِهِ فوراً
فَسَكَبَ الخادِمُ الطَّعامَ كُلَّهُ عَلى رأسِ المَلِكِ و هو يقولُ :

أَخْجَلُ أَنْ يَكُونَ الْمَلِكُ قَاتِلِي لِقَطْرَةٍ فَعَظُمْتُ ذَنْبِي لِيَكُونَ ذَا حَقٍّ فِي قَتْلِي .
فَتَبَسَّسَ الْمَلِكُ وَصَفَحَ عَنْهُ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَاذَا فَقَدَ الْفَلَّاحُ؟

٢- أَيْنَ وَجَدَ جَمَلَهُ؟

٣- لِمَ أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِ الْخَادِمِ؟

٤- مَاذَا عَمِلَ الْخَادِمُ لَمَّا أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِهِ؟

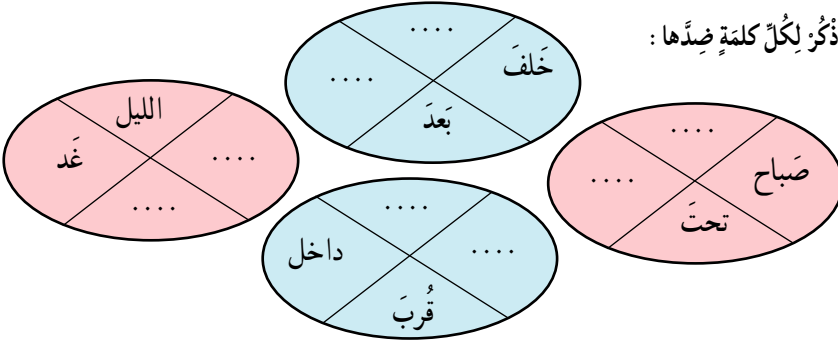
التمرين الأول

عَيِّنِ الْمَفْعُولَ فِيهِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- ١- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾
- ٢- ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾
- ٣- «إِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»
- ٤- يُحَاسِبُ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التمرين الثاني

أَذْكُرْ لِكُلِّ كَلِمَةٍ ضِدَّهَا :



التمرين الثالث

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ :

عدد الأخطاء الشكل الصحيح

- ١- الْعِقَابُ شَدِيدٌ عَلَى الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ.
- ٢- يَسْتَعِدُّ الْمُسْلِمِينَ لِذَفْعِ زَكَاةِ الْفِطْرِ لَيْلَةَ عِيدِ الْفِطْرِ.
- ٣- لَيْسَ الْغَادِرُ فَائِزٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التدريب الرابع

للإعراب والتحليل الصرفي فيما أُشير إليه بِحَطِّ:

﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ﴾

التدريب الخامس

عَيِّن المُرَادِفَ وَ المُنْضَادَّ: (=، ≠)

تَحَتَّ فَوْقَ	وَقَفَّ جَلَسَ	فَتَّسَّ بَحَثَ
تَمَنَّى رَجَا	غَدَاً أَمَسَ	أَمَامَ خَلَفَ
البُسْتَانُ الحَدِيقَةُ	تَعَالَى إِذْهَبَ	الْعَامَ السَّنَةَ
نَفَعَ ضَرَّرَ	الأَثْوَابُ المَلَابِسُ	يَرَى يُشَاهِدُ

– «عند» چنانچه ظرف مکان باشد معمولاً به صورت «نزد» و چنانچه ظرف زمان باشد به صورت «به هنگام، وقت» ترجمه می شود :

الکتابُ عِنْدَ التَّلْمِیْذِ : کتاب نزد دانش آموز است.

نذهب إِلَى الْمَسْجِدِ عِنْدَ الْغُرُوبِ : به هنگام غروب به مسجد می رویم.

– چون در زبان عربی معمولاً فعل خاصی برای مفهوم «داشتن» به کار نمی رود، بنابراین برای بیان این معنا از کلمه «عِنْد» و یا «لام جازه» استفاده می شود :

كَانَ عِنْدِي كِتَابٌ قَيْمٌ : کتاب ارزشمندی داشتم. لي مَكْتَبَةٌ صَغِيرَةٌ : کتابخانه کوچکی دارم.

– هُنَاكَ (ظرف مکان) گاهی اوقات به معنای «هست، وجود دارد» به کار می رود :

هُنَاكَ كِتَابٌ عَلَى الْكُرْسِيِّ : کتابی روی صندلی هست. (وجود دارد)

لِلترجمة

- ۱- ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۲- من صِفَاتِ الْمُنَافِقِ التَّمَلُّقُ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ التَّكْبُرُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.
- ۳- هُنَاكَ طُلَّابٌ فِي الْمَدَارِسِ وَالْجَامِعَاتِ يَعْمَلُونَ لِمَجْدِ الْبِلَادِ وَ عَرَّهَا.

اقرأ العبارات ثمّ ترجمها إلى الفارسیّة بعباراتٍ مألوفةٍ :

* لسانُ العاقلِ وراءَ قلبه و قلبُ الأحمقِ وراءَ لسانه.

* أكثرُ مصارعِ العقولِ تحتَ بُروقِ المطامعِ.

مصارع : ج مَصْرَع : هلاکت‌گاه البُروق : ج برق : درخشش
المطامع : طمع‌ها

با توجه به ترجمه جای خالی را در آیات زیر کامل کنید :

(الف) ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا ... هُمَا﴾ (طه / ۶)
از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آن‌هاست.

(ب) ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا ... هُمْ﴾ (البقرة / ۲۵۵)
آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است، می‌داند.

(ج) ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا ... لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (یس / ۴۵)
و آنگاه که به ایشان گفته شود از آنچه در پیش رو دارید و آنچه پشت شما است (کیفر گناهان)، بپرهیزید شاید مورد رحمت قرار گیرید.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ عَشَرَ

الصِّفَةُ وَالمَوْصُوفُ



گلِ گلدان



گلِ سرخ

- کلمه سرخ چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ کلمه گلدان چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ آیا می توان سرخ بودن را از گل جدا کرد؟
○ آیا می توان گلدان را از گل جدا کرد؟

بین کدام یک از ترکیب‌ها از جهت معنی رابطه و پیوندی قوی وجود دارد؟

در ترکیب‌های زیر چگونه؟

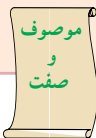
کتابِ خوب - کتابِ کتابخانه

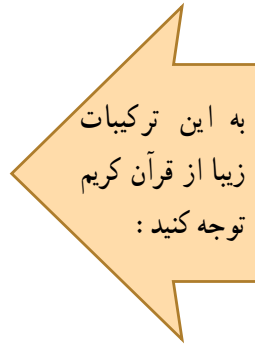
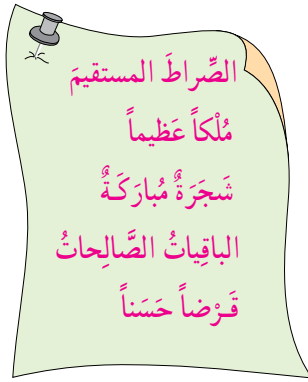
بین کدام یک پیوندی محکم وجود دارد؟

○ با کلمات داده شده جای خالی را کامل کنید.

در زبان فارسی

به دو جزء ترکیباتی مانند گل سرخ، کتاب مفید که با یک دیگر پیوندی قوی دارند و یکی دیگری را توصیف می کند گفته می شود.
و به دو جزء ترکیباتی مانند گل گلدان، کتاب کتابخانه که فقط به یک دیگر نسبت داده شده و به هم اضافه شده اند گفته می شود.





همان طور که :

در زبان فارسی بین موصوف و صفت از جهت معنی ارتباط محکمی وجود دارد.

در زبان عربی علاوه بر ارتباط معنایی از جهت ظاهر نیز ارتباط و هماهنگی دقیقی بین آن‌ها وجود دارد.

این هماهنگی و تبعیت صفت از موصوف در چهار مورد است :

۱	عدد	مفرد	هذا كتابٌ ...	(مُفِيدٌ - مفيدان - مفيداتٌ)
		مثنی	في المدرسة شجرتانِ ...	(جَمِيلَةٌ - جميلتان - جميلات)
		جمع	جاء المؤمنونَ ...	(الصالحُ - الصالحانِ - الصالحونَ)
۲	جنس	مذكر	حَضَرَ الطالِبُ ...	(الناجِحُ - الناجِحَةُ)
		مؤنث	نَجَحَتِ الطالِبَةُ ...	(العالمُ - العالمَةُ)
۳	معرفه و نکره بودن	معرفه	قرأت الحكايةَ ...	(لَطِيفَةٌ - اللطيفةُ)
		نکره	عندي مجلةٌ ...	(أَدِيبَةٌ - الأديبةُ)
۴	اعراب	مرفوع	لنا مدرسةٌ ...	(كَبِيرَةٌ - كبيرةٌ - كبيرةٌ)
		منصوب	رأيتُ الفلاحينَ ...	(المجدونَ - المُجَدِّينَ)
		مجرور	سَلَّمْتُ على طيبٍ ...	(مَشْفِقٌ - مشفقٍ - مشفقاً)

آیا می‌توانید اسم اشاره مناسب را پیدا کنید؟!

... المدارس (تلكَ - أولئك)

... الأشجار (هؤلاءِ - هذه)

برای جمع‌های غیر عاقل اسم اشاره به چه صورتی می‌آید؟ جمع مذکر ○ مفرد مؤنث ○

بنابراین

با جمع های غیرعاقل معمولاً مانند مفرد مؤنث عمل می شود.

الکُتُب (النافع - النافعة)
الآیات (الشريفة - الشريف)
أعمالٌ (حَسَنٌ - حَسَنَةٌ)

صفت نیز برای جمع های
غیرعاقل می تواند به صورت
مفرد مؤنث بیاید.



به چه اسمی نکره
گفته می شود؟

آیا اسم نکره را
به خاطر می آورید؟

کدام یک از اسم ها برای ما ناشناخته است و نیاز به توضیح دارد؟

اسم نکره

اسم معرفه

اسم نکره رادر
این عبارات پیدا
کنید

رَأَيْتُ قَاضِيًا يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ
وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴿۳۱﴾
في المدرسة شجرة أوراقها خضراء

چه توضیحی برای اسم های نکره
آمده است؟

بدانیم!

گاهی بعد از اسم های نکره جمله ای می آید و آن اسم نکره را توضیح داده
و توصیف می کند. به چنین جملاتی «جمله وصفیه» گفته می شود.
به این مثال ها نیز توجه کنید:

- ۱- قَرَأْتُ آيَةً أَثَرَتْ فِي قَلْبِي.
- ۲- الْمُؤْمِنُ إِنْسَانٌ يُحِبُّ الْخَيْرَ.

حديثُ المسجد

أَنَا الْمَكَانُ الطَّاهِرُ
أَنَا الَّذِي تَعْلُو عَلَى أَكْتَفَيْ الْمَنَائِرِ
وَإِنِّي مَدْرَسَةُ الرَّسُولِ وَالصَّحَابَةِ
فَكُنْتُ رَمَزَ الْفِكْرِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّلَابَةِ
وَ كُنْتُ مَهْدًا لِلْجِهَادِ الْحَقِّ وَالشَّهَادَةِ
وَ مَوْطِنًا لِلنُّورِ وَالْعِبَادَةِ.

يَعْمُرُنِي الشُّعَاعُ وَالخُشُوعُ
وَ فِي رِحَابِي يُورِقُ الشُّجُودُ وَالرُّكُوعُ

يَا أَيُّهَا الْأَجِبَةُ الصَّغَارُ وَالْكِبَارُ
هَيَّا إِلَى الْمَسْجِدِ فَالْمَسْجِدُ فِي أَنْتَظَارِ

النَّعَامَةُ

النَّعَامَةُ طَائِرٌ كَبِيرٌ مِنْ أَصْحَمِ الطُّيُورِ . هِيَ تَجْمَعُ بَيْنَ صِفَاتِ الْجَمَلِ وَالطَّيْرِ . لَهَا جَنَاحَانِ
كَبِيرَانِ وَعُنُقٌ طَوِيلٌ وَ مِنْقَارٌ عَرِيضٌ . وَالنَّعَامَةُ حَيَوَانٌ يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْجُبْنِ فَإِنَّهَا تُدْخَلُ
رَأْسَهَا تَحْتَ الرَّمَالِ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْخَوْفِ وَ جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ : «أَسَدٌ عَلَيَّ وَ فِي الْحُرُوبِ نَعَامَةٌ»!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- ما هو مقصود الشاعر من مدرسة الرسول (ص)؟

٢- كَيْفَ يَدْعُونَا الشَّاعِرُ إِلَى الْمَسْجِدِ؟

٣- ما هو الحيوان الذي يُشَبِّهه الجمل والطير؟

٤- ما تَعْمَلُ النَّعَامَةُ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْخَوْفِ؟

التمرين الأول

صِلْ بَيْنَ الصِّفَةِ وَالْمَوْصُوفِ الْمُنَاسِبِ :

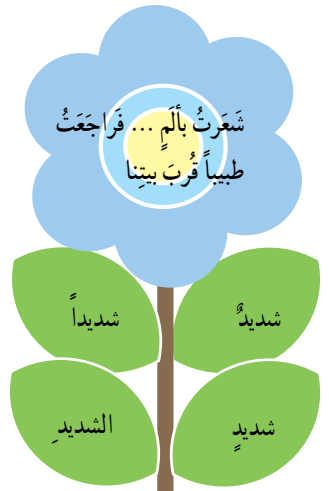
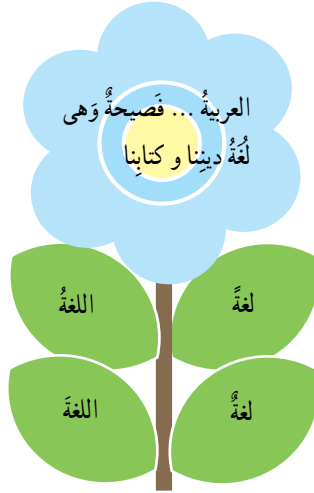
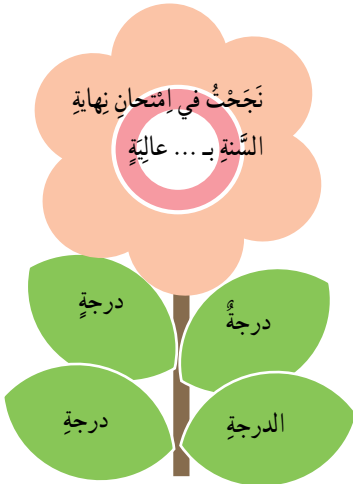
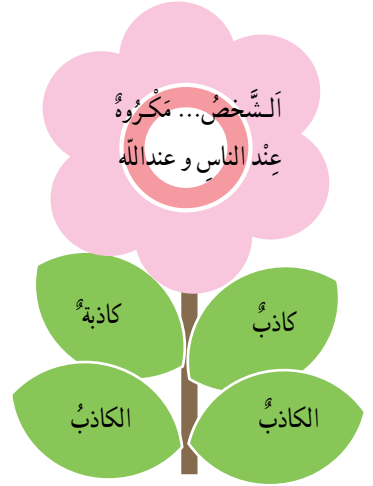
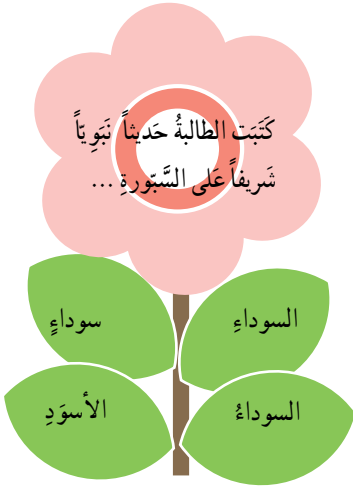
ب	الف
عَادِلَانِ	الْحَدَائِقُ
الزَّرْقَاءُ	قَاضِيَانِ
غَنِيَّةٌ	النَّهْرُ
الْجَمِيلَةُ	أَخْوَيْنِ
الْجَارِي	السَّمَاءُ
مَخْلَصِينَ	مَكْتَبَاتُ

التمرين الثاني

املأ الفراغ في الجدول :

إعرابها	نوع الصفة	الصفة	الجملة
			القَنَاعَةُ كَثْرًا لَا يَنْقَدُ.
			إِنِّي أُحِبُّ إِخْوَانِي الْمُجِدِّينَ.
			قَرَأْتُ كِتَابًا رَائِعًا.
			لَحْظَةً الْإِتِّصَارِ لِحْظَةً نَسْتَهْرَهَا.

امتلأ الفراغ في كل مجموعة بالكلمة المناسبة :



التدريب الرابع

عين الصفة والموصوف في الجمل التالية :

- ١- أفضل الناس مؤمنٌ يُجاهدُ في سبيلِ اللهِ بنفسِه و مالِه .
- ٢- القرآنُ هو التورُّ المبينُ والذِّكرُ الحكيمُ والصِّراطُ المستقيمُ .
- ٣- الطَّمعُ الشَّدِيدُ يُوقِعُ الإنسانَ في المَهالكِ .
- ٤- إِنَّ الإِيثارَ صِفَةٌ إنسانيةٌ يَتَخَلَّقُ بِها المؤمنُ .

التدريب الخامس

للإعراب والتحليل الصَّرْفِي :

﴿ نَفَّصَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾

– جمله وصفیه عربی بدون اینکه قبل از آن موصول (الذی، الّتی و...) بیاید، معنای آن را دارا می‌باشد. لذا در ترجمه فارسی معمولاً با کلمه «که» (موصول، صفت‌ساز) به کار می‌رود:

رَأَيْتُ تِلْمِيزَةً تَقْرَأُ دَرْسَهَا : دانش آموزی را دیدم که درسش را می‌خواند.

للتّرجمة

- ۱- لي أصدقاء يُذَكِّرُونَنِي بِطَاعَةِ اللَّهِ.
- ۲- جَلَسْتُ تَحْتَ شَجَرَةٍ تُعَرِّدُ طُيُورَهَا.

إقرأ هذه العبارة ثمّ تَرجم إلى الفارسيّة بعبارة مألوفة :

* ثَمْرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمْرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ.

الحَزْمُ : دورانديشی، احتیاط

۱- ترجمه مناسب هر آیه را مشخص کنید و آن را با علامت (x) مشخص کنید.

(الف) ﴿ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)

و او دل هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید.

و او دل ها را به هم نزدیک ساخت و به لطف او برادر شدید.

(ب) ﴿ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا ﴾ (الحجرات/ ۱۲)

آیا شما دوست دارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید؟

آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

(ج) ﴿ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ﴾ (الحج/ ۷۰)

آیا ندانستی که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟

آیا خدا بر آنچه در آسمان ها و زمین است واقف است؟

۲- از میان کلمات داده شده مناسب ترین آن ها را انتخاب و آیه را کامل کنید.

(الف) ﴿ فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ ... ﴾ (الشعراء/ ۳۸)

الْمَعْلُومِ

مَعْلُومٍ

مَعْلُومٍ

(ب) ﴿ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ... ﴾ (الإسراء/ ۲۲)

آخَرُ

آخَرَ

الْآخَرَ

(ج) ﴿ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ ... إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴾ (الفجر/ ۲۸-۲۷)

الْمُطْمَئِنِّ

الْمُطْمَئِنَّةُ

مُطْمَئِنَّةٌ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ عَشْرُ

الإضافة

در درس قبل با ترکیباتی مانند :

گل گلدان
کتاب کتابخانه

گل سرخ
کتاب خوب

آشنا شدیم که فقط به هم اضافه شده‌اند، بدون این که به هم وابسته باشند به نام :

مضاف و مضاف الیه

آشنا شدیم که بین آن‌ها از جهت معنی، پیوندی قوی وجود داشت به نام :

موصوف و صفت

در زبان عربی نیز اگر دو اسم به هم اضافه شوند، به اسم اول **مضاف** و به اسم دوم **مضاف الیه** گویند.

مانند : **کتابُ الطَّالِبِ** ، **یوم الدین**

أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ - أَعْمَالُكُمْ - عَمَلٌ مَفِيدٌ
عَبْدٌ مُؤْمِنٌ - عَبْدُ اللَّهِ - عَبْدُكَ

در این ترکیب‌ها مضاف و مضاف الیه را از صفت و موصوف جدا کنید.

اگر ضمیری به اسم متصل شود آن ترکیب حتماً اضافی است.

اسم + ضمیر
مضاف مضاف الیه

بدانیم!



● حتماً با اسم آشنا هستید!

کدام مجموعه، نشان دهنده علامت های خاص اسم است؟

مضاف واقع شدن مؤنث شدن تنوین	تنوین مضاف شدن «ال»	ال تنوین به صیغه جمع در آمدن
------------------------------------	---------------------------	---------------------------------------



پذیرفتن «ال» و تنوین و مضاف واقع شدن از علامت های اسم است و این علائم با هم جمع نمی شوند.

کتابُ الْمُعَلِّمِ
کتابُ الْمُعَلِّمِ
الکتابُ الْمُعَلِّمِ

- در این ترکیب ها مضاف را پیدا کنید.
- در کدام یک از ترکیب ها، مضاف به صورت صحیح به کار رفته است؟

به این ترکیب ها توجه کنید :

«مُعَلِّمُو» و «یَدَا» چه نوع کلمه ای هستند؟ مفرد یا مثنی یا جمع چه تغییری در این کلمات روی داده است؟

مُعَلِّمُو المَدْرَسَةِ، یَدَاكَ

فَلَا حُونَ القَرِيَةِ ≡ فَلَا حُو القَرِيَةِ

وَالِدَانِ كَ ≡ وَالِدَاكَ

مُعَلِّمِينَ المَدْرَسَةِ ≡ مُعَلِّمِي المَدْرَسَةِ

اگر جمع مذکر سالم و اسم مثنی مضاف واقع شوند حرف «ن» از آخر آن ها حذف می شود.

بدانیم!

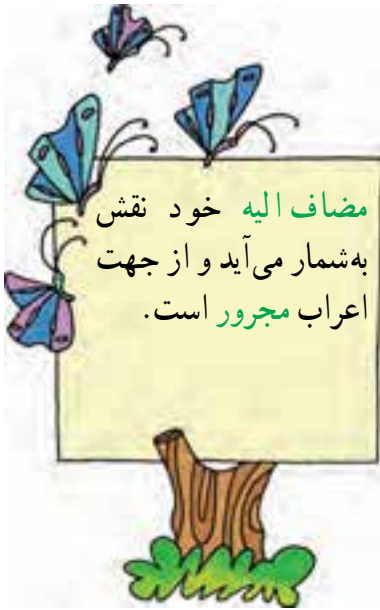


هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.
رَأَيْتُ مُدِيرَ الْمَدْرَسَةِ.
سَلَّمْتُ عَلَى مُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.

به این عبارت‌ها
توجه کنید :

کدام کلمه مضاف الیه است؟
به اعراب مضاف الیه توجه کنید.
مضاف الیه چه اعرابی دارد؟

کدام کلمه مضاف است؟
به اعراب مضاف در سه عبارت
توجه کنید.
چه تغییری را مشاهده می‌کنید؟



بدانیم!

مضاف در جمله نقش می‌پذیرد
و اعراب آن متناسب با جمله
می‌تواند مرفوع، منصوب و
یا مجرور باشد.



دانستیم که :

۱- اسم می‌تواند صفت بگیرد. گل سرخ ← گل سرخ

۲- اسم می‌تواند مضاف الیه بگیرد. گل باغ ← گل باغ

اما آیا اسم می‌تواند هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد؟ در این صورت حق تقدم با کدام یک است؟

مضاف الیه؟

یا

صفت؟

گل سرخ باغ ○ گل باغ سرخ ○
 گل + سرخ
 باغ

پاسخ مناسب کدام است؟

کتاب خوب ما ○ کتاب ما خوب ○
 کتاب + ما
 خوب



در زبان فارسی اگر اسمی بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا صفت می آید و سپس مضاف الیه.

بدانیم!

به ترجمه این عبارات توجه کنید.

در زبان عربی چگونه؟

العزیزُ	صديقُنَا	
صفت	مضاف الیه	اسم

دوست	عزیز	ما
اسم	صفت	مضاف الیه



در زبان عربی اسمی اگر بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد مضاف الیه مقدم می شود.

آیا در ترتیب کلمات تغییری روی داده است؟
 چه کلمه ای مقدم شده است؟
 صفت یا مضاف الیه؟

- عقیده اسلامی ما ○ عقیده ما اسلامی ○
 در بزرگ مدرسه ○ در مدرسه بزرگ ○

عقیدتُنَا الإِسْلَامِيَّةُ
 بَابُ الْمَدْرَسَةِ الْكَبِيرِ

این عبارت را ترجمه کنید.

الشاعر الملتزم

كَانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ مِنَ الشُّعْرَاءِ المُلْتَزِمِينَ فِي القَرْنِ الثَّانِي لِلهِجْرَةِ وَ
كَانَ يُدَافِعُ عَنِ الحَقِّ وَ يُهَاجِمُ الظَّالِمِينَ وَ لذلِكَ أَصْبَحَ مَبْعُوضاً عِنْدَ الأُمُويِّينَ،
لأنَّهُمْ كَانُوا يَزْرَعُونَ بُدُورَ الحِقْدِ وَ العَدَاوَةِ لِأَلِ عَلِيٍّ (ع) فِي قُلُوبِ النَّاسِ وَ كَانَ
السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ يُحِبُّ خُطَّةَ الأُمُويِّينَ وَ يَنْصُرُ آلَ البَيْتِ (ع) وَ يُبَيِّنُ فِضَائِلَهُمْ
لِلنَّاسِ بِشِجَاعَةٍ، وَ كَانَ يَقُولُ: «لَمْ أَتْرُكْ فَضِيلَةَ لِعَلِيٍّ وَ آلِهِ إِلَّا نَظَّمْتُ حَوْلَهَا
شِعْراً».

وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ مَدْحَ آلِ البَيْتِ (ع) فِي عَصْرِ الأُمُويِّينَ مَا كَانَ أَمْراً بَسِيطاً بَلْ
كَانَ فِي أَكْثَرِ الأَحْيَانِ يُسَبِّبُ قَتْلَ قَائِلِهِ أَوْ تَشْرِيدَهُ وَ حِرْمَانَهُ مِنْ حَقُوقِهِ.
ذاتَ يَوْمٍ جَاءَ أَحَدُ أَصْحَابِ الإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) إِلَيْهِ وَ بَدَأَ بِالسَّعَايَةِ وَ قَالَ
لِلإِمَامِ (ع): إِنَّ السَّيِّدَ يَرْتَكِبُ بَعْضَ الذُّنُوبِ فَلِمَاذَا تُدَافِعُ عَنْهُ؟!
الإِمَامُ (ع) لَمْ يَقْبَلْ أَنْ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِمَيْرِيَّ بِسَبَبِ ذَنْبٍ مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ
عِلْمِهِ أَنَّ أَعْمَالَ السَّيِّدِ الحَسَنَةَ أضعَافُهُ. فَأجابَهُ قَائِلاً: «إِنْ زَلَّتْ عَنْهُ قَدَمٌ فَقَدْ
تَبَتَّتْ لَهُ أُخْرَى».

جمال العلم و الأدب

لَيْسَ الجَمالُ بِأَثُوبٍ تُرَيِّنُنَا
لَيْسَ اليَتِيمُ الَّذِي قَدَمَاتُ وَالدُّهُ
إِنَّ الجَمالَ جَمالُ العِلْمِ وَ الأَدبِ
بَلِ اليَتِيمُ يَتِيمُ العِلْمِ وَ الأَدبِ

وقيل :

رَضِينَا قِسْمَةَ الْجَبَّارِ فِينَا لَنَا عِلْمٌ وَ لِلْجُهَّالِ مَالٌ
فَإِنَّ الْمَالَ يَفْنَى عَنْ قَرِيبٍ وَإِنَّ الْعِلْمَ لَيْسَ لَهُ زَوَالٌ

وقيل :

الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ مِثْلُ الشَّمْسِ فِي الْفَلَكَ وَالْعَقْلُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ التَّاجِ لِلْمَلِكِ
أَشَدُّ بِدَيْكَ بِحَبْلِ الْعِلْمِ مُعْتَصِمًا فَالْعِلْمُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ الْمَاءِ لِلسَّمَكِ

أجب عن الأسئلة التالية :

١- في أيِّ قرنٍ كانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ يَعِشُ؟

٢- لِمَن كانَ الحِمَيْرِيُّ مُحِبًّا؟

٣- هَلْ قَبِلَ الإمامُ (ع) أَنْ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِمَيْرِيَّ مِنْ أَجْلِ ذَنْبٍ إِرْتَكَبَهُ؟

التمرين الأول

أعرب الكلمات التي أُشير إليها بخطٍ :

١- الحسنُ و الحسينُ (ع) سيِّداً شَبَابِ أَهْلِ الجَنَّةِ.

٢- تَزَكُّ الذَّنْبِ أَهْوَى مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

٣- أَشَجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ.

٤- الجَهْلُ بالفِضائلِ مِنْ أَقْبَحِ الرِّذائلِ.

التمرين الثاني

إتَّخِبِ الجوابَ الصَّحيحَ واذكرْ إعرابه :

١- ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ... ﴾ (أَخَوَاكُمْ، أَخَوَيْكُمْ)

٢- تَعَلَّمْ حُسْنَ (الاستماعِ، الاستماعِ) كما تَتَعَلَّمُ (حُسْنًا، حُسناً) الحديثِ.

٣- لا تَفْعَلُوا (أعمالًا، أعمالاً) الخَيْرِ رِثَاءً.

٤- مِنَ الضَّلالِ (الكبيرِ، الكبيرِ) ضياعُ العُمَرِ في اللُّهُوِ.

التمرين الثالث

أَكْمِلِ العبارةَ حَسَبَ الطَّلَبِ :

حاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحاسِبَ.

..... نَفْسِكَ

..... أَنْفُسَ ... تُحاسِبَا.

..... حاسِبُوا أَنْفُسَ

..... أَنْفُسَ تُحاسِبَنَّ.

للتعريب

- در تابستان چه می‌کنی؟
- برای تابستان کارهای زیادی دارم: سفر، ورزش و مطالعه.
- آیا در تابستان کار هم می‌کنی؟
- بله، در کارگاه پدرم کار می‌کنم.
- بسیار خوب، پیامبر و ائمه اهل دانش و کار بودند.
- بله، آنان سرمشق ما هستند.^۱

۱- کارگاه: مَعْمَل، سرمشق: قُدْوَة

در هنگام ترجمه سعی کنیم تا آن جا که ممکن است از عبارات های زبان «مبدأ» کلمه ای کم و یا زیاد نشود.

– ساختار جملات زبان «مقصد» را در هنگام ترجمه عبارت ها رعایت کنیم.

اقرأ العبارات التالية ثم عيّن ترجمتها الصحيحة :

۱- قائد الثورة العظيم الإمام الخميني (ره) أيقظ المسلمين من نوم الغفلة.
الف) رهبر كبير انقلاب امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت بيدار نمود.

○

ب) رهبر انقلاب كبير امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت باز داشت.

○

۲- غابات مازندران الخضراء من أجمل المناطق في إيران.

الف) جنگل های مازندران سبز و خرم است و از زیباترین مناطق ایران به شمار می رود.

○

ب) جنگل های سبز مازندران از زیباترین مناطق ایران است.

○

۳- ما زالت الأحاسيس الثوروية تموج في قلوب جماهيرنا المسلمة.

الف) عواطف انقلابی همواره در دل های ملت مسلمان ما موج می زند.

○

ب) عواطف انقلابی همواره در دل ما ملت مسلمان موج می زند.

○

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِمْنَاهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :

* إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ .

* سَلْ تَفْقَهَاءَ وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَتِّتِ .

يُقَدِّرُوا : مقایسه کنند
ضَعْفَةٌ : ضعیفان
سَلْ تَفْقَهَاءَ : برای فهمیدن سؤال کن .
لا تسأل تعنتاً : برای ایراد گرفتن (مچ گیری) سؤال مکن .
المتعسف : گمراه
المتعتت : ایرادگیر

کلمه مناسب را برای پر کردن جای خالی آیات زیر انتخاب کنید .

(التوبة / ۲)

۱ - ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ... اللَّهِ﴾

و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد .

مُعْجِرُونَ مُعْجِرِينَ مُعْجِزِي

(الإسراء / ۵۸)

۲ - ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ... قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

و هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت، اهل آن شهر را هلاک می کنیم .

مُهْلِكُهَا مُهْلِكُونَهَا مُهْلِكُونَهُ

(الاحزاب / ۴۰)

۳ - ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا... مِنْ رَجَالِكُمْ﴾

محمد صلی الله علیه و آله و سلم پدر هیچ یک از مردان شما نیست .

أَحَدٌ أَحَدًا أَحَدٍ

الدّرس السادس عشر

التّصغير ، التّسببه

آيا اين عبارت مشهور را شنیده اید؟
«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»

در این درس با دو نوع صرفه جویی در کلمات آشنا می شویم.

می توان در به کار بردن کلمات نیز تا زمانی که به معنی لطمه نزنند صرفه جویی کرد

به این نمونه از زبان فارسی توجه کنید.

درختچه
طفلک
مردک

می توان گفت

درخت کوچک
طفل کوچک
مرد کوچک

به جای دو کلمه

آیا با این نوع ساختار آشنا هستید؟
این اسلوب در زبان فارسی چه نامیده می شود؟
مؤنث ساختن؟ مصغّر ساختن؟ جمع ساختن؟

در زبان عربی هم می توان اسم مصغّر ساخت :

شُجَيْرَةٌ
طُفَيْلٌ
رُجَيْلٌ

می توان گفت

شجرةٌ صَغِيرَةٌ
طفلاً صَغِيرٌ
رجلاً صَغِيرٌ

به جای دو کلمه

فَعْل
فُعِيل

- ۱- حرف اول ← ضمه
- ۲- حرف دوم ← فتحه
- ۳- افزودن ← ی

روش ساختن
اسم مصغر

هدف از تصغیر

اسم مصغر گاهی به منظور «تحبیب» یا «تحقیر» به کار می رود.

دو عبارت را با یکدیگر مقایسه کنید.

میزی چوبی
جامه‌ای ابریشمی
دانشمندی ایرانی

میزی از چوب
جامه‌ای از ابریشم
دانشمندی از ایران

در عبارت بالا کلمات چوب، ابریشم و ایران به صورت چوبی، ابریشمی و ایرانی به کار رفته اند. به این ساختار در زبان فارسی چه می گویند؟

اسم منسوب؟

اسم مصغر؟

منضدة خشبیه
ثوب حریری
عالم ایرانی

گفت

منضدة من الخشب
ثوب من الحریر
عالم من ایران

می توان
به جای

در زبان عربی هم
می توان
اسم منسوب
ساخت.

دقت کنید

تاء گرد «ة» به هنگام نسبت از آخر کلمه حذف می شود :

فاطمة ← فاطمِي

مكة ← مكِّي

تجارة ← تجاري

بدانیم

برخی کلمات به هنگام نسبت تغییر مختصری می کنند. کلماتی مانند :
نَبَوِي، عَلَوِي، موسوي، رَضَوِي، دُنَبَوِي، مَدَنِي اسم منسوب کلمات
نبي، علي، موسی، رضا، دنیا و مدینه هستند.

اسم منسوب معمولاً حکم صفت را دارد و تابع احکام صفت
است لذا در زبان فارسی آن را **صفت نسبی** می نامیم.



المنظومة الشمسية

الشمس أقرب نجم إلى الأرض وهي صغيرة جداً بالنسبة إلى بعض النجوم الأخرى، لكنها كبيرة جداً بالنسبة إلى الأرض وهي على بُعد مائة وخمسين مليون كيلومترًا منا وبالرغم من هذا البعد فإن ضوءها يصل إلينا خلال ثماني دقائق فقط. وهناك عدد كبير من الأجرام السماوية حول الشمس يُعرف كلها بالمنظومة الشمسية.

أجب عن الأسئلة التالية:

١- بعد كم دقيقة يصل ضوء الشمس إلينا؟

٢- ما هي المنظومة الشمسية؟

٣- من هو مكتشف الجراثيم؟

٤- ما كانت نتيجة اكتشاف الجراثيم؟

١- صد و پنجاه میلیون کیلومتر

مُكْتَشَفُ الْجَرَائِمِ

يَنْعَمُ الْإِنْسَانُ الْيَوْمَ بِنِعْمٍ مُخْتَلِفَةٍ بِمَا سَخَّرَ مِنْ قُوَى الطَّبِيعَةِ لِمَنَافِعِهِ، فَسَهَّلَتْ حَيَاتُهُ وَقَلَّتْ مَتَاعِبُهُ.

كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ وَهَبُوا الْمَقْدُرَةَ وَالذِّكَاءَ وَوَقَفُوا حَيَاتَهُمْ فِي سَبِيلِ خَيْرِ الْإِنْسَانِيَّةِ. وَ مِنْ هَؤُلَاءِ، الْعَالِمُ الْفَرَنْسِيُّ «لُويس بَاسْتور» مُكْتَشِفُ الْجَرَائِمِ وَ مُخَفِّفُ آلامِ الْإِنْسَانِ.

وَ مِنْ أَهَمِّ خَدَمَاتِهِ اكْتِشَافُ الْجَرَائِمِ الَّذِي أَحَدَثَ انْقِلَاباً فِي عِلْمِي الْجِرَاحَةِ وَ الطَّبِّ وَ جَعَلَهُ مِنْ أَشْهُرِ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ التَّاسِعِ عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ فِي الْعَالَمِ.

التدريب الأول

عَيِّرْ ما أُشِيرَ إليه بخطٍّ إلى أسلوبِ النسبة :

١- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ لِبْنَانَ. أَنَا... .

٢- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ أَنَا مِنْ إِيرَانَ. أَنَا... .

٣- هَذَا السَّيْفُ مِنْ حَدِيدٍ.

إِذَنْ هَذَا سَيْفٌ.....

٤- سَمِعْتُ حَدِيثًا عَنِ النَّبِيِّ.

إِذَنْ سَمِعْتُ حَدِيثًا.....

٥- بَعْضُ السُّورِ نَزَلَتْ فِي مَكَّةَ.

فَهِيَ سُورَةٌ.....

التدريب الثاني

املأ الفراغَ حَسَبَ التَّمُودِجِ :

كتابٌ منسوبٌ إلى السَّمَاءِ



كتابٌ سَمَاوِيٌّ

الآيَاتُ الْمُنْسُوبَةُ إِلَى الْقُرْآنِ



الآيَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

١- أَغْلَاطٌ مَطْبَعِيَّةٌ ← ...

٢- الْحَدِيثُ النَّبَوِيُّ ← ...

٣- سَجَادٌ إِيرَانِيٌّ ← ...

التمرين الثالث

صغّر الأسماء التالية :

فَضْلٌ () حَسَنٌ () عَبْدٌ () نَهْرٌ ()
وَلَدٌ () بَعْدٌ () قَبْلٌ () حَجَرٌ ()

التمرين الرابع

ترجم النص التالي ثم أعرّب الكلمات التي أُشير إليها بخط :

الشيخ البهائي

هو من علماء القرن الحادي عشر. ينتهي نسبه إلى الحارث الهمداني أحد أصحاب الإمام عليّ (ع) وله مؤلفات أدبية مثل الكشكول والصمدية في العلوم التحوية وهو أحد نوابغ عصره، والبهائي بعلبكّي المولد، إصفهائي الموطن، مشهدي المدفن.

التمرين الخامس

للإعراب و التحليل الصرفي :

﴿ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ﴾

– ترجمه دقیق و روان مستلزم شناخت قواعد است. به کمک قواعد و شناخت اجزای جمله و ممارست می‌توان به ترجمه‌ای مناسب دست یافت. شناخت انواع «مَنْ»، «مَا»، «مَتَى» و نظایر آن‌ها در ترجمه حایز اهمیت است.

للترجمة

- ۱- ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾. (المائدة / ۸۸)
- ۲- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ﴾. (البقرة / ۲۰۷)
- ۳- «مَا أَكَل أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ».
- ۴- مَنْ طَمِعَ بِالكَثِيرِ لَمْ يَحْصُلْ عَلَى الْقَلِيلِ.

أَقْرَأِ الْعِبْرَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَاهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :
 * يَا كَمِيلُ هَلَكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعِلْمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ
 الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.
 * يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ،
 الْمَالُ تَنْقِصُهُ التَّفَقُّهُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ.

أعيان : ج عين، وجودها
 يزكو : افزایش می یابد، رشد می کند.
 أمثال : ج مثل، داستان، ضرب المثل

وجه اشتراك آیات زیر از نظر معنی در چیست؟

- ۱- ﴿ وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ﴾ (طه / ۱۱۳)
 - ۲- ﴿ وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا ﴾ (الأحقاف / ۱۲)
 - ۳- ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ (يوسف / ۲)
- ۱- حکمت آمیزی قرآن
 ۲- عربی بودن قرآن
 ۳- اعجاز قرآن
-

المُعْجَم

الف	الأجود : بهتر، بهترین	۱۰	إِذْن : پس، بنابراین	۵
الأخرین : دیگران	الأحبّ : محبوب تر	۴	الأدّی : آزار، اذیت	۴
آت : عطاکن، بده	أحبّط : ناکام کرد، بی اثر کرد	۱۵	إرتعدّ : به خود لرزید،	
أدّی : آزار داد، اذیت کرد	الأحیة : جمع حبیب : دوستان	۱۴	تکان خورد	۱۲
الابتسامه : لبخند	إحتفلّ : جشن گرفت	۱۲	الأزّدا : پست ترین، بدترین	۱۰
الأبرّ : نیکوتر	أحدّث : ایجاد کرد، ساخت	۳	أرسلّ : فرستاد	۲
أبطلّ : باطل نمود، خنثی کرد	الأحرار : جمع حرّ : آزادگان،		أرشدّ : راهنمایی کرد	۸
الأبکم : ناشنوا، کر	آزادها	۱۰	أرضی : خشنود ساخت	۱۰
إتبعّ : پیروی کرد	أحسنّ أدبه : نیکو تربیش کرد.	۵	الاستدارة : گردی، گرد بودن	۱۵
أتعبّ : خسته کرد	أحضّر : آورد، آماده کرد	۵	إشتشفعّ : شفاعت خواست	۸
أتىّ : آمد	أحکمّ : استوار ساخت،		الاستظهار : از بر	۱۲
الإتیان به : آوردن	محکم کرد	۴	إستعجلّ : عجله کرد، شتافت	۱۲
أنمرّ : میوه داد	إحمرّّ : سرخ شد	۱۲	إستعدّّ : آماده شد	۱۳
أجابّ : جواب داد	الاختبار : آزمودن،	۲	إستمعّ : گوش داد	۱۱
أجزىّ : اجرا کرد	امتحان کردن	۹	أسرعّ : شتافت	۱۱
أجلّ : خاطر	أخلقّ : کهنه کرد	۱۰	أسمنّ : چاق کرد	۱۲
من أجلّ : به خاطر	الإخوة في الدين : برادران دینی	۴	إشترىّ : خرید	۱۳
الأجلّ : بزرگوارتر	أدخلّ : وارد کرد	۱۲	أشرفّ علیّ : نظارت کرد بر ...	۹

۱۴	أَوْقَعَ : انداخت	۱۶	الاکتساب : به دست آوردن،	مشهورتر،	مشهورترین
۴	الاهتمام : توجه، عنایت	۳	کسب کردن	بزرگترین،	تنومندترین
۱۵	الأهون : راحت تر	۳	الاكتفاء الذاتی : خودکفایی	چند برابر	۱۵
		۱۳	أَكْمَلَ : کامل کرد	جمع ضوئاً، نورها،	
	ب	۸	أَلْبَسَ : پوشاند	۹	پرتوها
۴	بَارَكَ : برکت داد	۱۱	الأنثی : زن، مؤنث	۱	أَطَاعَ : اطاعت کرد
۱۳	بَاعَ - : فروخت	۸	أَنشَدَ : سرود، خواند	۱۲	أَطْعَمَ : غذا داد
۴	بَالَعٌ : مبالغه کرد	۵	الإنشراح : گشایش، فَرَاخِي	۶	الأظلم : ستمکارتر، ستمکارترین
۱۱	الْبَحِيرَة : دریاچه		أَنصَتَ : خاموش شد،	۴	أَظْهَرَ : نمایان ساخت، آشکار کرد
۱	بَدَّلَ : تبدیل کرد، تغییر داد	۸	سکوت کرد	۱۱	إِعْتَدَرَ : پوزش خواست
۱۰	بَدَّلَ : صرف کرد، خرج نمود	۱۳	إِنصَرَفَ : رفت	۷	أَعْرَضَ : روی گرداند
۱۵	البذور : جمع بذر : دانه ها	۱۲	إِنطَلَقَ : راهی شد، روانه شد	۷	أَعَزَّ : عزیز کرد، عزت داد
۴	البِرّ : نیکی	۹	إِنفَجَرَ : بیرون زد، منفجر شد	۴	أَعْطَى : اعطا کرد، بخشید
۸	البُرودَة : گونه ای عبا	۲	أَنقَضَ : سنگین کرد، خم کرد	۱۰	أَغْضَبَ : خشمگین ساخت
۹	البِرمیل : بشکه	۱	إِنقَلَبَ : دگرگون شد	۶	أَعْلَقَ : بست
۳	البُرودَة : سردی	۱۱	أَنكَرَ : انکار کرد	۱۲	أَغْنَى : بی نیاز کرد
۷	البسط : گسترش	۳	أَوْحَى : وحی کرد	۸	إِفْتَتَحَ : بازگشایی کرد، گشود
۷	أَبسَطَ وَجْهَكَ : گشاده رو باش	۱۴	أورَقَ : برگ داد، برگ درآورد	۵	الإفصال : احسان
۵	البسّمات : ج البسّمة : لبخندها	۱۲	أوشَكَ : نزدیک بود	۶	إِقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد
۱۵	البسيط : ساده	۳	أَوْصَلَ : رساند	۱۲	الأقدس : مقدس تر، مقدس ترین
۵	بَشَّرَ : مزده داد		أَوْصَى : سفارش کرد،	۱۲	الأقْطَع : بُرنده تر، قاطع تر
۱	البَصْر : چشم	۵	وصیت نمود	۱۴	الأكتاف : جمع كَتِف : شانه

۱۵	تَعَاوَنَ : همکاری کرد	۶	الْجَبَّارُ : خداوند مقتدر	۱۵
۱۲	تَعَبَ : رنج برد، سختی کشید	۱۳	الْجُبْنُ : ترس، بُزدلی	۱۴
	تَعَبَدَ : عبادت کرد	۸	الْجِدَّ : تلاش، جدیت	۱۱
	تَعَلَّمَ : یاد گرفت، آموخت	۹	جَدَّدَ : تازه کرد، نو کرد	۶
	تَغَلَّبَ عَلَيَّ : چیره شد بر،		الْجِرَاتِيمُ : جمع جُرثوم،	
۲	غلبه کرد بر ...	۷	میکربها	۱۶
۹	التَّقَدُّمُ : پیشرفت	۱۲	الْجِرَّةُ : کوزه	۲
۷	تَكَفَّلَ : به عهده گرفت	۸	جَرَّبَ : آزمود، آزمایش کرد	۱
۱۳	تَمَتَّعَ : بهره مند شد	۱۲	الْجَرَسُ : زنگ	۸
	تَنَزَّلَ : فرود آمد، پایین آمد	۲	جَزَى : جزا داد، پاداش داد	۴
۱۰	تَنْزَهُ : گردش کرد	۶	جَعَلَ : گرداند، قرار داد	۳
	تَهَيَّأَ : آماده کردن، مهیا ساختن			
۶	التَّوَّاصُلُ : باهم بیوند داشتن	۱۰	الْجَنَاحُ : بال	۱۴
۱۴	التَّوَّسُّعُ : وسعت یافتن، باز شدن	۹	الْجُوعُ : گرسنگی	۱۲
۱۳	تُوفِّيَ : وفات یافت	۸		
۱۱	تَهَدَّمَ : ویران شد، خراب شد	۱۱		
			ح	
۶	تَسَابِقُ الْقَفْزِ : مسابقه پرش		الْحَاذِقُ : ماهر، زبردست	۵
۱۲	تَسَلَّقَ : بالا رفت، صعود کرد		الْحَارَ : داغ، سوزان	۱۰
۱۵	التَّشْرِيدُ : آوارگی	۷	حَارَبَ : نبرد کرد، جنگید	۱
۲	تَصَدَّقَ : صدقه داد	۷	الْحَارِقَةُ : سوزاننده	۱۱
۱۰	التَّضْحِيَّةُ : فداکاری	۸	حَاسَبَ : محاسبه کرد	۱
۱	تَعَارَفَ : آشنا شد (با یکدیگر)		حَاوَلَ : کوشید	۱۵
۱۲	جَالَسَ : همنشینی کرد	۴	الْحَبْلُ : ریسمان	۸

الْحُبُوبُ : جمع حَبِّ : دانه ها ۹

خ

حَدَّرَ : هشدار داد، برحذر داشت ۱۱

خَاطَبَ : خطاب کرد، صدا زد ۲

حَرَمَ : محروم کرد، بی بهره ساخت ۱۲

الْحَزَفِيَّةُ : سُفَالِي ۲

الْحِرْمَانُ : محرومیت ۱۵

خَسَفَ — : تیره شد ۱۲

حَسِبَ : پنداشت، گمان کرد ۸

خَشِيَ — : ترسید ۱۱

الْحَسَنَةُ : پاداش نیک ۱

خَصَّصَ : اختصاص داد ۹

حَصَّصَ : آشکار شد، ۱

الْخُطَّةُ : نقشه، طرح ۱۵

معلوم گردید ۱

خَطَفَ — : ربود، دزدید ۱۲

حَصَدَ — : درو کرد ۷

خَفَّفَ : کم کرد، تخفیف داد ۹

الْحِطُّ : نصیب، بهره ۵

الْخَلَايَا : جمع خَلِيَّةٍ : سلول ها ۹

الْحِقْدُ : کینه ۱۵

د

الْحَقْلُ : دشت، مزرعه ۲

دَارَ : چرخید، گردید ۹

الْحَكْمُ : داور ۱۴

الدَّاعِي : دعوت کننده ۵

حَلَمَ : بردباری کرد ۲

دَانَى : نزدیک شد ۸

الْحُلُو : شیرین ۲

الدَّعَوَاتُ : جمع دَعْوَةٍ : دعاها ۵

الْحَمُّ : خویشاوند شوهر ۴

دَمَعَ : اشک ریخت ۲

الْحِجْلُ : بار ۱۱

الدَّمُوعُ : جمع دَمْعٍ : اشک ها ۲

الْحَنُونُ : مهربان ۱۰

الدَّوْرُ : نقش ۴

الْحَنِينُ : شوق، اشتیاق، ۱

دَوْمًا : دائماً، همیشه ۲

نالِه از روی شوق و اشتیاق ۲

ذ

الْحِيَاكَةُ : بافتن، بافندگی ۱۰

ذَوَى — : نقل کرد، ۱

ذَبَّحَ — : سر بُرید ۷

روایت نمود ۷

الذَّبِيحَةُ : قربانی، گوسفند سربریده ۱۰

الذَّرَاعُ : ذرع، بازو ۶

الذَّكْرُ : مَرْد، مذکر ۱۱

ر

الرَّاعِي : سرپرست، مسؤول ۴

رَاقِبٌ : مراقبت کرد ۱۲

رَجَاءٌ : امید داشت ۸

الرَّجْسُ : پلیدی، ناپاکی ۱۱

الرَّحَابُ : گستره ۱۴

رَحَبٌ : خوش آمد گفت ۲

رَدُّ : برگرداند ۳

رَدُّ السَّلَامِ : پاسخ سلام را داد ۳

الرَّضْوَانُ : بهشت ۲

الرَّغْبَةُ : میل، چشم داشت ۱

رَفَضَ : رد کرد، نپذیرفت ۱۱

رَفَعَ — : بالا برد، بلند کرد ۲

الرُّكَّابُ : جمع راکب : مسافر ۹

الرَّمَالُ : جمع رَمْلٍ : شن ۱۴

الرُّوُوفُ : مهربان ۱

رَوَى — : نقل کرد، ۱

روایت نمود ۷

ص	۲	سَبَّحَ : شنا کرد	۹	الرِّیَاضِیَّة : ورزشی
۷	۱	سَبَقَ : پیشی گرفت	۵	الرَّیْب : شک، تردید
۶	۱۶	سَخَّرَ : مُسَخَّرَ گرداند	۱۱	الرَّیْح : باد
۱۰	۱۵	السَّعَايَة : بدگویی		ز
۳	۱۳	السَّعْر : قیمت، بها	۲	زَادَ : زیاد شد (زیاد کرد)
۸	۵	السَّعِيد : مبارک، خوش یمن	۱۲	زَالَ : از بین رفت
		سَكَنَ : جای گرفت،	۱۵	الزَّرْع : کاشتن
۷	۴	مسکن گزید	۱۴	الزَّرْقَاء : مؤنث آرزق : آبی
۱۰	۱۲	السَّلَام : صلح، آرامش	۱۵	زَلَّ : لغزید، سُر خورد
۴	۸	سَلِمَ : سالم شد، شفا یافت	۱۰	الزَّهْرَة : شکوفه
۸	۳	سَلَّمَ عَلَی ... : سلام کرد بر ...		الزَّهْوَق : نابودشدنی،
۱۴	۶	سَوَّدَ : سیاه کرد	۱۱	از بین رفتنی
۱۵	۱۶	سَهَّلَ : آسان شد		س
۱۴	۷	السَّیَادَة : سروری، آقای	۱۵	السَّائِد : رایج
		ش	۷	السَّاحَة : میدان، حیاط
ض	۱	شَاءَ : خواست		سَاعَدَ : کمک کرد،
	۳	شَتَمَ : دشنام داد	۱	یاری رساند
۱۲	۱۵	شَدَّ : محکم کرد، بست		السَّاهِرَات : جمع ساهرة،
	۴	الشَّمَال : چپ	۲	شب بیداران
۶	۳	الشَّهیر : نامدار، نامور	۶	السَّبَاق : مسابقه
۹		ضَجَّ : پمپاژ کرد	۱۵	سَبَّبَ : باعث شد، سبب شد
۶		ضَرَّ : ضرر رساند		

۱	الغَلّ : کینه	۲ العَصافير : جمع عُصفور :	الضَّمير : درون، باطن
۱۳	۱۰ غليظ القلب : سنگدل	۱۵ گنجشکان	الضِّياع : گمراهی
۱۴	۹ غَمْرُ : فراگرفت، پوشاند	۳ العُطْلَة : تعطیلی	ضَيَّعَ : تباہ کرد، نابود ساخت
۱	۱۳ الغِنَى : بی‌نیازی	۶ عَظَمَ : بزرگ کرد	الضَّيف : مهمان
		عَظَمَ ذَنْبَهُ : گناهش را	
	ف	بزرگ جلوه داد	ط
	۱۳ فَا رَبَّ : نایل شد،	۹ العِقَاب : کیفر، مجازات	الطَّباق : طبقه طبقه
۵	۱۴ رستگار گردید	علاءُ : بالا رفت	طَمِعَ - : طمع کرد، چشم دوخت
	۱۲ فاقُ : برتری یافت،	العِماد : ستون	ظ
۸	۳ پیشی گرفت	۶ العُمَّال : جمع عامل : کارگران	الظَّفَر : پیروزی
۸	۲ الفالِج : فلج	۱۰ عندئذٍ : در این هنگام	ظَلَّ - : ماند، شد
۶	۷ الفائزُ : برنده	العَنْزَة : بُز	
۷	۱۲ الفِئَة : گروه، دسته	العنود : لجباز	ع
۹	۳ الفریق : تیم، گروه	۸ العون : یار، یاور، یاری کردن	عاقی : شفا داد
۴	الفصاحة : شیوایی	۶	عَدِمَ - : از دست داد
۱۴	فَصَّلَ : شرح داد	غ	العُدَّة - : ساز و برگ،
۱۶	۱۳ فضل : به واسطه، به فضل	۲ الغادر : فریب کار	ابزارهای لازم
۶	۱۰ فَكَرَ : فکر کرد، اندیشید	۱۰ الغدر : فریب، مکر	عَرَضَ - : عرضه کرد
۱۵	۱۰ الفَلَكِيُون : ستاره‌شناسان	۲ غَرَدَ : آواز خواند، چهچه زد	العِرْض : آبرو
۱۵	۱۲ فَنِيَ - : فانی شد، از بین رفت	۴ عَزَل - : ریسندگی کرد	العرفان : شناخت، معرفت
۴	۸ (فو - فا - فی) : دهان	۲ العَزوة : جنگ	عزَّوَجَلَّ : گرامی و بزرگ است
۴	۳ في الحال : فوراً	۱۲ الغضبان : خشمگین	عَسَى : امید است

ق

۱	المَبْرَد : سوهان	۶	كِرَّة - : بيزار شد، تَنَفَّر پیدا کرد		
۱۵	المَبْغُوض : مورد نفرت	۷	الْكُفْلَان : تنبل	۹	القائد : رهبر
۱۶	المَتَاعِب : سختی ها، زحمات	۴	كَفَّرَ عَنْ : پوشاند، بخشود	۷	قاتل : جنگید، نبرد کرد
۱۰	المتواصل : پیاپی، مستمر	۲	كَلَّمَا : هر بار	۱۵	قال بِ : اعتقاد یافت به ...
۵	المُجِيب : اجابت کننده	۷	كَمَ : چند، چقدر	۱۰	قام بِ : اقدام کرد، انجام داد
۸	المُحَقِّق : حقیقت جو	۹	الْكَنْفَر : کانگورو	۱۲	قَبَّلَ : بوسید
۱۳	المَخْبُوء : پنهان	۷	الْكُونَيْن : دو هستی، دنیا	۷	القتال : جنگ
۱۶	المُخَفَّف : کاهش دهنده	۸	و آخرت	۱۳	قَدَّمَ : تقدیم کرد
۱	المِخْلَب : چنگال			۹	قَسَمَ : تقسیم نمود
۹	المِراة : آینه		ل	۱۲	قَطَفَ - : چید
	مركزية الأرض : مرکز بودن	۹	اللاعِب : بازیکن	۱۶	القطن : پنبه
۱۵	زمین	۹	اللُّغَة : زبان	۶	قَفَزَ : پرید، جَست
۱۲	المزهرية : گلدان	۳	لَقِيَ - : برخورد کرد، روبرو شد	۱۶	قَلَّ - : کم شد
	المُستعين : کمک خواه،	۱۰	اللُّوح : تابلو	۷	قَتَعَ - : بسنده کرد، قانع شد
۸	یاری طلب	۱۳	لولا : اگر نبود ...		ك
۸	المُستمسك : چنگ زنده	۱۵	اللَّهُو : سرگرمی	۱۲	كادَ - : نزدیک بود
۱	المِسطرة : خط کش		م		الكبار : جمع کبیر : بزرگان، بزرگسالان
۸	دست مالید	۱۳	ما أرخص : چقدر ارزان است!	۷	كَبِرَ - : پیر شد
	المُصلون : جمع مُصلي :	۱۰	مادام : تا وقتی که	۷	كَتَبَ - : واجب کرد
۱۰	نمازگزاران	۸	ما زال : همواره، همیشه	۸	الكَرب : اندوه
۶	المُضجر : خسته کننده	۷	مِائَة، مِئَة : صد	۴	كُرَّة السَّلَة : بسکتبال
۱۶	المطبعة : چاپخانه	۹	المباراة : مسابقه	۹	

۱۰	النَّمَام : سخن چین	۱	المَوَاعِيد : جمع میعاد :	۱	المِطْرَقَة : چکش
	و	۴	وعدده گاهها	۱۵	المُعْتَصِم : چنگ زنده، پناه جو
۱۰	الواجبات : تکالیف، وظایف	۴	المَوْتَى : جمع مَيت : مردگان	۴	المُعِين : یاری کننده، یاور
۴	الوَتَر : زه کمان	۹	المَوَاقِف : ایستگاه	۴	المُعِیْث : فریادرس
۲	الوِزَر : بار، سنگینی	۴	المَوَالِی : خادم، خدمتکار	۱	المِقبَض : دستگیره
۲	وَضَعَّ : قرار داد	۱۴	المَهْد : گهواره	۸	المُقْتَحِم : هجوم آورنده
۱۰	وَقَّرَ : فراهم کرد، مهیا نمود	۸	المَیْت : مرده	۱	المِقْرَاض : قیچی
۱۰	وَقَّفَ : توفیق داد		ن		المُقِیْم : به جا آورنده، برپاکننده
۷	الوَفَق : براساس	۱۲	نَادَى : صدا زد، ندا کرد	۸	المِکْتَب : مکتب خانه
۴	الوَلِی : دوستدار		النَّاصِح : خیرخواه،	۱۶	المِکْتَشِف : کاشف
۱۶	وَهَبَّ : عطا کرد، بخشید	۱۲	نصیحت کننده	۱	المِکْنَسَة : جارو
	ه	۹	ناقلَة النَّفْط : نفتکش	۹	مِلء : ظرفیت، گنجایش
۲	هَتَفَ : فریاد زد	۶	نَالَ : رسید، دست یافت	۲	مَلَأَ : پُر کرد
۱۱	هَدَدَ : تهدید کرد	۲	النَّبْض : تپش، نبض	۱۵	المُلْتَزِم : متعهد
۱۲	هَدَمَ : ویران کرد	۱۰	النَّشِیْط : کوشا، فعال	۱۴	المُنَاوِر : جمع منارة : گلدسته ها
۷	هَزَمَ : شکست داد	۱۴	نَعَامَة : شتر مرغ	۸	المَنَام : خواب
۸	هَوَّل : ترس شدید	۱	نَعِمَ : بهره مند شد،	۸	المُنْتَجَات : تولیدات
۱۴	هَيَّا : بشتاب، شتاب کن	۱۶	برخوردار شد	۱	المِنْشَار : ارّه
	ی	۱۱	نَقَصَ : کم کرد	۲	المُنْدَرِس : کهنه، قدیمی
۱۲	الیاسمین : گل یاسمن، یاسمن	۸	النَّکَبَات : جمع نکبة :	۸	مُنْفَصِم : سست، گسسته
		۲	گرفتاری ها	۸	غیر مُنْفَصِم : محکم، سخت
				۲	المُوَاسَاة : دلجویی



